

ازهار نظر مجمع مسووری حقوقی

کد مجازش: ۱۴۰۰۲۷

در خصوص:

✓ طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده



پژوهشکده شورای نگهبان

طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده

مقدمه

طرح حاضر که در واقع می‌توان آن را منبعث و برگرفته از طرح جمعیت و تعالی خانواده دانست در دوره یازدهم مجلس با اصلاحاتی در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۱ در دستور کار مجلس قرار گرفت و به دلیل داشتن ابعاد مختلف به کمیسیون مشترک رسیدگی به این طرح ارجاع شد و از سوی دیگر در آبان ماه ۱۳۹۹ با ارجاع آن به کمیسیون مزبور مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی به جهت ضرورت موافقت گردید و نهایتاً کمیسیون مزبور مصوبه خود را در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۸ تصویب و مجلس نیز در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ با اجرای آزمایشی آن به مدت هفت سال موافقت نمود. در گزارش های قبلی تا حد امکان مفاد طرح مزبور به نحو جزئی مورد بررسی قرار گرفت. لکن در گزارش حاضر سعی شده تا با اشراف حاصل نسبت به جزئیات طرح حاضر، برخی از موضوعات کلان و اساسی که درخصوص طرح پیش رو وجود دارد مورد توجه قرار گیرد.

بررسی

به طور قطع با عنایت به آمار مولید و همچنین روند کاهشی جمعیت در کشور که به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران می‌تواند از مهمترین بحران های نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی شود، لزوم توجه به مسئله جمعیت و ارائه راه حل جهت حل این معضل نه تنها قابل تردید نیست، بلکه به استناد

سیاست های کلی جمعیت که در اردیبهشت ۱۳۹۳ از سوی مقام معظم رهبری و همچنین تأکید بر آن در سیاست های کلی برنامه ششم توسعه مبنی بر «فرهنگ سازی و ایجاد زمینه ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست های کلی جمعیت»، بررسی و اتخاذ اقدامات عملی و متناسب، ضرورت دارد.

براساس آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۷ تعداد ۱,۳۶۶,۵۱۹ مورد ولادت به ثبت رسیده است که این آمار در مقایسه با سال ۱۳۹۶ (۱,۴۸۷,۹۱۳ مورد ولادت) ۸ درصد کاهش را نشان می دهد و اگر این آمار با تعداد موارد ولادت در سال ۱۳۹۴ با ۱,۵۷۰,۲۱۹ مورد ولادت مقایسه شود، ۱۳ درصد کاهش را نشان می دهد. همچنین در سال ۱۳۹۸ داده های سازمان ثبت احوال کشور بیانگر ۱,۱۹۶,۱۳۵ مورد ولادت است که در مقایسه با سال ۱۳۹۷ کاهش ۱۲ درصدی را نشان می دهد.

همچنین علاوه بر کاهش موالید، تعداد خانوارهای تک فرزند نسبت به سایر خانوارها در سال های اخیر رشد فزاینده ای داشته است. به گونه ای که اگر در سال ۱۳۶۵ تعداد خانوارهای تک فرزند به میزان ۱۳,۸ درصد از کل خانوارها بوده است، این تعداد در سال ۱۳۹۰، به ۲۸,۵ درصد افزایش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۳۰ درصد می رسد.

بنابراین این تحولات جمعیتی و مسائل و پیامدهای آن، ضرورت اتخاذ مداخله قانونی مؤثر و الزام آور جهت تحقق سیاست های کلی جمعیت و جلوگیری از

روند ایجاد شده را بیش از پیش آشکار می‌سازد. اما اینکه آیا طرح حاضر، علی‌رغم هدف مطلوب خود توانسته سازوکارهای لازم را در این خصوص پیش‌بینی نماید یا خیر باید گفت به نظر می‌رسد که طرح پیش‌رو حاوی برخی مسائل و چالش‌هایی است که بدون در نظر گرفتن این موارد و حل آن‌ها، تحقق هدف مورد نظر مشکل می‌نماید و از طرف دیگر می‌تواند منجر به فضای بی‌اعتمادی در جامعه نسبت به وعده‌های مقرر در قوانین شود. ازین رو در این رابطه چند نکته کلی و تخصصی حائز اهمیت است که تحقق اهداف این مصوبه را با چالش مواجه می‌نماید.

الف- مسئله جمعیت و ضرورت پراختن به آن

اول اینکه براساس بررسی‌های صورت گرفته توسط مراکز علمی به طور کلی دو دسته از عوامل مانع افزایش تعداد فرزندان در خانواده‌های ایرانی هستند. یکی موانع اقتصادی که شامل هزینه‌های بارداری، تولد، نگهداری و تحصیل کودکان و هزینه‌های مسکن خانوار و لزوم وجود درآمد پایدار برای سرپرست خانوار می‌باشد. مانع دوم نیز مربوط به مسائل فرهنگی و اجتماعی شامل دغدغه‌های تربیت کودکان، افزایش مسئولیت‌های والدین به ویژه زنان، نگرانی از آینده کودک به علت رشد نابه‌سامانی‌های اجتماعی، احساس ناامنی از ثبات شغلی برای مادران و امکان از دست دادن شغل و ... می‌شود. ازین رو طرح حاضر در صورتی در تحقق اهداف مورد نظر موفق خواهد بود که در مرحله نخست تأمین‌کننده هزینه‌های اقتصادی باشد و از طرف دیگر زمینه رفع دغدغه‌های فرهنگی و

اجتماعی را ایجاد نماید. این درحالی است که اگرچه طرح حاضر تلاش نموده ارائه برخی خدمات اقتصادی و کمک‌های مالی مناسبی را پیش بینی نماید، اما با بررسی منابع پیش بینی شده که بخشی از آن در ادامه گزارش ذکر و بخشی از آن نیز در بررسی مواد بیان شده است، امکان اجرایی شدن این موارد محل تردید جدی است. لذا با عنایت به عدم ورود دولت جهت رفع مشکل در قالب پذیرش بار مالی طرح و یا ارائه لایحه بهتر بود با کاهش حجم مواد طرح و ارائه نوعی اولویت بندی، سازوکارهای مناسبی جهت تحقق بار مالی آن مدنظر قرار می‌گرفت.

در سمت دیگر نیز طرح حاضر با ورود به برخی حوزه‌های چالش برانگیز اساسی و و بعضاً ادبیات نادرست و نامفهوم که باعث موضوع گیری های زیادی نسبت به طرح شده است، از پرداختن جدی به موضوعات مهم جهت رفع دغدغه های فرهنگی و اجتماعی بازمانده است.

ب- بار مالی

دومین نکته مهمی که ناظر به مصوبه حاضر وجود داشته و تحقق اهداف این قانون را با چالش جدی مواجه می نماید، بار مالی ایجاد شده توسط مصوبه از یکسو و از طرف دیگر عدم پیش بینی منابع لازم جهت تحقق اعتبارات مورد نیاز می باشد. در این رابطه لازم است نگاهی به بار مالی ایجاد شده توسط طرح پرداخته شود. گفتنی است ارائه تخمین قابل قبول از هزینه های این طرح مستلزم در اختیار داشتن برآوردی از ابعاد گروه های مختلف مخاطب طرح (براساس مطالعات جمعیتی) می باشد که متأسفانه در این زمینه برآورد دقیقی صورت نگرفته و به همین دلیل در

بررسی حاضر عموماً به ذکر هزینه پایه ماده یا حکم مورد نظر به ازای هر فرد یا خانوار اکتفا شده است. در ادامه به بررسی موادی که دارای بار مالی می باشند خواهیم پرداخت که برخی از آنها براساس تعداد و آمار قابل بررسی بوده و به نوعی مستمر می باشد. البته در این رابطه به موادی که به نوعی متضمن ارائه تسهیلات تکلیفی توسط بانک ها بوده، پرداخته نشده است.

ماده ۱-

حکم بند «الف» این ماده مبنی بر تکلیف رئیس جمهور به تشکیل ستاد ملی جمعیت با دبیرخانه مستقل، دارای بار مالی بوده و به افزایش هزینه عمومی می انجامد.

ماده ۳-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
۳	وزارت راه و شهرسازی	اجاره ۹۹ ساله زمین به خانوارها ۲۰۰ متر به جز کلان شهرها به شرط اسکان بیش از پنج سال	خانوارهای دارای فرزند سوم و بیشتر به مساحت حداکثر

با توجه به عدم انتقال مالکیت این زمین ها و دریافت اجاره سالانه به صورت ترجیحی، عدم النفع دولت برابر با اجاره قابل دریافت از زمین ها است و لذا می توان گفت حکم این ماده واجد بار مالی نیست. هرچند در واقع دولت می تواند ادعا نماید باتوجه به تکلیف قانون بودجه سال جاری^۱ مبنی بر لزوم مولد سازی

۱. تبصره ۱۲-

۱ - در اجرای بند (پ) ماده (۱۰) قانون برنامه ششم توسعه، به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه

دارایی های دولت که از جمله موارد مهم آن اراضی است و اجاره ۹۹ ساله به قیمت روز و حرفه ای نیست، حکم این ماده باعث کاهش درآمدهای عمومی می گردد. این درحالی است که در طرح جهش تولید مسکن نیز براساس سازوکاری دیگر، دستگاهها را مکلف به واگذاری زمین به وزارت راه و شهرسازی نموده ایت و این وزارتخانه نیز مکلف به واگذاری ۹۹ ساله به بهای بسیار نازل (موضوع تبصره ماده (۷) طرح مذکور) خواهد بود و بعلاوه عواید حاصل از واگذاری زمینها به منابع صندوق مسکن اختصاص می یابد.

ماده ۴-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
۴	بودجه سنوایی	تخفیف ۱۰ درصدی پروانه ساختمانی از محل منابع عمومی در بودجه سنوایی	تخفیف پلکانی خانوارهای دارای سه فرزند و بیشتر

→

داده می شود نسبت به مولدسازی دارایی های دولت در اختیار دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری تا سقف بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال با استفاده از انتشار انواع اوراق مالی اسلامی خارج از سقف اوراق مالی اسلامی دولت، اجاره بلندمدت حداکثر ده ساله، توثیق با تشخیص و مجوز وزیر امور اقتصادی و دارایی اقدام و وجوه حاصله را به ردیف درآمدی ۲۱۰۲۲۰ نزد خزانه داری کل کشور واریز نماید. انفال و اموال موضوع اصل هشتاد و سوم (۸۳) قانون اساسی از این موضوع مستثنی می باشند. استانداران و دستگاه های اجرایی می توانند نسبت به ارائه پیشنهاد مولدسازی دارایی های دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند.

قیمت پروانه های ساختمانی در هر شهر بر مبنای نظر شورای شهر مصوب می شود و مهم ترین منبع درآمدی شهرداری ها است. در این رابطه نرخ معینی از پروانه های ساختمانی وجود ندارد اما شواهد نشان می دهد که حداقل این نرخ در کشور ۱۰۰ هزار تومان برای هر متر مربع است. با این فرض وجود ۱۰۰ هزار نفر خانوار مشمول این ماده و با توجه به تبصره ها متوسط متراژ زمین ۱۵۰ - ۲۰۰ متر در کشور، بار مالی آن برای دولت حدود ۴ هزار میلیارد ریال تخمین زده می شود. شایسته ذکر است که سایر تخفیف های این حکم نظیر هزینه نظام مهندسی و پایان کار نیز با بار مالی برای نهادهایی غیر از دولت نظیر شهرداری ها همراه هستند.

ماده ۷-

حکم تبصره «۴» این ماده مبنی بر تکلیف دانشگاه ها و... به بهسازی و تجهیز خوابگاه های موجود جهت اختصاص به خوابگاه متاهلان، دارای بار مالی بوده و به افزایش هزینه عمومی می انجامد.

ماده ۱۱-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۱۱	وزارت اقتصاد	ایجاد صندوق سرمایه گذاری آینده فرزندان توسط دولت با پرداخت ۱ میلیون تومان به ازای هر فرزند	هر فرزند جدیدی که به دنیا می آید

با توجه به این که میزان تولد در کشور حدود ۱/۲ میلیون نفر در هر سال است، بار مالی این ماده در هر سال حدود ۱۲ هزار میلیارد ریال می شود. شایسته ذکر است که این حکم در قانون بودجه ۱۴۰۰ پیش بینی شده و منابع مالی برای آن در سال جاری تعیین شده است. اما در سال های بعد بار مالی آن پابرجاست.

ماده ۱۳-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۱۳	سازمان هدفمندی یارانه ها	افزایش سه برابری یارانه به ازای هر فرزند به ازای حذف یارانه دهک هفتم تا دهم؛ و یارانه خانواده های چند قلو	خانوارهای دارای سه فرزند و بیشتر بدون عضو کارمند

با توجه به این که تاکنون از محل یارانه دهک های هفتم تا دهم، مصارف گوناگونی پیش بینی شده است، به نظر نمی رسد ذکر این مورد برای تأمین منابع این ماده چندان عملیاتی باشد. جهت محاسبه بار مالی این ماده لازم است عدد ۱,۰۹۲,۰۰۰ تومان به تعداد فرزندان جامعه هدف ضرب شود تا بار مالی کل آن استخراج شود.

ماده ۱۴-

تکلیف دولت به تخیف تعرفه واگذاری بهره برداری از زمین و افزایش دوره بازپرداخت تسهیلات در این ماده داری بار مالی است.

ماده ۱۵-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۱۵	بودجه عمومی دولت و صندوق های بازنشستگی	یکسال افزایش سنواتی مستخدم کلیه دستگاه های اجرایی که صاحب فرزند سوم تا پنجم می شوند	مستخدم کلیه دستگاه های اجرایی

همان گونه که توضیح آن در گزارش های بررسی مواد مصوبه گذشت مقصود از افزایش سنواتی مستخدمین در این ماده از جهت اینکه به معنای اعطای نوعی سوابق اضافه جهت بازنشستگی می باشد یا به منزله افزایش پایه حقوق است واجد ابهام است اما در هر صورت واجد بار مالی جدید در هر سال برای دولت می باشد.

گفتنی است در صورتی که مقصود به نوعی بازنشستگی زودتر از موعد باشد با احتساب حداقل حقوق و حداقل مستمری، به ازای مستمری هر نفر مشمول، در حدود ۳۳ میلیون تومان در سال بار مالی جدید به صندوق های بازنشستگی تحمیل می شود، همچنین با یکسال بازنشستگی زودتر از موعد به میزان ۷ میلیون تومان حق بیمه کمتری نیز به شرکت بیمه پرداخت می شود که باید از منابع عمومی جبران شود. در اینصورت مجموع بار مالی ایجاد شده برای صندوق های بازنشستگی به ازای هر سال بازنشستگی زودتر از موعد یک نفر حداقل ۴۰ میلیون تومان است. با فرض اینکه ۲۵ هزار نفر از مستخدمین دستگاه های اجرایی در یک سال صاحب فرزند سوم و بیشتر می شوند هزینه سرجمع بار مالی سالانه حدود ۱۰ هزار میلیارد ریال می شود.

ماده ۱۷-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۱۷ الف	کلیه دستگاه های اجرایی (سازمان تامین اجتماعی)	افزایش مرخصی زایمان به مدت ۹ ماه برای دستگاه های تابع خدمات کشوری، بخش غیر دولتی و مشمولان قانون کار	کلیه افرادی که صاحب فرزند می شوند

فارغ از اینکه در قوانین موجود دولت و دستگاه صرفاً مخیر به اعطای مرخصی زایمان به میزان ۹ ماه می باشند، با توجه به این که در حال حاضر، کمک هزینه بارداری (پرداختی سازمان تأمین اجتماعی به مادران باردار در دوران مرخصی بارداری) معادل دو سوم حقوق ایشان است، اصلاح انجام شده در بند «الف» این ماده به جهت الزام به پرداخت تمام حقوق و فوق العاده های مرتبط به اندازه یک سوم حقوق بار مالی ایجاد می کند. اگر متوسط حقوق کارمندان دولت را ۴/۵ میلیون تومان در نظر بگیریم، یک سوم آن معادل ۱/۵ میلیون تومان خواهد بود که با ضرب آن در ۹ ماه، ۱۳/۵ میلیون تومان به ازای هر کارمند زن باردار هزینه ایجاد می کند و با فرض عدد ۱۰۰,۰۰۰ نفر مستخدم زن باردار در هر سال، بار مالی این ماده حدود ۱۳ هزار میلیارد ریال در هر سال خواهد بود.

ماده ۱۸-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۱۸	سازمان امور مالیاتی	تخفیف ۱۰ درصدی مالیات بر درآمد مشاغل و حقوق کارکنان به ازای هر فرزند تا حداکثر ۴۰ درصد	

با توجه به اینکه این ماده منوط به تصویب در بودجه سنواتی شده بار مالی ندارد چرا که اگر در بودجه تصویب نگردد قابل اجرا نیست.

ماده ۱۹-

اهدای جایز ملی در این ماده واجد بار مالی است.

ماده ۲۰-

در صورتی که منظور از تشویق در روز ملی جمعیت در این ماده، تشویق مالی باشد دارای بار مالی است.

ماده ۲۱

پرداخت ۱۰۰ درصد حق بیمه توسط دولت در این ماده و همچنین افزایش سنوات بیمه‌ای به جهت تعجیل در روند بازنشستگی، دارای بار مالی است

ماده ۲۲-

تامین فضای مناسب مذکور در این ماده، دارای بار مالی است.

ماده ۲۳-

تکلیف بهزیستی به تجهیز مراکز موضوع این ماده واجد بار مالی است.

ماده ۲۴-

تکلیف مقرر در این ماده و تبصره «۲» مبنی بر ارائه خدمات سبد تغذیه رایگان و بسته بهداشتی رایگان دارای بار مالی است.

ماده ۲۵-

تکلیف مقرر در این ماده ناظر به ایجاد سامانه و لزوم اعطای تخفیف برای دستگاه‌های ذی‌ربط دارای بار مالی است.

ماده ۲۷-

حکم این ماده با توجه به کاهش تعهدات تکلیفی پزشکان و پیراپزشکان و در نتیجه الزام دولت به جایگزینی از طریق نیروهای دیگر دارای بار مالی است.

ماده ۳۶-

از آنجا که تأسیس مراکز مشاوره موضوع این ماده در مراکز آموزش عالی هزینه‌هایی را به همراه دارد این ماده دارای بار مالی است.

ماده ۴۱-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۴۱	وزارت بهداشت	راه اندازی حداقل یک مرکز تخصصی درمان ناباروری در دانشگاه‌های علوم پزشکی فاقد مرکز و تجهیز مراکز موجود تأمین و توزیع اقلام درمان ناباروری در میان مراکز دولتی، خصوصی و عمومی	-

از نیاز مالی مراکز موجود جهت خرید تجهیزات، آماری در دست نیست؛ با این وجود، هزینه راه اندازی یک مرکز درمان ناباروری، حداقل ۱۰۰ میلیارد تومان تخمین زده می شود.

ماده ۴۳-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۴۳	وزارت بهداشت	برنامه ریزی در راستای معاینه، غربالگری، تشخیص علت ناباروری و درمان آن تحت پوشش بیمه پایه با فرانشیز حداکثر ۵۰ درصد	زوجین نابارور

با وجود این که از هزینه های متوسط درمان ناباروری (با توجه به روشهای گوناگون) آمار دقیقی در دست نیست، اما به طور متوسط می توان این هزینه را حدود ۱۲ میلیون تومان برای هر زوج در نظر گرفت (هزینه یکساله عمل های ناباروری، بالغ بر ۲۵ میلیون تومان است). با توجه به آمار وزارت بهداشت، حدوداً ۳۸۲ هزار زوج نابارور نیازمند به عمل جراحی در کشور وجود دارند که درمان این جمعیت، می تواند مجموعاً هزینه ای معادل ۴۵ هزار میلیارد تومان داشته باشد که با توجه به فرانشیز ۱۰ درصدی، بار مالی ۴۱ هزار میلیارد ریالی خواهد داشت.

ماده ۴۴-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۴۴	سازمان های بیمه گر وزارت بهداشت با همکاری وزارت تعاون	بیمه مادران فاقد بیمه در ایام بارداری و شیردهی و کودکان تا پنج سالگی کودک	زنان باردار و شیرده و کودکان زیر پنج سال فاقد بیمه



با توجه به هزینه ماهیانه حدود ۵۶ هزار تومانی حق سرانه درمان بیمه خویش فرمای تامین اجتماعی برای بیمه کردن مادر و فرزند تحت تکفل و با فرض سهم ۷۰ درصدی دولت در پرداخت حق بیمه، لذا بار مالی بیمه هر مادر و فرزند برای دولت در یک دوره در حدود ۲ میلیون تومان خواهد بود که به فرض پوشش ۷۵ درصدی بیمه میان افراد، بار مالی آن برای دولت برای متولدین هر سال حدود ۵/۶ هزار میلیارد ریال خواهد بود.

ماده ۴۶-

این ماده به جهت پیش بینی فوق العاده کمک به فرزندآوری برای کادر درمان، موجب افزایش هزینه عمومی می شود.

ماده ۴۹-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۴۹	وزارت بهداشت	پوشش بیمه‌ای زایمان طبیعی به صورت کاملاً رایگان در بیمارستان‌ها و زایشگاه‌های دولتی دسترسی کلیه زنان باردار حداکثر طی مدت یکساعت با وسیله نقلیه معمول به خدمات زایشگاهی ایمن و استاندارد فراهم کردن امکان حضور ماما در کل مدت فرآیند زایمان طبیعی ازای هر دو مادر در حال زایمان یک ماما	زنان باردار

بخش اول ماده یعنی فراهم کردن پوشش بیمه ای زایمان طبیعی به صورت رایگان در بیمارستان ها و زایشگاه های دولتی در حال حاضر در کشور انجام

می پذیرد و فاقد بارمالی است. در خصوص بخش دوم نیز به نظر بار مالی وجود دارد، لکن داده ای از وضعیت این مراکز و نقاطی که فاقد چنین شاخصی هستند یا نیستند در دسترس نیست. اما اجمالا باید در نظر گرفت که ایجاد یک مرکز تسهیلات زایمانی در شهر کوچک یا روستا (بامتراژ استاندارد ۲۰۰ متر) حدود یک میلیارد و پانصد تومان به غیر از هزینه بهره برداری، تامین نیروی انسانی، آمبولانس و ... نیازمند است.

در خصوص افزایش تعداد ماما نیز باید گفت که آمار دقیقی از تعداد ماماهاى شاغل در شبکه بهداشت در دسترس نیست، اما براساس برخی از آمارها تعداد قابل ملاحظه ای (چند ده هزار) مطابق این ماده باید به کار گرفته شوند که با توجه به متوسط حقوق ۴ میلیون تومان، منجر به بار مالی زیادی خواهد شد.

ماده ۵۰-

اصلاح تعرفه ها و کارانه ها در جهت افزایش زایمان طبیعی در بند «ث» این ماده می تواند واجد بار مالی باشد.

ماده ۵۴-

ماده	دستگاه مرتبط	موضوع	گروه مخاطب
ماده ۵۴	وزارت بهداشت	استقرار سامانه جامع نسبت به ثبت اطلاعات کلیه مراجعین باروری، بارداری، سقط و دلایل آن و زایمان و نحوه آن در کلیه مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاهها، مراکز درمان ناباروری و مراکز رادیولوژی اعم از دولتی و غیردولتی با رعایت اصول محرمانگی	-



هزینه ایجاد چنین سامانه ای حدود ۲۰۰ میلیارد ریال قابل برآورد است.

بنابراین همانگونه که مشاهده می شود بار مالی زیادی در مواد متعدد این مصوبه وجود دارد. این درحالی است که منابع پیش بینی شده در ماده (۷۲) در عمده موارد که در واقع بخش اعظم تأمین مالی این طرح محسوب می شود، منابع جدیدی تلقی نمی شود. در این خصوص در گزارش بررسی مواد به تفصیل موارد مزبور بیان شده است.

ج- پرداختن به مسائل پرچالش و در عین حال کم اثر در افزایش جمعیت

از جمله مسائلی که طرح آن در مصوبه حاضر باعث ایجاد نوعی فضای دو قطبی شده است، موضوعات مربوط به سقط جنین، غربالگری و پیش گیری از بارداری می باشد که ادله موافقین و مخالفین در خصوص این موضوعات در گزارشات قبلی ارائه گردیده است. این درحالی است که علی رغم ایرادات و اشکالات اساسی فرآیند موجود، طرح حاضر نتوانسته نسبت به رفع این ایرادات و عدم ایجاد ایرادات جدید گام جدی بردارد. اما در مقابل باعث شده تا اندازه زیادی اهداف اصلی طرح حاضر با پرداختن ناقص به این امور به حاشیه رانده شود. موضوعاتی که اساساً پرداختن به آن در قوانین آزمایشی که علی الاصول به دلیل عدم طرح در صحن علنی و در حقیقت خالی دیدن میدان از مخالفین و صاحب نظران منجر به نتیجه مطلوبی نخواهد شد و مناسب بود این موضوعات در طرح هایی مجزا مورد توجه قرار می گرفت.

د- مغایرت با سیاست های کلی سلامت و قانون گذاری

از جمله نکات کلی دیگری که ناظر به طرح حاضر وجود دارد نادیده انگاشتن نقش وزارت بهداشت به عنوان متولی سلامت در بسیاری از حوزه های مربوط به بهداشت می باشد. این درحالی است که مطابق بند «۱-۷» سیاست های کلی سلامت بر «تولیت نظام سلامت شامل سیاست گذاری های اجرایی، برنامه ریزی های راهبردی، ارزشیابی و نظارت توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» تأکید شده است. اگرچه این نادیده گرفتن می تواند ناشی از وضعیت فعلی یا متداول حاکم بر وزارتخانه مزبور باشد، لکن به طور قطع چنین امری نمی تواند توجیه گر ایجاد سازوکارها و دخیل نمودن مراجع نامرتبط باشد.

از سوی دیگر همانگونه که در بررسی جزئیات این طرح به وضوح مشخص گردید، مفاد طرح حاضر از حیث ادبیات تقنینی و عبارت پردازی های صورت گرفته واجد ابهامات و موجد کج فهمی های متعددی است که باعث شده کمتر ماده و یا حکمی با ابهام روبرو نشود و این حجم از اشکال باعث شده تا به صراحت بتوان گفت طرح حاضر نسبت به اصول قانون گذاری و قانون نویسی صحیح که مورد تأکید سیاست های کلی قانون گذاری قرار گرفته است کاملاً بیگانه است.

نتیجه گیری

باتوجه به بررسی جزئیات مصوبه حاضر و همچنین نکات کلی که در خصوص طرح وجود دارد، به نظر می رسد طرح حاضر در دستیابی به اهداف

مورد نظر با چالش های اساسی مواجه می باشد و چه بسا بهتر بود به جای تعداد مواد و پراکنده شدن منابع اعتباری و همچنین اقدامات متعدد در سطوح مختلف، سعی می شد بر موارد محدودتر، لکن اثر گذار متمرکز می گردید و با تمرکز بر فرزندآوری و ارائه مشوق ها و حمایت های مستقیم در راستای افزایش تعداد فرزندان، گروه های هدف طرح و همچنین ابزارهای حمایتی را اولویت بندی می نمود. لکن طرح حاضر با ورود گسترده به موضوعات پراکنده و ایجاد هزینه های غیرمستقیم متعدد که نفع آن مستقیماً به والدین و فرزندان آنها نمی رسد و از طرف دیگر با ورود به برخی حوزه های پرچالش و در عین حال عدم رفع مسائل و مشکلات این حوزه ها در تحقق اهداف خود با تردید جدی روبرو است.

طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده

مواد (۱) تا (۷۴)

شرح و بررسی

ماده (۱) -

بند الف - مغایرت با اصول ۵۷، ۶۰، ۱۳۸ و نکته و تذکر

۱. مغایرت: حکم بند «الف» این ماده و تبصره‌های آن، در واقع اصلاح تبصره «۷» قسمت «راهبرد کلان ۴» مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»^۱ مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و لذا مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی است. توضیح آنکه در تبصره «۷» اخیرالذکر، اولاً تشکیل نهاد تخصصی مذکور در این بند برعهده «دولت» گذاشته شده است، نه «رئیس‌جمهور» و ثانیاً تعیین ترکیب این نهاد نیز از اختیارات خود «دولت» دانسته شده است، نه «مجلس» و ثالثاً تهیه برنامه عمل با تقسیم‌کار ملی و دستورالعمل‌های لازم و ارائه گزارش عملکرد، از وظایف خود این نهاد قلمداد شده است، نه از وظایف «رئیس‌جمهور» در حالی که در بند «الف» این ماده این

۱. راهبرد کلان ۴ - جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی، اقتضانات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت‌شناختی و آمایش و پایش مستمر جمعیتی

...

تبصره ۷: به‌منظور راهبری، برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی کلان جمعیتی، نهاد تخصصی مدیریت جامع جمعیت کشور ظرف مدت سه ماه توسط دولت تشکیل و با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، نسبت به تهیه برنامه عمل با تقسیم‌کار ملی و دستورالعمل‌های لازم اقدام و گزارش عملکرد را هر شش ماه به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می‌نماید.



موارد از وظایف رئیس جمهور تلقی شده است.

۲. **مغایرت:** حکم صدر بند «الف» این ماده و تبصره «۴» این بند، درخصوص وظایف مقررات‌گذاری این ستاد، با توجه به وجود اعضای غیر وزیر در ترکیب ستاد مذکور، مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی بوده و درخصوص وظایف اجرایی این ستاد، با توجه به وجود اعضای خارج از قوه مجریه در ترکیب ستاد مزبور، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است.

۳. **نکته:** مطابق تبصره «۱» این بند «دبیر ستاد» با حکم رئیس جمهور تعیین می‌شود. در حالی که در احکام بعدی درخصوص شرایط دبیر حکمی وجود ندارد.

۴. **نکته:** در این بند رئیس جمهور علاوه بر تکلیف به ارائه گزارش به مجلس، مکلف به ارائه گزارش به شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز شده است که این امر از جهت اینکه مسئولیت و پاسخگویی رئیس جمهور در قانون اساسی مشخص شده محل تأمل است.

۵. **ابهام:** در بند «الف» این ماده، واژگان «راهبری» و «برنامه‌ریزی» از جهت مفهوم و ضوابط حاکم بر آنها، ابهام دارد.

۶. **نکته:** حکم بند «الف» این ماده مبنی بر تکلیف رئیس جمهور به تشکیل ستاد ملی جمعیت با دبیرخانه مستقل، دارای بار مالی بوده و به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد که با توجه به اینکه ماده ۷۲ طرح و همچنین در برخی احکام بودجه سال ۱۴۰۰ جهت بار مالی این طرح مواردی پیش بینی گردیده است، در

انتهای بررسی این طرح به این موضوع خواهیم پرداخت.

۷. تذکر: در صدر بند «الف» این ماده، عبارات «تبصره (۱)»، «مدیریت جامع مدیریت» و «ارائه می‌نماید» به ترتیب به عبارات «تبصره (۷)»، «مدیریت جامع جمعیت» و «ارائه نماید» اصلاح شود. همچنین در تبصره «۲» این بند، عبارات «امور اقتصاد و دارایی» و «سازمان بسیج مستضعفان» به ترتیب به عبارات «امور اقتصادی و دارایی» و «سازمان بسیج مستضعفین» اصلاح شود.

بند ب- مغایرت با اصل ۵۷ و بند ۱۰ اصل ۳، ابهام و تذکر

۱. مغایرت: حکم بند «ب» این ماده که در اجرای «راهبرد کلان سوم و چهارم نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، اعمال برخی وظایف را از طریق «ستاد عالی جمعیت و خانواده» دانسته است، از چند جهت مغایر مصوبات و صلاحیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و لذا مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی است. توضیح آنکه اولاً ستاد مذکور ظاهراً براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده و تبعاً تعیین وظایف و اختیارات آن نیز در صلاحیت همین شورا است و ثانیاً در خود مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، وظایف مذکور در این بند برعهده مراجع دیگری قرار داده شده است و از یک طرف، در فصل هفتم مصوبه مزبور،^۱ به‌طور کلی «سیاست‌گذاری و

۱. فصل هفتم - نگاهت نهادی

۱- سیاست‌گذاری کلان و نظارت و ارزیابی

سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کلان و راهبردی نظام فرهنگی برای اجرایی‌کردن نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نظارت و ارزیابی بر حسن اجرای آن و تصویب اسناد ملی فرهنگی اولویت‌دار، برعهده شورای عالی انقلاب



تصمیم‌گیری کلان و راهبردی نظام فرهنگی برای اجرایی کردن نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نظارت و ارزیابی بر حسن اجرای آن» برعهده خود شورای عالی انقلاب فرهنگی دانسته شده و «سیاست‌گذاری اجرایی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و تعیین اولویت‌ها و نظارت و ارزیابی آن» از وظایف «ستاد راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور» در دو سطح ملی و استانی قلمداد شده و به‌طور خاص نیز در بندهای قسمت انتهایی راهبرد کلان سوم این مصوبه تحت عنوان «نظام برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت»^۱ تصویب

→

فرهنگی است که با سازوکار مورد نظر این شورا انجام می‌گیرد.

۲- سیاست‌گذاری اجرایی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور

با هدف راهبری و اجرایی کردن نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تعیین اولویت‌ها، نظارت و ارزیابی آن، جهت‌دهی فرهنگی به سایر نظام‌ها (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) و ایجاد نظام مدیریت راهبردی فرهنگی، «ستاد راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور» با ریاست دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل می‌شود.

تبصره: وظایف و ترکیب اعضای ستاد راهبری اجرای نقشه در دو سطح ملی و استانی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسد.

۱. راهبرد کلان ۳- تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده

...

نظام برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت:

۱- ستاد ملی زن و خانواده موظف است با همکاری و مشارکت نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط، برنامه اجرایی این مصوبه را همراه با تقسیم‌کار ملی در مدت سه ماه تصویب و برای اجرا، ابلاغ نماید و ضمن پیگیری‌های لازم، گزارش عملکرد آن را سالانه به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند.

۲- طرح‌های تفصیلی مورد نیاز با هماهنگی ستاد ملی زن و خانواده توسط دستگاه‌های مسئول تهیه و پس از تصویب در ستاد مذکور، به‌اجرا گذاشته می‌شود.

۳- دستگاه‌ها موظف‌اند اعتبارات مورد نیاز اجرای این مصوبه را با هماهنگی ستاد ملی زن و خانواده و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور در برنامه سالیانه خود منظور نمایند.

۴- نظارت، رصد و پایش مستمر وضعیت خانواده و ارزیابی کمی و کیفی عملکرد دستگاه‌های اجرایی براساس شاخص‌های نقشه مهندسی فرهنگی برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

«برنامه اجرایی این مصوبه همراه با تقسیم کار ملی» برعهده «ستاد ملی زن و خانواده» قرار داده شده و «نظارت، رصد و پایش مستمر وضعیت خانواده و ارزیابی کمی و کیفی عملکرد دستگاه‌های اجرایی براساس شاخص‌های نقشه مهندسی فرهنگی» صراحتاً در صلاحیت خود شورای عالی انقلاب فرهنگی تلقی شده است و همچنین به موجب بندهای «۹» و «۱۹» قسمت «وظایف» مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی با موضوع «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی»، به ترتیب «تعیین سیاست‌های نظام آموزشی و پرورشی و آموزش عالی کشور» و «سیاست‌گذاری تدوین کتب درسی» از وظایف خود این شورا دانسته شده است، در حالی که در بند حاضر تأیید محتوای کتب درسی برعهده ستاد عالی قرار داده شده است.

۲. مغایرت: وظایف «ستاد ملی جمعیت» مذکور در بند «الف» این ماده و «ستاد عالی جمعیت و خانواده» مذکور در بند «ب» این ماده، در مصادیق متعددی دارای تداخل و همپوشانی است که این امر مغایر بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی از جهت نقض نظام اداری صحیح محسوب می‌شود.

۳. ابهام: در بند «ب» این ماده، عبارت «دستگاه‌ها و نهادها» ابهام دارد. همچنین عبارت «مصوبات این ستاد» که برای رؤسای دستگاه‌ها و نهادها لازم‌الاجرا دانسته شده، از جهت محدوده صلاحیت تصمیم‌گیری این ستاد، واجد ابهام است.

علاوه بر این در انتهای این بند، مقصود از عبارت «گزارش این ستاد، معیار تصمیم‌گیری در مراجع قضایی، تقنینی و نظارتی است» مشخص نیست و از



جهت الزام یا عدم الزام مراجع مذکور به تبعیت از گزارش یادشده در تصمیم‌گیری‌های خود، ابهام دارد.

۴. تذکر: ، در بند «ب» این ماده، عبارت «دریافت گزارش عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط و ارزیابی آن‌ها» تکراری و زائد است و باید حذف شود.

بند پ- مغایرت با اصل ۵۷، ابهام و تذکر

۱. مغایرت: بند «پ» این ماده نیز براساس همان ایرادات بندهای «الف» و «ب» این ماده درخصوص تعارض با مصوبات و صلاحیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی است؛ به‌ویژه همان‌طور که بیان شد، در تبصره بند «۲» فصل هفتم مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی»، تشکیل ستادهای راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور در سطح استانی پیش‌بینی شده است، درحالی که این بند استانداران را مکلف نموده از طریق شورای برنامه ریزی استان احکام این قانون که به نوعی در نقشه مهندسی مزبور وجود دارد اجرا نمایند.

۲. ابهام: در بند «پ» این ماده، واژگان «راهبری» و «برنامه‌ریزی» از جهت مفهوم و ضوابط حاکم بر آن‌ها، ابهام دارد. همچنین در تبصره ذیل بند «پ» این ماده، عبارت «برنامه‌ها و راهبردهای متناسب» از جهت مرجع تصویب و اینکه شامل چه امور و وظایفی می‌باشد، واجد ابهام است.

۳. تذکر: در بند «پ» این ماده، عبارت «مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۴» به عبارت «مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰» و در تبصره این بند، عبارت «انجام دهد» به عبارت «اجرا کند» اصلاح شود.

ماده (۳) - مغایرت با بند «۹» اصل ۳ و اصل ۵۷، ابهام، نکته و تذکر

۱. مغایرت: حکم این ماده از جهت عدم تعلق زمین مسکونی به خانواده‌های مشابه در کلان شهرها، تبعیض ناروا بوده و مغایر بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی است.
۲. مغایرت: حکم این ماده به نوعی مغایر با حکم بند «۱۶-۲» اقدامات ملی قسمت «راهبرد کلان ۴» مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»،^۱ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی می باشد.
۳. ابهام: واژه «کلانشهرها» در این ماده از جهت نداشتن تعریف قانونی، ابهام دارد.
۴. نکته: حکم این ماده مبنی بر تکلیف دولت به واگذاری زمین مسکونی به قیمت تمام شده (نه قیمت کارشناسی روز) آن‌هم با پرداخت این قیمت به صورت اجاره ۹۹ ساله، دارای بار مالی بوده و به تقلیل درآمد عمومی می انجامد. همچنین مشخص نیست قیمت تمام شده چگونه به اجاره ۹۹ ساله تقویم می شود.
۵. تذکر: عبارت «برنامه ششم توسعه اقتصادی فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» در این ماده به عبارت «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)» اصلاح شود.

۱۶. ۱. خانواده‌های دارای ۴ فرزند و بیشتر براساس نتایج آمایش جمعیتی و در دهک‌های پایین درآمدی جامعه می‌توانند حسب مورد از یکی از دو امتیاز زیر بهره‌مند شوند.

۱۶-۱- ...

۱۶-۲- دریافت یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۱۵۰-۲۰۰ مترمربع در شهرستان محل سکونت به شرط ساخت و حداقل ۱۵ سال سکونت در آن به استثنای کلانشهرهای کشور.



ماده (۴) - مغایرت با اصل ۵۲، ابهام، نکته و تذکر

۱. مغایرت: حکم این ماده مبنی بر تکلیف دولت به پیش‌بینی تخفیف‌های مربوط به پروانه ساختمانی در بودجه‌های سنواتی، از جهت تحدید اختیار دولت در تهیه لایحه بودجه سالانه کل کشور، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.
۲. ابهام: عبارت «دستگاه‌های اجرایی» در صدر این ماده از حیث تعریف و مصادیق، واجد ابهام است؛ چراکه تعاریف متعدد و متفاوتی از این اصطلاح در قوانین مختلف وجود دارد. همچنین واژه «کلانشهرها» در تبصره «۱» این ماده از جهت نداشتن تعریف قانونی، ابهام دارد.
۳. نکته: حکم این ماده مبنی بر تکلیف دولت به اعطای تخفیف در کلیه هزینه‌های تخصیص شبکه، انشعابات و پروانه و عوارض ساختمانی، دارای بار مالی بوده و به تقلیل درآمد عمومی می‌انجامد و حکم این ماده مبنی بر تکلیف دولت به پیش‌بینی تخفیف‌های مربوط به پروانه ساختمانی در بودجه‌های سنواتی، صرف‌نظر از آنکه منصرف از هزینه‌های تخصیص شبکه و انشعابات است، اصولاً نمی‌تواند محل تأمین بار مالی و طریق جبران کاهش درآمد تلقی شود.
۴. تذکر: عبارت «برنامه ششم توسعه» در صدر این ماده به عبارت «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)» اصلاح شود.

ماده (۵) - ابهام

با توجه به اینکه برطبق ماده (۱۰) «قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی» مصوب ۱۳۸۹،^۱ تعیین نهایی الگوی مصرف در صلاحیت هیئت وزیران است، مشخص نیست حکم این ماده مبنی بر تعیین الگوی مصرف توسط وزارتخانه‌های نفت و نیرو، به معنای اصلاح ماده (۱۰) قانون مذکور است یا این امر با رعایت ماده اخیرالذکر و تصویب نهایی هیئت وزیران صورت می‌گیرد و لذا حکم این ماده از این جهت ابهام دارد.

ماده (۶) - تذکر

عبارت «قانون برنامه ششم توسعه» در این ماده به عبارت «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)» اصلاح شود.

ماده (۷) - مغایرت با اصل ۵۲، ابهام، نکته و تذکر

۱. مغایرت: حکم صدر این ماده مبنی بر تعیین تکلیف برای نحوه هزینه‌کرد درآمدهای اختصاصی و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مقرر در بودجه سنواتی، از جهت تحدید اختیار دولت در تهیه لایحه بودجه سالانه کل کشور، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۱. ماده ۱۰- وزارتخانه‌های نفت و نیرو در چهارچوب قانون بودجه سالانه و قانون هدفمندکردن یارانه‌ها موظف‌اند با همکاری وزارتخانه‌های مرتبط و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و توجه به شرایط اقلیمی، فرهنگ و عادات مصرفی، تکنولوژی مورد استفاده در بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی، الگوی مصرف ماهانه حامل‌های انرژی را برای بخش‌های خانگی، تجاری، عمومی و مصرف ویژه انرژی صنایع (از جمله صنایع نفت و نیرو)، معدن، صنایع معدنی، کشاورزی و پمپاژ آب را تعیین کرده و به تصویب هیئت وزیران برسانند.



۲. **ابهام:** تبصره «۳» این ماده از جهت ضوابط واگذاری اراضی، ابهام دارد. همچنین در تبصره «۴» این ماده، عبارت «پیوست‌های فرهنگی» از جهت مرجع تصویب، واجد ابهام است.

۳. **نکته:** حکم صدر این ماده از جهت تعیین تکلیف برای «مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه»، محل تأمل است. این نکته در خصوص تعیین تکلیف برای «تولیت آستان‌های مقدسه» در تبصره «۵» این ماده نیز وجود دارد.

۴. **نکته:** حکم تبصره «۴» این ماده مبنی بر تکلیف دانشگاه‌ها و... به بهسازی و تجهیز خوابگاه‌های موجود جهت اختصاص به خوابگاه متاهلان، دارای بار مالی بوده و به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد.

۵. **تذکر:** عبارت «قانون برنامه ششم توسعه» در این ماده و تبصره «۱» آن به عبارت «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)» اصلاح شود. همچنین در تبصره‌های «۱» و «۳» این ماده، عبارت «خوابگاه‌های دانشجویی» به عبارت «خوابگاه‌های دانشجویان» اصلاح شود. علاوه بر این، در تبصره «۵» این ماده، عبارت «مسکن و شهرسازی» به عبارت «راه و شهرسازی» اصلاح شود.

ماده (۹) - نکته

حکم این ماده از جهت تطابق با حکم بند «۱-۱۶» اقدامات ملی قسمت

«راهبرد کلان ۴» مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»،^۱ محل تأمل است.

ماده (۱۰) - مغایرت با اصول ۴۰ و ۵۷، ابهام و تذکر

۱. نکته: بند «ث» ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم^۲ به نحو کلی دولت را مکلف نموده با ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی از طریق تمهید و سازوکارهای قانونی و اعطای تسهیلات و امکانات از ترویج ازدواج موفق، پایدار و آسان، فرزندآوری و تربیت فرزند صالح، ارزش دانستن ازدواج و فرزندآوری پشتیبانی و حمایت نماید.

۲. نکته: حکم این ماده از جهت مغایرت با حکم بند «۱۳-۲۱» اقدامات ملی

۱۶. خانواده‌های دارای ۴ فرزند و بیشتر براساس نتایج آمایش جمعیتی و در دهک‌های پایین درآمدی جامعه می‌توانند حسب مورد از یکی از دو امتیاز زیر بهره‌مند شوند.

۱۶-۱- دریافت وام خرید مسکن به میزان دو برابر سقف وام‌های اعطایی بانک مسکن، با بازپرداخت ۳۰ ساله و حداقل سود بانکی بخش مسکن.

۲. ماده ۱۰۲- دولت موظف است براساس سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و سند جمعیت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری نهادهای ذی‌ربط به منظور تقویت و تحکیم جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم و تعالی خانواده و کارکردهای اصلی آن با رعایت شاخصهای الگو و سبک زندگی اسلامی- ایرانی با ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی اقدامات ذیل را به‌عمل آورد:

ث- پشتیبانی و حمایت از ترویج ازدواج موفق، پایدار و آسان، فرزندآوری و تربیت فرزند صالح، ارزش دانستن ازدواج و فرزندآوری از طریق تمهید و سازوکارهای قانونی و اعطای تسهیلات و امکانات



قسمت «راهبرد کلان ۴» مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»،^۱ محل تأمل است. چراکه در این بند «پرداخت وام قرض‌الحسنه «فرزند» به مبلغ یکصد میلیون ریال به خانواده‌ها برای فرزندان سوم تا پنجم با بازپرداخت ۱۰ ساله و بدون الزام به سپرده‌گذاری توسط بانک‌های عامل بر مبنای نرخ پایه سال» پیش بینی شده است.

۲. ابهام: در صدر این ماده، عبارت «ضمانت زنجیره‌ای» از حیث مفهوم و عبارت «هرگونه وثیقه معتبر» از جهت مرجع تعیین اعتبار، واجد ابهام است.

۳. ابهام: حکم تبصره «۱» این ماده از جهت اینکه به معنی اصلاح جزء «۱» بند «الف» تبصره «۱۶» ماده واحده «قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور»^۲ است یا

۱۳.۱. بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله مولید و تعداد فرزندان از طریق پیش‌بینی الزاماتی همچون: ۲۱-۱۳- پرداخت وام قرض‌الحسنه «فرزند» به مبلغ یکصد میلیون ریال به خانواده‌ها برای فرزندان سوم تا پنجم با بازپرداخت ۱۰ ساله و بدون الزام به سپرده‌گذاری توسط بانک‌های عامل بر مبنای نرخ پایه سال ۱۳۹۱.

تبصره ۶: این تسهیلات به خانواده‌هایی که سن مادر حداکثر ۳۹ سال باشد، اختصاص می‌یابد.

۲. تبصره ۱۶-

الف-

۱- به منظور حمایت از ازدواج جوانان، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است از محل پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه نظام بانکی، تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج به زوج‌هایی که تاریخ عقد

خیر، واجد ابهام است. شایان ذکر است که در قانون بودجه سال جاری، محدودیت سنی برای دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج در نظر گرفته نشده است، در حالیکه در تبصره مزبور این ابهام وجود دارد که در ارتباط با ازدواج‌های بالای پنجاه سال سن تسهیلات مربوطه تعلق نخواهد گرفت.

۴. **تذکر:** عبارت «قانون برنامه ششم توسعه» در صدر این ماده به عبارت «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)» اصلاح شود. همچنین واژه «سپرده‌های» پیش از عبارت «پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه» و واژه «فرزند» پس از عبارت «دو سال پس از تولد» افزوده شود. علاوه بر این در تبصره «۱» این ماده، عبارت «تسهیلات ازدواج جوانان» به عبارت «تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج» اصلاح شود.

ماده (۱۱) - مغایرت با اصل ۵۷، ابهام و تذکر

۱. **مغایرت:** حکم این ماده در صورت تلقی مغایرت با حکم بند «۱۳-۸» اقدامات ملی قسمت «راهبرد کلان ۴» مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»،^۱

→

ازدواج آن‌ها بعد از مورخ ۱۳۹۷/۱/۱ می‌باشد و تاکنون وام ازدواج دریافت نکرده‌اند، با اولویت نخست پرداخت کند. تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج برای هریک از زوج‌ها در سال ۱۴۰۰ هفتصد میلیون (۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و با دوره بازپرداخت هفت‌ساله است.

۱.۱۳. بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به‌صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله مولید و تعداد فرزندان از طریق پیش‌بینی الزاماتی همچون:

←



محل ایراد است. چراکه در بند مزبور به پلکانی بودن و همچنین در نظر گرفتن معیارهایی از قبیل سن ازدواج، فاصلهٔ مولید و تعداد فرزندان جهت حمایت و تشویق فرزندآوری تصریح شده است، در حالی که در این ماده این موارد اساساً رعایت نشده است.

۲. ابهام: مشخص نیست حکم این ماده به معنی اصلاح حکم بند «ک» تبصره «۲» ماده واحد «قانون بودجهٔ سال ۱۴۰۰ کل کشور»^۱ است یا خیر و لذا از این جهت ابهام دارد. چراکه در بند مزبور سازوکار مشخصی در این خصوص

→

۸-۱۳- پرداخت هدیهٔ تولد فرزند به مادر به صورت سکهٔ بهار آزادی طبق جدول زیر:

سن پدر و مادر	فرزند اول	فرزند دوم	فرزند سوم	فرزند چهارم
زیر ۲۵ سال	نیم سکه	یک سکه	۱/۵ سکه	-
۲۵ - ۲۹ سال	-	نیم سکه	یک سکه	۱/۵ سکه
۳۰ - ۳۹ سال	-	-	نیم سکه	یک سکه

۱. تبصره ۲-

ک- دولت مکلف است به ازای هر فرزند که از ابتدای سال ۱۴۰۰ متولد می‌شود، برای استان‌هایی که میزان باروری آن‌ها تا ۲/۵ باشد، مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سقف ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل ردیف ۱۳۰۴۲۵ جدول شماره (۵) این قانون صرفاً جهت خرید واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس به نام فرزند اختصاص دهد. سازوکار اجرایی از جمله خانوارهای مشمول، نحوهٔ خرید و انتخاب صندوق و هزینه‌های مرتبط به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

پیش بینی شده است. به عنوان مثال مبالغ اختصاص داده شده صرفاً جهت خرید واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس به نام فرزند خواهد بود، در حالی که در ماده حاضر تصریح شده این مبلغ به سرپرست فرزند تخصیص داده خواهد شد و در هیچ کجا به تعلق این اعتبار و واحدهای خریداری شده به فرزند تصریح نشده است.

۲. ابهام: در تبصره «۴» این ماده اشاره شده است که وزارت اقتصاد با همکاری سازمان بورس آئین نامه اجرایی این ماده را تدوین نماید و اشاره ای به مرجع تصویب آن ننموده است و از این حیث محل ابهام است. گفتنی است که در بند «ک» تبصره «۲» قانون بودجه سال ۱۴۰۰ مقرر شده سازوکار اجرایی بند مزبور از جمله خانوارهای مشمول، نحوه خرید و انتخاب صندوق و هزینه‌های مرتبط به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. لکن همانگونه که گفته شد ترتیبات مقرر در بند مزبور در قانون بودجه با این ماده متفاوت است.

۳. تذکر: در تبصره «۱» این ماده، عبارت «ماده ۲۸ این قانون» به «این ماده» اصلاح شود. همچنین در تبصره «۳» این ماده، واژه «فرزند» پس از عبارات «پس از ازدواج» و «پس از ۲۴ سالگی» افزوده شود.



ماده (۱۲) - ابهام و تذکر

۱. ابهام: تکلیف شرکت‌های خودروسازی داخلی به اعطای خودرو بدون قرعه کشی و نوبت به صاحبان فرزند دوم به بعد از جهت مشخص نبودن سازو کار اجرایی این ماده و نحوه تعیین اولویت با توجه به محدودیت تولید برخی از این خودروها و همچنین احتمال وجود نوبت برای افراد دیگر، واجد ابهام است.
۲. تذکر: «ابلاغ این قانون» به «لازم‌الاجرا شدن این قانون» اصلاح شود.

ماده (۱۳) - مغایرت با بند «۹» اصل ۳ و ابهام و تذکر

۱. مغایرت: اطلاق حکم این ماده درخصوص شاغلان در دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم^۱، تبعیض ناروا و مغایر بند «۹» اصل ۳

۱. کلیه دستگاه‌های اجرائی شامل قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و دانشگاه‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی، شرکت‌های بیمه دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند)، مؤسسات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی، بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و همچنین دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند نظیر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران،

قانون اساسی است. چراکه اگر یکی از والدین در این دستگاه‌ها مشغول باشند و نظیر شاغل در بخش خصوصی جزء دهک های پائین باشد دلیل بر ایجاد تبعیض میان این دسته از والدین با والدین شاغل در بخش خصوصی وجود ندارد. به خصوص اینکه مطلق شاغلین در بخش عمومی در نظر گرفته شده و حتی شامل مشاغل ساده کارگری نیز می شود.

۲- ابهام: حکم این ماده از جهت کفاف منابع، واجد ابهام است.

۳- تذکر: عبارت «سه دهک بالا» به عبارت «سه دهک بالای درآمدی»

اصلاح شود.

ماده (۱۴) - نکته و تذکر

۱. نکته: تکلیف دولت به تخیف تعرفه واگذاری بهره برداری از زمین و

افزایش دوره بازپرداخت تسهیلات داری بار مالی است.

۲. نکته: در مواد پیشین این مصوبه، «خانواده دارای سه فرزند» ملاک

برخورداری از مزایا بود ولی در این ماده، «خانواده‌هایی که بعد از ابلاغ این

قانون صاحب فرزند سوم شوند».



سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و شرکتهای تابعه آنها، ستاد اجرائی و قرارگاههای

سازندگی و اشخاص حقوقی وابسته به آنها



۳. تذکر: «ابلاغ این قانون» به «لازم‌الاجرا شدن این قانون» اصلاح شود.

ماده (۱۵) - مغایرت با بند «۹» اصل ۳، ابهام، نکته و تذکر

۱. مغایرت: باتوجه به اینکه حداکثر سن مجاز جهت ورود به خدمت علاوه بر قانون مدیریت خدمات کشوری در سایر قوانین و مقررات استخدای که مربوط به غیرمشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد نیز وجود دارد، منحصر نمودن جواز سقف سنی در بند «الف» ماده حاضر صرفاً به موضوع ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ نسبت به سایر مستخدمین نوعی تبعیض ناروا محسوب می‌شود. از طرف دیگر در صدر ماده کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه موضوع حکم قرار گرفته اند، لکن همه آن‌ها مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری نیستند و مشخص نیست مقصود این بند که صرفاً به ماده (۴۲) قانون مدیریت اشاره نموده به منزله تخصیص دستگاه‌های مزبور می‌باشد یا خیر؟

۲. ابهام و نکته: در بند «پ» مقصود از افزایش سنواتی مستخدمین از جهت

۱. ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری:

شرایط عمومی استخدام در دستگاه‌های اجرائی عبارتند از:

الف - داشتن حداقل سن بیست سال تمام و حداکثر چهل سال برای استخدام رسمی و برای

متخصصین بامدرک تحصیلی دکتری چهل و پنج سال.

اینکه به معنای اعطای نوعی سوابق اضافه جهت بازنشستگی می‌باشد یا به منزله افزایش پایه حقوق است واجد ابهام بوده و در هر صورت واجد بار مالی جدید در هر سال برای دولت می‌باشد.

۳. نکته: مطابق ذیل بند «ب» این ماده به ازای هر فرزند یکسال از طول سنوات تبدیل وضعیت فرد از آزمایشی به رسمی قطعی کاهش می‌یابد. در حالی که این مدت در غالب قوانین استخدامی نظیر قانون مدیریت خدمات کشوری سه سال است^۱ و به منظور ارزیابی مستخدم پیش بینی شده است. لذا اینکه هیچگونه سقفی برای این کاهش در نظر گرفته نشده می‌تواند منجر به حذف این وضعیت در مواردی که فرد دارای سه فرزند است شود و این مسئله از حیث نظام اداری صحیح محل تأمل است.

۴. تذکر: عبارت «برای کلیه مستخدمین صدر ماده» در ابتدای بند «پ» و همچنین عبارت «معادل یک سال به افزایش سنواتی مستخدم به ازای هر فرزند،

۱. ماده ۴۶- کسانی که شرایط ورود به استخدام رسمی را کسب می‌نمایند قبل از ورود به خدمت رسمی یک دوره آزمایشی را که مدت آن سه سال می‌باشد طی خواهند نمود و در صورت احراز شرایط ذیل از بدو خدمت جزء کارمندان رسمی منظور خواهند شد:

الف- حصول اطمینان از لیاقت (علمی، اعتقادی و اخلاقی)، کاردانی، علاقه به کار، خلاقیت، نوآوری، روحیه خدمت به مردم و رعایت نظم انضباط اداری از طریق کسب امتیاز لازم با تشخیص کمیته تخصصی تعیین صلاحیت کارمندان رسمی.



اعمال نماید» در این بند، دارای ایراد عبارتی است.

ماده (۱۶) - مغایرت با بند «۹» اصل ۳

حکم این ماده نسبت به مشمولان قانون کار، تبعیض ناروا و مغایر بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی است.

ماده (۱۷) - مغایرت با بند «۱۰» اصل ۳ و نکته و تذکر

۱. نکته: افزایش مرخصی زایمان و فوق‌العاده‌های مرتبط به ۹ ماه و ۱۲ ماه در بند «الف»، دارای بار مالی است؛ چون در قانون فعلی، تکلیف دولت نیست و صرفاً مجاز به اعطای چنین مرخصی می‌باشد.^۱

۲. مغایرت: اطلاق حکم بند «پ» در مواردی که ظرفیت دستگاه در استفاده از افراد جایگزین محدود بوده و با توجه به عدم قابلیت پیش بینی بارداری مغایر نظام اداری صحیح و بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی است.

۳. نکته: بند «ث» نیز دارای بار مالی است هم درخصوص دو هفته و هم درخصوص یک ماه؛ چون در قانون فعلی، تکلیف دولت نیست و صرفاً مجاز به اعطای چنین مرخصی می‌باشد.^۲

۱. تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت خانواده مصوب سال ۱۳۹۲: به دولت اجازه داده می‌شود مرخصی زایمان مادران را به ۹ ماه افزایش دهد ...

۲. تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت خانواده مصوب سال ۱۳۹۲: به دولت

۴. تذکر: محل در نظر گرفته شده برای تامین هزینه‌های احکام این ماده، ماده (۷۰) این طرح اعلام شده است، درحالی که ماده (۷۲) این طرح مواردی را برای جبران هزینه‌های این طرح مشخص کرده است؛ لذا باید اصلاح شود. همچنین در بند «ج» عبارت «به دنیا خواهند آورد» باید به «به دنیا بیاورد» اصلاح شود.

ماده (۱۸) - مغایرت با اصل ۵۲ و نکته

باعنایت به اینکه حکم ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم^۱ ناظر به اعطای معافیت مالیاتی است، عبارت «۱۵٪ درصد تخفیف» صحیح نیست و باید گفته می‌شد معافیت موضوع ماده ۸۴ ۱۵ درصد بیشتر می‌گردید. همچنین عبارت مقرر در تبصره مبنی بر تکلیف به اعطای تخفیف مالیاتی علاوه بر معافیت‌های مندرج در ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم به دلیل اینکه ماده مزبور منحصر به میزان معافیت مالیات بر درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق می‌باشد، روشن نیست.

ماده (۱۹) - مغایرت با اصول ۸۵، ۶۰، ۱۳۸ و ابهام

۱. مغایرت: تدوین شاخص‌های ارزیابی و سنجش توسط ستاد ملی جمعیت،



اجازه داده می‌شود... و همسران آنان نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار شوند.

۱. ماده ۸۴- میزان معافیت مالیات بر درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق از یک یا چند منبع، هرساله در قانون بودجه سنواتی مشخص می‌شود.



اگر دارای ماهیت تقنینی باشد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی و اگر دارای ماهیت اجرایی باشد با توجه به ترکیب اعضا در ماده یک مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی است.

۲. مغایرت: اهدای جایز ملی، واجد بار مالی است.

۳. ابهام: تصمیم‌گیری بر اساس گزارش نهادهای ذی ربط واجد ابهام است.

ماده (۲۰) - ابهام

منظور از تشویق در روز ملی جمعیت واجد ابهام است و اگر منظور تشویق مالی باشد دارای بار مالی است.

ماده (۲۱) - ابهام و نکته

فارغ از عبارت پردازی نامناسب این ماده به نحوی که صدر ماده به صورت کلی مادران خانه دار دارای سه فرزند را مشمول قرار داده و متعاقباً در ادامه دامنه این حمایت را صرفاً محدود به مادران غیرشاغل واقع در مناطق عشایری و روستایی دانسته است، پرداخت ۱۰۰ درصد حق بیمه توسط دولت، همچنین افزایش سنوات بیمه‌ای به جهت تعجیل در روند بازنشستگی، دارای بار مالی است گفتنی است مطابق بند «ب» ماده (۱۰۳) قانون برنامه ششم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف شده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون برنامه بررسی و طرح لازم برای ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای

سه فرزند را فراهم و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید.

ماده (۲۲) - مغایرت با اصول ۶۰ و ۱۳۸

۱. نکته: تامین فضای مناسب مذکور در ماده، دارای بار مالی است، این

درحالی است که منبع تامین مناسبی برای آن در نظر گرفته نشده است.

۲. مغایرت: تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های فضاهای موضوع این ماده به

نظر امری اجرایی است و سپردن آن به ستاد ملی جمعیت با ترکیب مشخص

شده در ماده (۱)، مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی است.

ماده (۲۳) - نکته

تکلیف بهزیستی به تجهیز مراکز موضوع این ماده واجد بار مالی است.

ماده (۲۴) - مغایرت با اصول ۷۵ و ۵۷ قانون اساسی، و ابهام

۱. نکته: تکلیف مقرر در این ماده و تبصره «۲» مبنی بر ارائه خدمات سبب

تغذیه رایگان و بسته بهداشتی رایگان دارای بار مالی است. گفتنی است مطابق

بند «ث» ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم دولت به نحو کلی مکلف شده با ایجاد

سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی، از طریق تمهید و

سازوکارهای قانونی و اعطای تسهیلات و امکانات از ترویج ازدواج موفق،

پایدار و آسان، فرزندآوری و تربیت فرزند صالح، ارزش‌دانستن ازدواج و



فرزندآوری پشتیبانی و حمایت نماید.

۲. نکته: براساس بندهای ۱۳-۲ و ۱۳-۳ اقدامات ملی راهبرد کلان ۴ نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوب ۱۳۹۱)^۱، سبد تغذیه رایگان ماهانه و بسته بهداشتی درمانی رایگان برای مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال برای سه دهک درآمدی پایین و نیازمندان شناسایی شده است.

۳. ابهام: حکم این ماده در خصوص همکاری کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام و بنیاد مستضعفان، از این جهت که همکاری نهادهای

۱. ۱۳-۲- اختصاص سبد تغذیه رایگان ماهانه به صورت بن کالا شامل؛ پروتئین، لبنیات، برنج و حبوبات به میزان یک تا دو میلیون ریال به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال حداقل برای ۳ دهک درآمدی پایین و نیازمندان بر اساس ارزش ریالی سال ۱۳۹۰ به عنوان سال پایه.

تبصره ۱: اقلام سبد تغذیه رایگان توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می شود.

۱۳-۳- اختصاص بسته بهداشتی درمانی رایگان شامل؛ مکمل های غذایی، دارو، آزمایش های دوره ای و موردی و معاینه های ماهیانه به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال برای حداقل ۳ دهک درآمدی پایین و نیازمندان.

تبصره ۲- اقلام بسته بهداشتی درمانی رایگان توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

تعیین می گردد.

مذکور فقط در شناسایی و معرفی افراد مستحق حمایت است یا این همکاری در خصوص ارائه خدمات سبد تغذیه و بسته بهداشتی رایگان نیز می باشد، واجد ابهام است. همچنین مشخص نیست معرفی وزارت بهداشت صرفاً از حیث باردار بودن مادر و یا تولد کودک می باشد یا مربوط به استحقاق کمک نیز است.

۴. **ابهام:** آزمون وسع^۱ که به موجب این ماده، مادران مستحق حمایت بر اساس آن شناسایی می شود، واجد ابهام است و مشخص نیست که این آزمون براساس چه معیارها و ضوابطی تعیین می شود؛ چرا که این آزمون تعیین کننده افراد مستحق و معطی یکسری امتیازات مالی و خدماتی و نیز محروم کردن عده ای دیگر از این خدمات می باشد، لذا شایسته است که قانونگذار مولفه ها و ضوابط این آزمون را تعیین کند و در نتیجه واگذاری تعیین ضوابط و مولفه های این آزمون به دولت مغایر اصل ۸۵ می باشد.

لازم به ذکر است که عبارت "آزمون وسع" قبلاً در تبصره «۲»^۲ ماده (۷۵) و

۱. آزمون وسع یا آزمون وسایل، بررسی رسمی وضع مالی یک فرد به منظور تعیین نیاز آن به دریافت کمکهای دولتی است. (فرهنگ، منوچهر. ۱۳۷۹). **فرهنگ علوم اقتصادی**. تهران: انتشارات پیکان. (چاپ هشتم). مدخل آزمون وسایل)

۲. تبصره ۲- ده درصد (۱۰٪) حق التحریر ثبت طلاق افزایش یافته و منابع حاصله پس از واریز به خزانه و کمکهای مردمی و دولتی در چهارچوب بودجه سنواتی جهت کمک به تأمین هزینه های آزمایش ژن شناسی (ژنتیک) افراد نیازمند براساس آزمون وسع در اختیار سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می گیرد. هزینه انجام آزمایش های مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام



ماده (۸۱) قانون برنامه ششم و تبصره «۱» ماده (۵۷) قانون احکام دائمی برنامه،^۱ نیز آمده است ولی در آنها نیز هیچگونه تعریف و ضابطه‌ای در این خصوص ارائه نشده است.

ماده (۲۵) - مغایرت با اصول ۱۵، نکته و ابهام

۱. **مغایرت:** کلمه سرویس با توجه به اینکه دارای معادل فارسی است، لذا استفاده از آن در این ماده، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است و لازم است که از معادل فارسی آن یعنی خدمت استفاده شود.

۲. **نکته:** به موجب این ماده، سازمان ثبت احوال کشور مکلف به ایجاد سرویس مبتنی بر سامانه برخط (api) شده است؛ معادل اصطلاحی سرویس مبتنی بر وب

→

خمینی(ره) و سازمان بهزیستی رایگان است و توسط سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) پرداخت خواهد شد.

۱. تبصره ۱- اجرای مراتب فوق براساس نیازمندیابی فعال، غربالگری اجتماعی و آزمون وسع و متناسب با نیازهای اقشار و گروههای هدف انجام می‌پذیرد به نحوی که منجر به اثربخشی بیشتر اجرای هدفمندی یارانه‌ها شده و منابع مزبور به سمت خانوارهای نیازمند واجد شرایط هدایت و به‌منظور کاهش و رفع انواع مختلف فقر از قبیل فقر غذایی، معیشتی، بیمه‌ای، آموزشی و مسکن به‌کارگرفته می‌شود و در قالب اعطای یارانه‌های نقدی، کالایی، بیمه‌ای (درمان، بازنشستگی و بیکاری) مسکن اجتماعی و حمایتی و نظایر آن هزینه می‌شود

داخل پارانتز (api) آورده شده است، در حالی که سرویس مبتنی بر وب متفاوت از api است. لازم به ذکر است که API مخفف application programming interface (رابط برنامه‌نویسی نرم‌افزار) واسطه‌ای است بین یک کتابخانه با برنامه‌هایی که از آن کتابخانه تقاضای سرویس می‌کنند، ولی یک Web Service در حقیقت منابع یا Resource هایی هستند که در محیط اینترنت در دسترس قرار می‌گیرند. پس اولین شرط یک Web Service این هست که شما حتماً باید یک شبکه از کامپیوترهای متصل به هم داشته باشید (بر خلاف API که ملزم به استفاده از شبکه نیستید و یک نرم افزار نصب شده بر روی سیستم هم می تواند یکسری API رو در اختیار کاربر قرار دهد).

۳. ابهام: به موجب این ماده، سازمان ثبت احوال کشور مکلف به صدور شناسه مادرانه برای مادران دارای سه فرزند یا بیشتر شده است، در حالی که مشخص نیست که منظور از فرزند، آیا کودک هست یا اینکه فرزند شصت ساله را هم در بر می‌گیرد؛ بنابراین ماده از جهت شمول نسبت به فرزندان غیرصغیر واجد ابهام است.

۴. نکته: تکلیف مقرر در این ماده برای دستگاه‌های ذی‌ربط دارای بار مالی است.



ماده (۲۶) - نکته

۱. نکته: به موجب بندهای (۹) و (۲۷) وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر در مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «تعیین سیاستهای نظام آموزشی و پرورشی و آموزش عالی کشور» و «تعیین مرجع برای طرح، تدوین و تصویب برنامه‌های فرهنگی، پژوهشی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی» در صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی است و شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین آیین‌نامه آموزشی مراکز آموزش عالی را به شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم واگذار کرده است که در آن در آن رابطه با مرخصی دانشجویان تصمیم‌گیری شده و می‌شود. لذا ورود مجلس به مرخصی دانشجویان نوعی تعرض به صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص دانشجویان و تعرض به اختیارات حوزه علمیه در خصوص طلاب می‌باشد.

۲. نکته: در بندهای ۹-۱۳، ۱۰-۱۳، ۱۱-۱۳ و ۱۲-۱۳ اقدامات ملی راهبرد کلان ۴ نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ در خصوص دانشجویان دارای فرزند تعیین تکلیف شده است و این ماده به نوعی اصلاح نقشه مهندسی فرهنگی کشور در این باره می‌باشد.

۱. ۹-۱۳- افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مادر به ازای هر فرزند تا ۴ نیم سال و کاهش سقف

۳. نکته: حکم این ماده در تعارض با ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه است که به موجب آن دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی فقط در چهارچوب مصوبات و آیین نامه های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امنا که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به نیروهای مسلح به تأیید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می رسد، عمل می کنند.

ماده (۲۷) - مغایرت با بند ۱۰ اصل ۳

۱. نکته: حکم این ماده با توجه به کاهش تعهدات تکلیفی پزشکان و پیراپزشکان و در نتیجه الزام دولت به جایگزینی از طریق نیروهای دیگر دارای بار مالی است.

→

واحدهای درسی در هر نیم سال تا سقف ۸ واحد.

۱۳-۱۰- متناسب سازی نظام آموزشی کشور با ملاحظات جنسیتی و سیاست های جمعیتی در ساختار، محتوا و طول مدت تحصیل.

۱۳-۱۱- مراکز آموزش عالی موظفند در توزیع و تخصیص وام دانشجویی، وام ودیعه مسکن و همچنین تخصیص خوابگاه های دانشجویی، دانشجویان متأهل دارای فرزند را در اولویت قرار دهند.

۱۳-۱۲- دانشجویان مادر دارای فرزند زیر ۳ سال می توانند تا ۵۰ درصد واحدهای درسی نظری دوره تحصیلی خود را به صورت نیمه حضوری یا مجازی بگذرانند.

تبصره ۵: دستورالعمل اجرایی مربوط توسط وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و ابلاغ خواهد شد.



۲. **مغایرت:** با توجه به اینکه تأمین کادر بهداشت و پزشکی روستاها و مناطق محروم از طریق تعهدات موضوع قانون پزشکان و پیراپزشکان صورت می‌گیرد، لذا اجرای این ماده می‌تواند باعث اختلال در خدمات پزشکی به مناطق محروم شده و در نتیجه مغایر نظام اداری صحیح می‌باشد.

ماده (۲۸) - نکته، ابهام و مغایرت با اصول ۱۵ و ۵۷

۱. **ابهام:** تکلیف مقرر در ماده بر کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه^۱ مبنی بر انجام اقداماتی چون تولید و پخش فیلم، سریال، و

۱. «... کلیه دستگاه‌های اجرائی شامل قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و دانشگاه‌ها، شرکتهای دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانکها و مؤسسات اعتباری دولتی، شرکتهای بیمه دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند)، مؤسسات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی، بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و همچنین دستگاهها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند نظیر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و شرکتهای تابعه آنها، ستاد اجرائی و قرارگاههای سازندگی و اشخاص حقوقی وابسته به آنها...»

تبلیغات بازرگانی در خصوص دستگاه‌هایی که انجام اینگونه اقدامات در حیطه وظایفشان نیست، واجد ابهام است.

۲. **مغایرت:** استفاده از کلمه «سریال» در بند «الف» ماده با توجه به اینکه دارای معادل فارسی است، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است و لازم است که از معادل فارسی آن یعنی «مجموعه دنباله‌دار» استفاده شود.

۳. **ابهام:** در بند «ب» ماده، ترویج یکسری امور ممنوع شده است، ولی معیار «ترویج» مشخص نیست و معلوم نیست انجام چه اقداماتی، ترویج امور مقرر در بند شناخته می‌شود اگر صرفاً نمایش خانواده‌های دو فرزند و کمتر به منزله ترویج می‌باشد باید به این امر تصریح شود.

۴. **ابهام:** در بند «ت» ماده، سازمان صدا و سیما مکلف به تدوین و اجرای برنامه‌ها با هدف افزایش نرخ رشد جمعیت، در امر مطالبه‌گری شده است؛ عبارت «مطالبه‌گری» واجد ابهام است، چرا که مشخص نیست این مطالبه‌گری در افزایش نرخ رشد جمعیت باید از چه شخص و به چه صورت انجام گیرد.

۵. **ابهام:** بند «چ» ماده، در خصوص ستاد عالی جمعیت و خانواده مبنیاً واجد ابهام است.



۶. تذکر: ارتباط بندهای ذیل این ماده از جهت عبارتی با خود ماده مشخص نیست. همچنین در صدر باتوجه به اینکه شهرداری و سازمان تبلیغات هر دو نهاد عمومی غیردولتی محسوب می شوند، ذکر مجزای این دو سازمان علاوه بر عنوان «نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی» زائد است.

ماده (۳۱) - مغایرت با اصل ۱۳۸

تدوین و ابلاغ دستورالعمل ذیل این ماده توسط ستاد ملی جمعیت به جهت ترکیب این ستاد و عضویت اعضای غیر وزیر مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی تلقی می شود.

ماده (۳۳) - مغایرت با اصول ۷۵ و ۵۷، ابهام

۱. **مغایرت:** به موجب بندهای (۹) و (۱۸)، (۱۹) و (۲۷) وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر در مصوبه مورخ ۲۰ / ۸ / ۱۳۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «تعیین سیاستهای نظام آموزشی و پرورشی و آموزش عالی کشور»، «طراحی سیاستهای مناسب برای اصلاح نگرش جامعه نسبت به شأن و منزلت زن (براساس تعالیم عالیه اسلام) و تدوین برنامه‌های کارآمد به منظور تحکیم بنیان خانواده و ارائه الگوی زن مسلمان»، «سیاستگذاری تدوین کتب درسی» و «تعیین مرجع برای طرح، تدوین و

تصویب برنامه‌های فرهنگی، پژوهشی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی» در صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی است. بنابراین حکم ن‌آماده بدون رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از جهت تعرض به صلاحیتهای آن، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی باشد.

۲. **ابهام:** تبصره ماده، در خصوص «ستاد عالی جمعیت و خانواده» مبنا واجد ابهام است.

ماده (۳۴) - مغایرت با اصل ۵۷

حکم این ماده نیز بدون رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از جهت تعرض به صلاحیتهای آن، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی باشد. چرا که به موجب بندهای (۹) و (۲۷) وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، «تعیین سیاستهای نظام آموزشی و پرورشی و آموزش عالی کشور» و «تعیین مرجع برای طرح، تدوین و تصویب برنامه‌های فرهنگی، پژوهشی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی» در صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

ماده (۳۵) - مغایرت با اصل ۵۷

حکم این ماده نیز بدون رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، از جهت تعرض به وظایف و اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مغایر اصل



۵۷ قانون اساسی می باشد؛ چرا که به موجب بند (۹) وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی از وظایف این شورا « تعیین سیاستهای نظام آموزشی و پرورشی و آموزش عالی کشور» می باشد. همچنین وفق بند ۱۹ مصوبه مذکور، سیاستگذاری تدوین کتب درسی و تعیین ضوابط نشر کتاب و تولیدات هنری و فرهنگی در صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

تذکر: عبارت «ازدواج به هنگام نیاز» به عبارت «ازدواج به موقع» اصلاح شود.

ماده (۳۶) - مغایرت با اصل ۵۷، ابهام و نکته

۱. مغایرت: از آنجا که تأسیس مراکز مشاوره موضوع این ماده در مراکز آموزش عالی هزینه‌هایی را به همراه دارد این ماده دارای بار مالی است.
۲. ابهام: منظور از عبارت «با هماهنگی نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها» مشخص نیست به این معناست که وزارتخانه‌های مذکور برای تأسیس مراکز مشاوره موضوع این ماده باید از نهاد نمایندگی ولی فقیه مجوز یا تأییدیه فعالیت دریافت نمایند، یا اینکه صرف اطلاع رسانی به نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها کفایت می‌کند؟ اگر هماهنگی به معنای نخست باشد، به نظر می‌رسد ملزم کردن وزیر به کسب مجوز از نهاد نمایندگی ولی فقیه مغایر اصل (۶۰) باشد. همچنین به جهت اینکه نظارت بر تأسیس مراکز مشاوره موضوع این ماده

در اساسنامه نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیامده است، اعطای این صلاحیت به نهاد مذکور، مغایر مصوبه شورای انقلاب فرهنگی و به تبع آن مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی است. لذا از آنجا که مفهوم «بهماهنگی نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها» می‌تواند ابعاد حقوقی مختلفی را در بر بگیرد و در این ماده مشخص نشده است که ابعاد حقوقی این هماهنگی دقیقاً ناظر به چه مواردی است، عبارت مذکور واجد ابهام تلقی می‌گردد.

۳. **ابهام:** علی‌رغم اینکه در این ماده برای تأسیس مراکز مشاوره موضوع این ماده به ضرورت هماهنگی میان وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی با نهاد نمایندگی توجه شده است، اما نحوه بررسی صلاحیت‌های علمی و اخلاقی افرادی که قرار است مبتنی بر سبک زندگی اسلامی-ایرانی در این مراکز مشاوره دهند و همچنین نحوه نظارت بر محتوا و نحوه فعالیت این مراکز به هیچ عنوان مورد اشاره واقع نشده است. لذا این ماده از این نظر که نحوه بررسی صلاحیت‌های علمی و اخلاقی و نحوه نظارت بر محتوا و نحوه فعالیت این مراکز را مشخص ننموده، ابهام دارد.

۳. **نکته:** به موجب جزء «۱۰» بند «ب» ماده (۴) قانون اهداف، وظایف و



اختیارات وزارت ورزش و جوانان مصوب^۱ ۱۳۹۹/۶/۱۶ ایجاد مراکز تخصصی مشاوره ازدواج و خانواده به این وزارتخانه واگذار شده است. از این رو، به نظر می‌رسد این ماده با تخصیص ماده (۴) قانون فوق، ایجاد مراکز مشاوره مذکور در دانشگاه‌ها را به عهده وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار داده است.

ماده (۳۷) - مغایرت با اصول ۵۷، ۶۰، ۸۵، ۱۳۸ و نکته

۱. مغایرت: در حال حاضر به موجب آیین‌نامه ساماندهی و اعتبار بخشی مراکز مشاوره مصوب ۱۳۹۱/۷/۲۳ هیئت وزیران، موسساتی با عنوان «مراکز مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده» ایجاد شده‌اند که یکی از زمینه‌های فعالیت آنها، ارائه خدمات انتخاب همسر و تسهیل همسرگزینی است. بر اساس ماده

۱. ماده ۴: وزارت به عنوان متولی اصلی ورزش و ساماندهی امور جوانان وظایف و اختیارات زیر را در تحقق مفاد ماده (۳) این قانون عهده‌دار بوده و کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و بخش‌های غیر دولتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات کشور، مکلف به همکاری با وزارت در زمینه‌های ذیل می‌باشند:

...

پ - وظایف وزارت در حوزه جوانان

...

۱۰- حمایت و توانمندسازی جوانان با ایجاد مراکز تخصصی مشاوره ازدواج و خانواده در راستای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت.

(۱) این آیین‌نامه تقاضای صدور مجوز برای فعالیت موسسات مذکور پس از بررسی در کارگروهی با حضور نمایندگان تام‌الاختیار وزارت ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی کشور و سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، توسط وزارت ورزش و جوانان صادر می‌گردد. همچنین در ماده (۵) و (۶)^۱ این آیین‌نامه شرایط متقاضیان تاسیس و مسئولین این مراکز تعیین شده

۱. ماده ۵: متقاضیان تاسیس مراکز باید دارای شرایط زیر باشند:

الف- اعتقاد و التزام عملی به دین مبین اسلام (در مورد اقلیت‌های دینی ذکر شده در قانون اساسی، پایبندی به احکام دینی مربوط به خود آنان کفایت می‌کند).

ب- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

پ- داشتن حداقل ۳۵ سال سن (صرفاً برای مراکز مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده)

ت- متأهل (صرفاً برای مراکز مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده)

ث- نداشتن سوء پیشینه کیفری

ج- دارا بودن سلامت روانی به تأیید سازمان نظام

چ- التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ح- انجام خدمت دوره ضرورت یا معافیت قانونی برای مردان

خ- دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد

د- دارا بودن تأییدیه وزارت کشور (صرفاً برای مراکزی که اقدام به مشاوره پس از ازدواج با رویکرد تحکیم خانواده می‌نمایند)

ماده ۶: دارنده مجوز موظف است نسبت به بکارگیری مسئول فنی دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد مشاوره یا روانشناسی (در کلیه گرایش‌ها) اقدام نماید.

تبصره ۱- چنانچه دارنده مجوز شرایط مذکور در این آیین‌نامه را داشته باشد می‌تواند مسئولیت فنی را بر عهده بگیرد.



است. به موجب ماده (۹)^۱ نیز نظارت بر مراکز مزبور همزمان توسط وزارت ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی کشور و سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد. از طرفی علی‌رغم سازوکار فوق، ماده (۳۷) طرح حاضر به دنبال برچیدن این سازوکار و ایجاد یک سازوکار جدید برای ترویج و تسهیل در امر ازدواج با محوریت سازمان تبلیغات اسلامی است. مبتنی بر این رویکرد، این ماده صدور یا لغو مجوز و همچنین نظارت بر مراکز مزبور را به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار می‌کند. این در حالی است که امور

→

تبصره ۲- در استان‌هایی که فارغ التحصیلان دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط موضوع این آیین‌نامه به تعداد کافی وجود نداشته باشد دارندگان مدرک کارشناسی رشته‌های فوق‌الذکر با داشتن پنج سال سابقه کار در مشاغل روانشناسی و مشاوره می‌توانند به عنوان مسئول فنی معرفی شوند.

تبصره ۳- مسئول فنی در مراکز مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده باید متأهل باشد.

۱. ماده ۹- در صورت عدم رعایت شرایط مندرج در این آیین‌نامه و نیز دستورالعمل‌های مصوب وزارت و سازمان و سازمان نظام و تخطی از آنها توسط مراکز به شرح زیر با آنان برخورد می‌شود:

۱ - اخطار کتبی با درج در پرونده

۲ - عدم تمدید اعتبار مجوز برای یک یا دو سال

۳ - تعلیق فعالیت به مدت سه سال

۴ - لغو دایم مجوز

تبصره- چنانچه به موجب نظارت‌های دوره‌ای وزارت یا سازمان یا سازمان نظام حسب مورد سلب هر یک از شرایط موضوع این ماده یا تخطی از آن محرز گردد مطابق این ماده اقدام خواهد شد.

مذکور از جمله امور اجرایی محسوب شده و با توجه با ماهیت حقوقی سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی، واگذاری این امور به سازمان تبلیغات اسلامی مغایر اصل (۶۰) محسوب می‌گردد.

علاوه بر این، اهداف و وظایف این سازمان به موجب مواد (۵) و (۶) اساسنامه سازمان^۱ (مصوب مقام معظم رهبری) با جزئیات تشریح شده است که

۱. ماده ۵- اهداف

- ۱- احیاء و اشاعه اندیشه تابناک اسلام در همه زمینه های مورد نیاز و تقویت روح عبودیت الهی و ترویج اخلاق اسلامی در میان مردم بویژه نسل جوان.
- ۲- دفاع از اصول اسلام ، نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمانهای انقلاب اسلامی و شناخت توطئه های فرهنگی - تبلیغی بیگانگان و تبیین انحطاط و بطلان مکتبهای الحادی و انحرافی و مبارزه با آفتهای التقاط و تحجر با تکیه بر جامعیت اسلام.
- ۳- گسترش کیفی و کمی تبلیغات دینی و مردمی و برانگیختن احساس مسئولیت عمومی در قبال اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران .

ماده ۶- وظایف سازمان

- ۱- پیشنهاد سیاستهای کلان تبلیغات اسلامی - مردمی به مقام معظم رهبری جهت تصویب .
- ۲- انجام مطالعات و بررسی های کاربردی درخصوص مسائل و نیازهای دینی و تبلیغی جامعه اسلامی و طراحی شیوه های تبلیغی نوین ، فراگیر ، غیرمستقیم و اثربخش و نیز احیاء روشهای سنتی سازگار با موازین اسلامی و حذف یا اصلاح شیوه های سنتی نامتناسب با ارزشهای اسلامی .
- ۳- تحقیق و بررسی درخصوص شیوه ها و ترفندهای تبلیغاتی سوء و تهاجم فرهنگی علیه جامعه اسلامی و اتخاذ تدابیر لازم جهت خنثی سازی و مقابله با آنها و تنویر افکار عمومی .
- ۴- تأسیس مراکز و مؤسسات فرهنگی ، هنری ، آموزشی و اطلاع رسانی تخصصی بمنظور تأمین



→

محتوا و منابع انسانی لازم .

۵- تبیین و شناساندن معارف و ارزشهای اسلامی و نیز مواضع اصولی جمهوری اسلامی برای عموم مردم ، بویژه جوانان ، از طریق تدوین و انتشار نشریات و کتب و انجام فعالیتهای سمعی و بصری و برگزاری سخنرانیهای تخصصی و عمومی با استفاده از فناوریهای نوین .

۶- تهیه و ارایه چارچوبها و شاخصهای معرف محصولات مطلوب فرهنگی و هنری و تهیه و عرضه فرآورده ها و آثار نمونه فرهنگی و هنری در جهت ارایه الگوهای مناسب به هنرمندان متعهد و انقلابی و حمایت از آنان .

۷- فراهم کردن شرایط و زمینه های مناسب برای فعالیت افراد و گروههای تأثیرگذار فرهنگی و هنری و ارایه تسهیلات و امکانات لازم برای عرضه آثار آنان در راستای گسترش تبلیغات اسلامی .

۸- کمک و همکاری با سازمانها ، دستگاهها و شرکتهای مختلف دولتی و غیردولتی ، بمنظور گسترش و تداوم تبلیغات اسلامی در آنها .

۹- تأسیس مراکز اطلاع رسانی تبلیغات اسلامی به منظور تبیین ارزشهای اسلامی و تحکیم باورهای اصیل دینی ، مردم و نیز پاسخگویی به سؤالات و شبهات آنها .

۱۰- برنامه ریزی ، سازماندهی و پشتیبانی برای اعزام مبلغ به نقاط مورد نظر کشور با اولویت به مناطق محروم و دور افتاده با هماهنگی و همکاری سازمانهای مسئول و ذیربط .

۱۱- اقدام و کمک به برگزاری گردهمایی ها ، جشنواره ها و یادواره ها و نمایشگاههای مردمی و تخصصی بمنظور ترویج و تبلیغ ارزشها و سنتهای اصیل اسلامی .

۱۲- هدایت و نظارت و عندالاقضاء پشتیبانی و هماهنگی فعالیتهای تبلیغاتی و شعائر مذهبی مردم در جهت نیل به تحقق اهداف انقلاب اسلامی .

۱۳- تهیه و تنظیم سیاستهای تبلیغی سازمان ، در چارچوب سیاست کلی نظام و چشم انداز بیست ساله و متناسب با شرایط و اقتضای زمان و فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و اجرای کامل آنها پس از تصویب هیأت امناء .

۱۴- تحقیق و بررسی درخصوص شناخت دقیق ادیان مختلف بویژه مکاتب جعلی و استعماری و

←

در این مواد به هیچ عنوان به وظایف موضوع ماده حاضر اشاره نشده است. لذا واگذاری این امور به سازمان تبلیغات اسلامی به منزله اصلاح اساسنامه سازمان است و از آنجا که هر گونه اصلاحیه اساسنامه مذکور نیز باید به تصویب مقام معظم رهبری برسد، این ماده مغایر با اصل ۵۷ تلقی می‌گردد.

۲. مغایرت: واگذاری تصویب دستورالعمل مربوط به نحوه فعالیت و نظارت بر مراکز موضوع این ماده به ستاد عالی جمعیت، با توجه به ترکیب اعضای این ستاد مغایر اصل ۱۳۸ است. همچنین از آنجا که این واگذاری این موارد بدون تعیین ضوابط مربوطه صورت گرفته است، این اقدام مغایر اصل ۸۵ محسوب می‌گردد.

۳. ابهام: عبارت «ضمن صدور و لغو مجوز» ابهام دارد. این عبارت باید به



مقابله علمی، فکری و ریشه‌ای با آنها و نیز ارتقاء سطح آگاهی و بینش دینی مردم برای مواجهه استدلالی و منطقی با چنین پدیده‌های ضد اسلامی.

۱۵- کمک به تأسیس، توسعه و تجهیز کتابخانه‌های مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و مراکز آموزش عالی، تحقیقاتی و نیز مراکز اسلامی و فرهنگی در راستای توسعه تبلیغات اسلامی در آنها.

۱۶- جلب مشارکت و هدایت همکاریهای مردمی از طریق صدور مجوز تأسیس و ساماندهی کانونهای فرهنگی - تبلیغی، کانونهای قرآنی، تشکلهای مذهبی و انجمنهای اسلامی.

۱۷- نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و اهتمام به آموزش همگانی قرآن کریم از طریق ساماندهی و حمایت از تشکلهای قرآنی مردمی.



صورت «ضمن دارا بودن صلاحیت صدور یا لغو مجوز» اصلاح شود.

۴. نکته: عبارت ذیل ماده که هر گونه فعالیت در زمینه ترویج و تسهیل امر ازدواج خارج از ضوابط این ماده را به نحو مطلق ممنوع اعلام کرده است، در مواردی ممکن است از فعالیت‌های خودجوش مردمی که مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی در میان خانواده‌های ایرانی رواج دارد، جلوگیری کند. لذا اطلاق این عبارت از حیث شرعی قابل تأمل به نظر می‌رسد.

ماده (۳۸) - مغایرت با اصول ۵۷، ۶۰، ۷۱، بند «۱۰» اصل ۳ و نکته

۱. مغایرت: تفویض صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص تدوین محتواهای آموزشی و فرهنگی به نهادی غیر از این شورا، مغایر با اصل ۵۷ است. از این رو، واگذاری تدوین محتوای آموزش‌های حین ازدواج به شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده که در واقع به عنوان یکی از شوراهای زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می‌کند و اکثریت اعضای آن را افرادی غیر از اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل داده است،^۱ مغایر اصل مذکور تلقی می‌گردد.

۱. ماده (۲) آیین نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان مصوب ۱۳۷۶/۴/۱۷ شورای عالی انقلاب

فرهنگی: ترکیب اعضا

۱- یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و بانماینده شورا

۲. مغایرت: از آنجا که ارائه «آموزش‌های اخلاقی، حقوقی و روانشناسی

→

۲- دو نفر از صاحب نظران در «علوم و معارف اسلامی» و «مسائل علمی و فرهنگی» به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳- نماینده رئیس جمهور.

۴- دو نفر از بانوان نماینده مجلس به پیشنهاد رئیس مجلس شورای اسلامی.

۵- نماینده قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

۶- دو نفر از بانوان یکی از حوزه علمیه قم به پیشنهاد جامعه الزهرا و نفر دیگر با معرفی سازمان تبلیغات اسلامی.

۷- یک نفر از خواهران صاحب نظر در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان به پیشنهاد وزیر هریک از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، امور خارجه، کشور و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۸- نماینده سازمان صدا و سیما.

۹- نماینده سازمان تربیت بدنی.

۱۰- نماینده دانشگاه آزاد اسلامی.

۱۱- نماینده نیروی مقاومت بسیج.

تبصره ۱: در صورتی که موضوع دستور شورای فرهنگی و اجتماعی زنان راجع به یکی از وزارتخانه‌ها یا دستگاه‌های اجرایی باشد، نماینده آن دستگاه می‌تواند با حق رأی در جلسه شرکت کند.

تبصره ۲: احکام اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان را رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر می‌کند و مدت عضویت آنان ۳ سال خواهد بود.

تبصره ۳ - رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان را اعضای شورا از میان خود برای مدت دو سال انتخاب خواهند کرد و حکم ایشان را رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر خواهد کرد.

تبصره ۴: تمامی اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسند.



حین ازدواج» از جمله امور اجرایی محسوب می‌شوند، واگذاری آنها به نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌های علوم پزشکی مغایر اصل ۶۰ است. علاوه بر این، با توجه به ماده (۳) اساسنامه نهاد نمایندگان مقام معظم رهبری در دانشگاهها مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی که وظایف این نهاد را احصا کرده است، به نظر می‌رسد عناوین فوق از جمله وظایف مصرح در این ماده نیست. لذا اعطای این صلاحیت‌ها به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها به منزله اصلاح اساسنامه مذکور و به تبع آن مغایر اصل ۵۷ تلقی می‌گردد. همچنین توجه به این نکته نیز ضروری است که ایجاد الزام قانونی و واگذاری وظایف جدید به نهاد نمایندگی ولی فقیه بدون اذن ایشان، خارج از صلاحیت مجلس و مغایر با اصل ۵۷ است.

۳. مغایرت: واگذاری آموزش‌های اخلاقی، حقوق و روانشناسی حین ازدواج به نهاد رهبری دانشگاه‌های علوم پزشکی که از حیث علمی صلاحیت‌های لازم را در این موضوعات ندارد، مغایر نظام اداری صحیح و بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی است.

۴. تذکر: با توجه به عنوان صحیح نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها مطابق اساسنامه این نهاد مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، عبارت «نهاد رهبری» در ذیل این ماده به عبارت «نهاد نمایندگی ولی فقیه در» اصلاح شود.

ماده (۳۹) - مغایرت با اصول ۱۵، ۵۲، ۵۳، بند «۱۰» اصل ۳ و ابهام

۱. مغایرت: مفهوم تبصره این ماده به نحوی است که پایان‌نامه‌هایی را که از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند را نیز در بر می‌گیرد. لذا اطلاق تبصره در مواردی که دستگاه‌های مذکور را مکلف به حمایت از پایان‌نامه‌های فاقد کیفیت مطلوب می‌کند و هیچ سازوکاری برای تمیز این پایان‌نامه‌ها تعیین نکرده است، مغایر بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی است.

۲. مغایرت: به کارگیری واژه غیر فارسی «پروژه» مغایر با اصل (۱۵) قانون

اساسی است

۳. ابهام: از آنجا که مشخص نیست «کلیه مراکز و موسسات آموزشی و

پژوهشی مرتبط با موضوع» دقیقاً چه مواردی را شامل می‌شود، و همچنین مشخص نیست چه مرجعی قرار است این ارتباط را تشخیص دهد، عبارت مزبور دارای ابهام است.

۴. ابهام: از آنجا که مشخص نیست «حمایت ویژه» در انتهای تبصره این ماده

دقیقاً چه اقداماتی را در بر می‌گیرد، و همچنین این حمایت چه تفاوتی با حمایت‌های مالی مذکور در صدر ماده دارد که حکم مجزایی برای آن در نظر گرفته شده است، این عبارت واجد ابهام است.

ماده «۴۰» - ابهام

۱. ابهام: این ماده به حمایت معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور و صندوق نوآوری و شکوفایی از شرکت‌های دانش بنیان فعال در زمینه درمان ناباروری و سلامت مادر و کودک و تولید اقلام و تجهیزات و داروهای مرتبط اختصاص دارد.

در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور در ذیل معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور برنامه‌ای تحت عنوان «برنامه حمایت از توسعه علوم و فناوری-های نو» تعریف شده است که دارای سه عنوان برنامه «حمایت از پروژه‌های توسعه فناوری»، «حمایت از شبکه آزمایشگاهی فناوری‌های نوین» و «حمایت از پروژه‌های کلان فناوری ملی» می‌باشد. همچنین ستاد توسعه علوم و فناوری‌های سلول‌های بنیادی که در سال ۱۳۸۷ در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تشکیل شده است، در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور دارای ردیف بودجه می‌باشد.

۲. ابهام: عبارت «متناسب با کمک‌های پیش بینی شده در این قانون» با توجه به اینکه در این قانون در موارد دیگری به کمک صندوق نوآوری و شکوفایی اشاره نشده است، دارای ابهام است.

ماده (۴۱) - مغایرت با اصول ۱۵، ۸۵، ۱۱۰ و ابهام

۱. نکته: تکلیف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تجهیز و راه‌اندازی مراکز تخصص درمان ناباروری متضمن هزینه بوده و دارای بار مالی است. گفتنی است در صدر ماده اشاره شده که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در راستای بند «ح» ماده (۱۰۲) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۱ می‌بایست اقدام به تجهیز و راه‌اندازی مراکز تخصصی ناباروری در سطح کشور بنماید. در حالی که بند «ح» به «تمهیدات لازم از قبیل ارائه تسهیلات جهت افزایش سلامت ازدواج و درمان ناباروری در قالب بودجه سنواتی»^۲ نموده است.

۲. ابهام: عبارت «عمومی غیردولتی» ذیل ماده از این جهت که مشخص نیست آیا ناظر به مالکیت مراکز مذکور در ماده می‌باشد یا خیر دارای ابهام است.

۱. ماده ۱۰۲- دولت موظف است براساس سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و سند جمعیت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری نهادهای ذی‌ربط به منظور تقویت و تحکیم جامعه- ای خانواده محور و تقویت و تحکیم و تعالی خانواده و کارکردهای اصلی آن با رعایت شاخص‌های الگو و سبک زندگی اسلامی - ایرانی با ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی اقدامات ذیل را به عمل:

ح- تمهیدات لازم از قبیل ارائه تسهیلات جهت افزایش سلامت ازدواج و درمان ناباروری در قالب بودجه سنواتی



۳. نکته: در خصوص مراکز درمان ناباروری سطح ۲ و ۳ مذکور در این ماده گفتنی است که در این خصوص دستورالعمل برنامه حمایت مالی زوج نابارور و مدیریت و توسعه خدمات درمان ناباروری وجود دارد که مطابق ماده (۵) آن^۱ سطوح ارائه خدمات به سه سطح دسته بندی شده است.

۴. نکته: مقصود از «نظام سطح بندی خدمات» که در ذیل این ماده به عنوان قالب اجرای حکم این ماده پیش بینی شده، نظامی است که از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای دریافت خدمات بهداشت و درمان مراجعان تعریف و تدوین شده است.

۱. ماده ۵-سطوح ارائه خدمت:

۱-۵- سطح یک خدمات ناباروری شامل اقدامات تشخیصی و درمانهای طبی اولیه افراد کم بارور (Subfertile) و ارجاع زوج های نابارور به مراکز سطح دو و سهمی باشد که در تمام مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستائی و درمانگاه های دولتی و خصوصی دارای ماما، پزشک عمومی، متخصصین زنان، ارولوژی، داخلی و غدد ارائه می گردد.

۱-۵- سطح دو خدمات ناباروری شامل ارائه خدمات تشخیصی و درمانهای جراحی شامل رفع نواقص مادرزادی برای باروری با روشهای لاپاراسکوپی و هیستروسکوپی، اعمال جراحی مردان و خدمت تلقیح داخل رحمی (IUI) می باشد.

۳-۵- سطح سه خدمات ناباروری شامل خدمات تخصصی ناباروری است که در مراکز دارای امکانات آزمایشگاه جنین شناسی و اطاق عمل برای روشهای کمک باروری (ART) ارائه می گردد. (۶۲ مرکز کنونی-خصوصی و دولتی)

سطوح مختلف ارائه خدمات متقاضی خدمات بهداشتی و درمانی در نظام شبکه در شکل ذیل نمایش داده شده است:



۴. **مغایرت:** در تبصره «۱» واژه «فلوشیپ» با توجه به غیر فارسی بودن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

۵. **ابهام:** در تبصره «۲» منظور از واژه «متخصصین» مشخص نیست. همچنین عبارت «متخصصین زنان و مامایی» ذیل تبصره، از این جهت که آیا به معنای «متخصصین زنان و زایمان» است و یا شامل «کارشناسان مامایی» نیز می شود، دارای ابهام است.



۶. نکته: مطابق تبصره «۳» این ماده به ارائه درمان های همزمان طب سنتی ایران به زوجین نابارور اشاره شده است که در این رابطه برخی کارشناسان وزارت بهداشت معتقدند در مواردی به دلیل تداخل ارائه درمان های همزمان صحیح نمی باشد.

۷. تذکر: در صدر متن ماده عبارت «برنامه ششم» به عبارت «قانون برنامه ششم» اصلاح شود. همچنین در عبارت «پس از لازم الاجرا شدن قانون»؛ حرف «این» قبل از کلمه «قانون» اضافه شود.

علاوه بر این عبارت «مرکز ناباروری سطح ۳» صحیح نبوده و باید «به مرکز درمان ناباروری سطح ۳» اصلاح شود. در تبصره «۳» نیز عبارت «طب سنتی ایران» به «طب سنتی ایرانی» اصلاح شود.

ماده (۴۲) - مغایرت با اصول ۶۰ و ۱۳۸ و ابهام

۱. مغایرت: بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی وضع مقررات دولتی در صلاحیت وزراء، هیأت وزیران و کمیسیون های متشکل از چند وزیر است و نه اشخاص خارج از قوه مجریه. لذا منوط کردن ابلاغ دستورالعمل مصوب وزیر بهداشت به تأیید ستاد عالی جمعیت و خانواده به جهت عضویت اعضای غیر وزیر و غیر قوه مجریه، مغایر با این اصل به نظر می رسد.

۲. ابهام: «ستاد عالی جمعیت و خانواده» مبنیاً دارای ابهام است.

ماده (۴۳) - مغایرت با اصل ۱۳۸، نکته، تذکر

۱. نکته: این ماده در راستای بندهای «ح» و «د»^۱ ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم توسعه، به موضوع پوشش کامل بیمه‌ای اقدامات مربوط به مراحل درمان ناباروری اعم از معاینه، بیماریابی، تشخیص علت ناباروری و درمان پرداخته است. لکن نکته ای که در این رابطه وجود دارد آن است که ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم به نحو کلی دولت را مکلف نموده با ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی اقدام به ارائه تسهیلات جهت درمان ناباروری و حمایت و توسعه بیمه در کلیه مراحل دوران بارداری نماید. لذا ماده حاضر واجد بار مالی جدید محسوب می‌شود.

۲. نکته: علت کاهش مدت اقدام به بارداری برای افراد بالای ۳۵ سال این

۱. ماده ۱۰۲- دولت موظف است براساس سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و سند جمعیت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری نهادهای ذی‌ربط به منظور تقویت و تحکیم جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم و تعالی خانواده و کارکردهای اصلی آن با رعایت شاخصهای الگو و سبک زندگی اسلامی- ایرانی با ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی اقدامات ذیل را به‌عمل آورد:

ح- تمهیدات لازم از قبیل ارائه تسهیلات جهت افزایش سلامت ازدواج و درمان ناباروری در قالب بودجه سنواتی

د- حمایت و توسعه بیمه سلامت در بیمه پایه و تکمیلی برای مادران در کلیه مراحل دوران بارداری تا پایان دوران شیرخوارگی



است که با توجه به احتمال کمتر بارداری آنان، قانونگذار خواسته است که این افراد سریع‌تر وارد فرآیند درمان شوند و فرصت به ثمر نشستن اقدامات درمانی را از دست ندهند.

۳. نکته: عبارت «سقط مکرر» در تبصره «۲» با توجه به این که تعداد و تعریف آن مشخص نیست دارای ابهام است، هر چند در اصطلاحات پزشکی به سه بار سقط و بیشتر به طور پیاپی در سه ماهه اول بارداری «سقط مکرر» اطلاق می‌شود.

۴. مغایرت: مطابق تبصره «۳» این ماده شورای عالی بیمه مکلف به تعریف بسته خدمات پایه بیمه شده است. با این توضیح که اولاً به نظر مقصود از «شورای عالی بیمه» در این تبصره «شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور» موضوع ماده (۲) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور (مصوب ۱۳۷۳)^۱ می‌باشد و نه «شورای عالی بیمه» موضوع ماده (۱۰) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری (مصوب ۱۳۵۰) و لذا باید به این امر تصریح شود.

ثانیاً با عنایت به ترکیب این شورا که متشکل از اعضای غیر وزیر نیز

۱. ماده ۲ - به منظور توسعه و تعمیم بیمه خدمات درمانی و اعمال وظایف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی‌های اجرایی هدایت، نظارت و ارزشیابی سطح کمی و کیفی بیمه خدمات درمانی در چهارچوب این قانون شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور که بعد از این شورای عالی نامیده می‌شود، در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌گردد.

می‌باشد، اعطای صلاحیت موضوع تبصره مزبور که ماهیت آئین نامه اجرایی دارد به شورای مزبور، مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی شناخته می‌شود. لازم به ذکر است که در قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور در کلیه موارد صلاحیت شورای عالی منوط به تصویب هیأت وزیران شده است. از

۱. ماده ۳- ترکیب شورای عالی به شرح زیر خواهد بود:

- ۱- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (رییس شورای عالی)
 - ۲- وزیر کار و امور اجتماعی.
 - ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی.
 - ۴- رییس سازمان برنامه و بودجه.
 - ۵- دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
 - ۶- رییس کل سازمان نظام پزشکی.
 - ۷- مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی.
 - ۸- مدیر عامل سازمان بیمه خدمات درمانی.
 - ۹- مدیر عامل سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح.
 - ۱۰- سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)
 - ۱۱- معاون امور درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (بدون حق رأی).
 - ۱۲- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیونهای برنامه و بودجه و بهداشتی (بهزستی (از هر کدام یک نفر) که در هر دوره مجلس به انتخاب مجلس تعیین خواهند شد، به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شرکت خواهند کرد.
- تبصره - دبیرخانه شورای عالی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده و معاون امور درمان دبیر شورای عالی و مسئول ابلاغ مصوبات آن می‌باشد.



جمله مطابق ماده (۱۰) این قانون که مشابه صلاحیت مقرر در تبصره «۳» ماده حاضر می‌باشد، اعلام داشته «حداقل شمول و سطح خدمات پزشکی و دارو شامل خدمات پزشکی اورژانس، عمومی و تخصصی (سرپایی و بستری) که انجام و ارائه آن در نظام بیمه خدمات درمانی به عهده سازمان‌های بیمه‌گر قرار می‌گیرد و لیست خدمات فوق تخصصی که مشمول بیمه‌های مضاعف (مکمل) می‌باشد به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأیید شورای عالی و تصویب هیأت وزیران تعیین و اعلام می‌شود.»

گفتنی است شورای نگهبان در اظهارنظر خود نسبت به قانون مزبور همین مسئله را مورد توجه قرار داده و اعلام نموده «ذیل ماده ۱۰ از این نظر که تصویب «شورای عالی» را در تعیین سطح خدمات ارائه شده قاطع دانسته است خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است» و متعاقب این ایراد، ماده مزبور به شرح فوق اصلاح و تأیید شورای عالی بیمه با تصویب هیأت وزیران معتبر خواهد بود.

ماده (۴۴) - ابهام

در بند «الف» ماده (۷۰) قانون برنامه ششم^۱، وزارت بهداشت، درمان و

۱. ماده ۷۰- دولت مکلف است به منظور تحقق سیاست‌های کلی سلامت، تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت، توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت و مدیریت منابع سلامت از طریق نظام بیمه با محوریت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تا پایان سال اول اجرای برنامه اقدامات زیر را



بر اساس سیاست‌های کلی سلامت به عمل آورد:

الف- پوشش بیمه سلامت برای تمامی آحاد جمعیت کشور اجباری بوده و برخورداری از یارانه دولت جهت حق سرانه بیمه از طریق ارزیابی وسع و ضوابط ذیل و بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره- این حق بیمه شامل سرپرست خانوار و کلیه افراد تحت تکفل آنان است.

ب- حق بیمه پایه سلامت خانوار به شرح ذیل، سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود:

۱- خانواده روستائیان، عشایر و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی معادل هفت درصد (۷٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار. صددرصد (۱۰۰٪) حق بیمه این گروه‌های اجتماعی بر مبنای بند (الف) این ماده توسط دولت در قالب بودجه سنواتی تأمین می‌شود.

۲- کارکنان دستگاههای اجرایی معادل هفت درصد (۷٪) حقوق و مزایای مستمر آنان

تبصره- بخشی از حق بیمه مشمولان این جزء از محل بودجه عمومی دولت در قالب بودجه سنواتی تأمین خواهد شد.

۳- مشمولان تأمین اجتماعی کسر حق بیمه مطابق قانون تأمین اجتماعی

۴- سهم خانوارهای سایر اقشار، متناسب با گروه‌های درآمدی معادل هفت درصد (۷٪) درآمد، حداکثر معادل سقف درآمد کارکنان دولت

۵- پوشش بیمه سلامت برای افراد خارجی مقیم در کشور، از جمله پناهندگان گروهی مورد تأیید دفتر اتباع خارجی وزارت کشور، الزامی است. شیوه دریافت حق بیمه و برخورداری از یارانه دولت برای تأمین حق بیمه بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف سه ماه از زمان لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. حکم این جزء بر حکم ماده (۴) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور حاکم است.

پ- دستگاه‌های اجرایی مکلفند حق بیمه پایه سلامت سهم بیمه شده و دستگاه اجرایی را حداکثر ظرف مدت سه ماه به حساب سازمان بیمه‌گر پایه مربوطه واریز نمایند. در صورت عدم واریز با اعلام





آموزش پزشکی مکلف به پوشش بیمه سلامت برای تمامی آحاد جامعه شده و حق بیمه آن مشخص شده است. همچنین بند «د» ماده (۱۰۲) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه «حمایت و توسعه بیمه سلامت در بیمه پایه و تکمیلی برای مادران در کلیه مراحل دوران بارداری تا پایان دوران شیرخوارگی» را از وظایف دولت از طریق ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارات لازم در قالب بودجه سنواتی دانسته است. لکن نکته قابل ملاحظه‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که مشخص نیست حق بیمه و سازوکار پرداخت آن از سوی اشخاص موضوع این ماده و سهم دولت به چه صورت می‌باشد و باتوجه به عدم وجود درآمد برای این افراد این موارد چگونه محاسبه خواهد شد.

ماده (۴۵) - نکته و ابهام

۱. نکته: عبارت «نظام ارجاع خدمات پزشکی» در ماده (۴۵) نوعی شیوه ارائه خدمات درمانی و بهداشتی است که در آن بیماران باید طبق یک سلسله مراتب به مراکز درمانی مراجعه کنند.
۲. ابهام: مفاد این ماده درخصوص پوشش بیمه‌ای خدمات سلامت زنان،

→

سازمان بیمه‌گر و تشخیص و توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از ردیف مربوطه و حساب جاری دستگاه اجرایی ذی‌ربط برداشت و به حساب سازمان بیمه گر پایه واریز می‌شود.

ت-

مادران باردار ... از جمله ماماها و پزشکان، واجد ابهام است و مشخص نیست مقصود چیست.

۳. ابهام: مطابق این ماده شورای عالی بیمه مکلف به تدوین و ابلاغ راهنمای بالینی استاندارد پوشش بیمه‌ای شده است. در این خصوص نیز مشخص نیست آیا شورای مزبور مستقلاً تصمیم‌گیری خواهد نمود و یا اعتبار آن منوط به تصویب هیأت وزیران است.

ماده (۴۶) - مغایرت با اصل ۸۵ و بند «۱» اصل ۱۱۰، نکته و تذکر

۱. نکته: این ماده دارای سه حکم جداگانه است که شامل: الف) تغییر، اصلاح و تکمیل متون و منابع آموزشی، ب) تربیت کارکنان و ارائه دهندگان بر مبنای متون اصلاح شده، ج) پرداخت فوق‌العاده کمک به فرزندآوری به کارکنان شبکه بهداشت و درمان می باشد. لکن عبارت پردازی آن نظیر غالب مواد دیگر این مصوبه فاقد وضوح و استحکام می باشد و به نظر می توان موارد متعددی از مصوبه حاضر را از همین حیث مغایر بند «۹» سیاست های کلی نظام قانونگذاری دانست که براساس آن رعایت اصول قانون گذاری و قانون نویسی از جمله شفافیت و عدم ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. مغایرت: تفویض میزان و نحوه پرداخت فوق‌العاده کمک به فرزندآوری به دستورالعمل وزارت بهداشت بدون تعیین چارچوب و ضوابط



آن مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته می‌شود.

۳. نکته: این ماده به جهت پیش‌بینی فوق‌العاده کمک به فرزندآوری موجب

افزایش هزینه عمومی می‌شود.

۴. تذکر: عبارت «کاهش فاصله ازدواج و فرزند اول» به عبارت «کاهش

فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول» و عبارت «کاهش فاصله فرزندان» به عبارت «کاهش فاصله تولد فرزندان» اصلاح شود.

ماده (۴۷) - ابهام

با توجه به ایرادات مطرح شده در خصوص «ستاد عالی جمعیت و خانواده»

این ماده نیز مبنیاً دارای ابهام می‌باشد.

ماده (۴۸) - مغایرت با اصل ۶۰

با توجه به ماهیت اجرایی حکم موضوع این ماده، ورود مجلس به این گونه

موارد مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۴۹) - نکته

۱. نکته: در حال حاضر زایمان طبیعی برای کلیه مراجعین تحت پوشش

بیمه و فاقد پوشش بیمه‌ای در بیمارستان‌ها و زایشگاه‌های دولتی به صورت

رایگان انجام می‌شود؛ فلذا حکم این ماده موجب هزینه جدیدی برای دولت

نمی‌شود. البته ممکن است هزینه‌های جانبی برای طفل یا مادر وجود داشته

باشد که این موارد مشمول این امر نیست.

۲. نکته: تکلیف وزارت بهداشت در تبصره به افزایش ظرفیت ماماها در

کشور به ازای هر دو مادر یک ماما، موجب هزینه جدید است.

ماده (۵۰) - مغایرت با اصول ۱۵، ۶۰، ۸۵ و ۱۳۸

۱. مغایرت: در بند «ث» تفویض اصلاح تعرفه و کارانه به وزارت بهداشت

بدون تعیین چارچوب و ضوابط آن مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد.

۲. مغایرت: در رابطه با حکم مقرر در بند «ج» درخصوص ممنوعیت پرداخت

بیمه در موارد سزارین به درخواست مادر باید گفت در حال حاضر هیچ مورد

سزارینی به درخواست مادر در بیمارستان‌های دولتی انجام نمی شود و کلیه

سزارین‌ها در بیمارستان‌های دولتی به تشخیص و تجویز پزشک است. اما در

بیمارستان‌های خصوصی این امر امکان پذیر است. اما نکته‌ای که در این خصوص

وجود دارد آن است که حکم این بند در خصوص مواردی که مادر یا سرپرست

وی مبلغی را در گذشته به عنوان حق بیمه پرداخت کرده باشد و مطابق ضوابط

همان موقع سزارین نیز مشمول بیمه بوده است، موجب محرومیت از حق انتفاع و

ضایع شدن حقوق آنان خواهد شد و واجد ایراد است.

۳. مغایرت: واژه «سزارین» در بندهای «ج» و «چ»، واژه «تکنسین» در بند «ج» و

واژه «کادر» در بند «خ» به دلیل غیرفارسی بودن، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.



۴. **مغایرت:** در بند «خ» منوط کردن ابلاغ شاخص‌ها و شیوه‌نامه‌های ارزشیابی مصوب وزیر بهداشت به تأیید ستاد عالی جمعیت و خانواده، علاوه بر اینکه مبنیاً واجد ابهام است، باتوجه به ترکیب این ستاد مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی نیز محسوب می‌شود.

۵. **نکته:** در بند «د» عملکرد بیمارستان‌ها در کاهش سالانه ۵ درصد از میزان زایمان طبیعی به عنوان پیش نیاز اعتبار بخشی به بیمارستان‌ها محسوب شده است. این امر باعث می‌شود که بیمارستان‌های دولتی به خصوص در پذیرش مادرانی که برای اولین بار وضع حمل می‌نمایند و احتمال سزارین آنها بالا می‌باشد، موانعی ایجاد نمایند و بیشتر به فکر آمار مزبور باشند تا سلامت مادر و فرزند.

۶. **تذکر:** در بندهای «خ»، «د» و «ذ» عبارت «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» جهت همسان شدن با بندهای ماقبل و با توجه به عبارت صدر ماده، حذف شود.

همچنین در بند «الف» عبارت «کاهش غیرطبیعی» به عبارت «کاهش زایمان غیرطبیعی» اصلاح شود.

ماده (۵۱) - مغایرت با اصول ۳، ۲۰، ۲۱، ۲۹، ۶۰، ۱۳۸، نکته و ابهام

۱. **نکته:** مطابق این ماده توزیع رایگان هرگونه اقلام پیشگیری در شبکه بهداشتی درمانی (پایگاه بهداشت شهری و خانه بهداشت روستایی) ممنوع اعلام

شده است و براساس تبصره «۱» آن ارائه موارد فوق مطابق دستورالعمل مصوب ستاد عالی جمعیت در مواردی خواهد بود که بارداری باعث خطر جانی برای مادر می‌شود. اما نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که عمده مصارف رایگان اقلام فوق در شبکه بهداشتی درمانی برای اقشار نیازمند صورت می‌پذیرد و از طرف دیگر اگرچه در مواردی بارداری دارای خطر جانی برای مادر نمی‌باشد، لکن به دلایلی از جمله لزوم فاصله حداقلی میان فرزندان و یا آسیب‌های غیرجانی دیگری که ممکن است مادر با آن مواجه باشد و یا بیماری‌های مقاربتی، ضرورت استفاده از این اقلام وجود دارد و حکم این ماده باعث خواهد شد اقشار ضعیف متحمل هزینه‌های استفاده از این اقلام در خارج از شبکه بهداشت شوند.

۲. مغایرت: در تبصره «۱» این ماده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف به تهیه دستورالعمل توزیع دارو، خدمات و اقلام مرتبط با جلوگیری از بارداری فقط برای مادرانی که بارداری برای آنان خطر جانی دارد، شده است. این در حالی است که توزیع دارو برای مادرانی که به دلایل دیگر نباید باردار شوند، ولی بارداری برای آنان خطر جانی هم ندارد در نظر گرفته نشده است. مثلاً مادری که دارای نوزاد شیرخوار است و در صورت بارداری مجدد، نوزاد از حق شیرخوردن که به فرمایش قرآن تا دو سال می‌بایست ادامه



یابد، محروم می‌گردد. یا مواردی که بارداری برای سلامت مادر آسیب دارد، اما خطر جانی محسوب نمی‌شود؛ یا مادری که پیوند کلیه زده است و در حال مصرف داروهای خاصی است و با بارداری مجبور به قطع مصرف دارو می‌شود که سلامت وی را دچار مخاطره می‌سازد. همچنین زوجینی که دچار بیماری‌هایی هستند که از طریق جنسی منتقل می‌شود مانند ایدز، سفلیس و ... نیازمند استفاده از این وسایل در رابطه جنسی هستند، لذا اطلاق حکم تبصره «۱» از جهت محروم کردن افراد از دسترسی به دارو و خدمات و اقلام واجد ایراد و مغایر بند «۱۲» اصل ۳ مبنی بر «پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» و اصول مربوط به حقوق ملت از جمله اصول ۲۰ و ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی می‌باشد.

۳. مغایرت: باعنایت به اینکه امر پیشگیری از بارداری و استفاده از داروها و اقلام پیشگیری گاهی برای زوجین فوریت مصرف پیدا می‌کند، منوط کردن توزیع آنها به نسخه پزشک از دو جهت یکی در دسترس نبودن پزشک در همه اوقات و دیگری هزینه ویزیت پزشک به خصوص برای افرادی که بارداری برای سلامتی آنان مخاطره آمیز است و یا مانع کامل شدن دوران شیردهی نوزاد می‌شود خلاف بند «۹» و «۱۲» اصل ۳ قانون اساسی است.

۴. **مغایرت و ابهام:** تصویب دستورالعمل موضوع تبصره «۱» توسط ستاد عالی جمعیت، به دلیل ترکیب ستاد مزبور مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی محسوب می شود. همچنین ستاد مزبور مبنیاً بر ابهامات وارده به این ستاد، واجد ابهام است.

۵. **مغایرت:** براساس تبصره «۲» این ماده توزیع داروهای هورمونی جلوگیری از بارداری در داروخانه ها مطابق دستورالعمل فوق و با تجویز پزشک ممکن خواهد بود. در این رابطه با توجه به اینکه دستورالعمل مزبور صرفاً ناظر به موارد دارای خطر جانی برای مادر بود، ارائه این داروها نیز منحصر به این موارد خواهد شد. درحالی که اولاً داورهای مزبور فقط به منظور پیشگیری از بارداری نیست و مصارف گوناگونی دارد حتی برای افراد مجرد مثلاً برای پیشگیری از دوران عادات ماهانه در ایام زیارت، تنظیم عادات ماهیانه برای افرادی که مشکلاتی در این زمینه دارند و ... و ثانیاً همانگونه که در بالا ذکر شد در مواردی ممکن است بارداری به دلایلی برای مادر دارای خطر عمده ولی غیرجانی داشته باشد و لذا منوط کردن مصرف این داروها به تجویز پزشک در این موارد منجر به عدم دسترسی افراد به داروها و محرومیت آنان از این داروها شده و درنتیجه چنین حکمی مغایر بند «۹» و «۱۲» اصل ۳ و اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی است.



ماده (۵۲) - مغایرت با اصل ۸۵

۱. مغایرت: در صدر ماده عقیم سازی ممنوع بوده و صرفاً در موارد استثنایی و یا در جایی که بارداری برای مادر خطر جانی دارد، مجاز شمرده شده است. با توجه به اینکه مشخص کردن موارد استثنایی شأن تقنینی دارد، واگذار کردن آن به دستورالعمل بدون تعیین ضوابط و چارچوب آن خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی است.

۲. **ابهام**: با توجه به این که صدر ماده عقیم سازی را در موارد استثنایی و یا در جایی که بارداری برای مادر خطر جانی دارد مجاز شمرده است و از طرف دیگر در ذیل ماده دستورالعمل را فقط به موارد خطر جانی برای مادر محدود کرده است، از این جهت که آیا دستورالعمل مزبور شامل موارد دیگری نیز می‌شود یا خیر واجد ابهام است. در صورتی که دستورالعمل مزبور صرفاً شامل مواردی که بارداری دارای خطر جانی برای مادر دارد شود، به دلیل اینکه به جز در چنین حالتی، در مواردی عقیم سازی ضرورت دارد، حکم مزبور مغایر اصول مربوط به حقوق ملت است.

۳. **ابهام**: «ستاد عالی جمعیت و خانواده» مبنیاً بر ابهامات وارده، دارای ابهام است.

۴. **تذکره**: عبارت «پزشکی قانونی» صحیح نبوده و «سازمان پزشکی قانونی»

صحیح می‌باشد. همچنین در ذیل ماده عبارت «عقیم سازی را که خطر جانی

برای مادر دارد» به عبارت «عقیم سازی در مواردی که بارداری خطر جانی برای مادر دارد» اصلاح شود.

ماده (۵۳) - مغایرت با اصول ۶۰، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۱۰ و ابهام

این ماده از جمله موادی است که محل مناقشه فراوانی در جامعه شده است و براساس آن وزرات بهداشت مکلف گردیده کلیه دستورالعمل‌های مرتبط با بارداری و سلامت مادر و جنین (اصطلاحاً تحت عنوان غربالگری شناخته می‌شود) که ممکن است عوارضی برای آن‌ها ایجاد کند و یا این که کادر بهداشتی درمانی یا مادر را به سقط جنین توصیه یا راهنمایی کند، مطابق موارد ذیل این ماده بازنگری و پس از تأیید ستاد عالی جمعیت به اجرا درآورد.

پیش از اینکه به بررسی مفاد این ماده پرداخته شود، در خصوص غربالگری ناهنجاری‌های جنینی توجه به موارد زیر حائز اهمیت است:

بر اساس دستورالعمل کشوری «برنامه ساماندهی پیشگیری از ناهنجاری‌های کروموزومی جنین سندرم داون و تریزومی‌های ۱۳ و ۱۸»، (ویرایش دوم - بازنگری ۱۳۹۹) بیماری‌های کروموزومی با میزان بروز ۵ در هزار تولد زنده، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده سلامت کودکان و توسعه جمعیت سالم هستند. سندرم داون در رأس بیماری‌های کروموزومی قرار دارد. بر اساس نرخ تولد فعلی در کشور سالیانه حدود ۳۰۰۰ مورد سندرم داون در بین متولدین زنده مورد انتظار



است. از این رو، برای شناسایی زودهنگام (قبل از ولوج روح) و تشخیص مصادیق عسر و حرج والدین جهت صدور مجوز سقط، فرآیند غربالگری صورت می‌پذیرد. البته باید توجه داشت که این فرآیند تنها برای شناسایی جنین‌های مبتلا به سندرم داون، سندرم ادوارد و سندرم پاتو بوده و نتیجه منفی این آزمایش‌ها به معنای عدم وجود ناهنجاری دیگری در جنین نیست.

غربالگری، فرآیندی است که طی آن با انجام آزمایش‌هایی که معمولاً در هفته یازدهم الی سیزدهم بارداری صورت می‌گیرد، احتمال ابتلای جنین به معلولیت‌های ذهنی یا جسمی مذکور مشخص می‌شود. در صورت مثبت بودن آزمایش و قرار داشتن مادر در گروه پرخطر، پزشک متخصص، مادر را جهت انجام آزمایش‌های پیشرفته ارجاع خواهد داد. این آزمایش‌ها (اعم از آمنیوسنتز و NIPT) با درصد خطای پایین می‌توانند تا حد زیادی وضعیت ابتلاء و یا عدم ابتلاء جنین به بیماری‌های ژنتیکی را تعیین نمایند تا در صورت ابتلاء جنین به این بیماری‌ها، پس از ارجاع به سازمان پزشکی قانونی و تأیید سه پزشک متخصص، مجوز سقط درمانی جنین در فرض حرج مادر، صادر شود.

در این میان، برخی از متخصصین مبتنی بر برخی پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع غربالگری، آسیب‌های متعددی را متوجه فرآیند کنونی غربالگری می‌دانند و بر این اساس، حذف این فرآیند را در مقام مقایسه با

وضعیت کنونی، تصمیم مطلوب‌تری می‌دانند. در مقابل، برخی دیگر نیز با خدشه در یافته‌های علمی این پژوهش‌ها، نظر بر ادامه حیات فرآیندهای غربالگری دارند. اهم ادله موافقین و مخالفین غربالگری به شرح ذیل می‌باشد:

الف- ادله وافقین طرح غربالگری موجود:

۱. در حال حاضر، حضور در فرآیندهای غربالگری هیچ‌گونه الزام و اجبار قانونی ندارد و این فرآیند تنها با توصیه پزشک صورت می‌پذیرد. به این معنا که پزشک، اطلاعات لازم را در اختیار مادر قرار خواهد داد و مادر خود تصمیم خواهد گرفت که در این فرآیند شرکت نماید یا خیر.

۲. شرایط زندگی برای والدین و فرزندان مبتلا به سندرم داون و سایر بیماری‌های ژنتیکی، بسیار دشوار و قرین با مشقت‌های فراوانی است که می‌تواند والدین را دچار عسر و حرج نماید. بنابراین باید تمام مادران تحت این فرآیند قرار بگیرند تا از تولد این کودکان جلوگیری شود.

۳. با توجه به اینکه با انجام آزمایش‌های تکمیلی غربالگری، می‌توان با قطعیت وجود سندرم داون در جنین را تشخیص داد، احتمال بروز خطا و از دست رفتن جنین سالم منتفی است.

۴. در صورت حذف فرآیند غربالگری، با افزایش تولد فرزندان مبتلا به سندرم داون مواجه خواهیم بود. باید توجه داشت این کودکان از بدو تولد به



مراقبت و نگهداری ویژه احتیاج دارند. این، در حالی است که تمهیدات قابل قبولی برای نگهداری و مراقبت از این کودکان وجود ندارد.

۵. عدم امکان ارجاع مادران به فرآیند غربالگری، توسط اعضای کادر بهداشتی، باعث می‌شود جامعه روستایی کشور (که صرفاً خدمات خود را از مراکز خانه بهداشت دریافت می‌کنند) دچار سردرگمی شده و عملاً این بخش نادیده گرفته شده است. خصوصاً اینکه در این قشر از جامعه، ازدواج فامیلی عمومیت دارد و می‌تواند منجر به گسترش معلولیت و بیماری‌های ژنتیکی شود.

۶. در دستورالعمل جدید صادره از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بسیاری از مشکلات اجرایی که مورد ادعای مخالفین طرح غربالگری بوده است، اصلاح شده و نیاز به تصویب قانون در این موضوع احساس نمی‌شود.

۷. این گروه از متخصصین در پاسخ به این اشکال که عدم ارجاع مادر به فرآیند غربالگری از سوی پزشک، منجر به مسئولیت قانونی وی می‌شود چنین نظر دارند: در صورتی که پزشک در چارچوب دستورالعمل اعلامی وزارت بهداشت عمل نماید و از آن تخطی نکند مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت و در صورتی که فرآیند غربالگری و دستورالعمل‌های مربوطه حذف گردند، هیچ چارچوبی برای تشخیص مسئولیت پزشک وجود نخواهد داشت و این امر، موجب ایجاد هرج و مرج خواهد گردید.

۸. در خصوص هزینه‌های نسبتاً زیاد فرآیندهای غربالگری و آزمایش‌های تکمیلی، وزارت بهداشت با شورای عالی بیمه پیرامون تحت پوشش قرار گرفتن این آزمایشات مذاکراتی را انجام داده است تا این مشکل مرتفع گردد.

ب- ادله مخالفین غربالگری

در مقابل، گروهی دیگر از متخصصین، مستدل به موارد ذیل، قائل به نامطلوب بودن فرآیندهای غربالگری موجود هستند:

۱. اگر چه در ظاهر، فرآیند غربالگری الزام و اجبار قانونی ندارد ولی با توجه به دستورالعمل‌های غربالگری و توصیه‌های اکید پزشکان و قرار گرفتن این امر ذیل شبکه بهداشت (نظیر واکسیناسیون که متضمن نوعی الزام والدین برای واکسینه کردن نوزدان است)، این فرآیند الزامی نانوشته را به همراه خود دارد. این الزام، به حدی است که اگر والدین تمایل به انجام فرآیند نداشته باشند، پس از چند مرتبه تذکر نسبت به تبعات احتمالی عدم حضور در فرآیند غربالگری، باید رضایت‌نامه‌ای مبنی بر پذیرش تبعات عدم انجام غربالگری را امضاء نمایند که این موضوع به خودی خود، فشار روانی سنگینی را به همراه خواهد داشت. بر اساس نظر این دسته از متخصصین، مادر باید در دوران بارداری با سه گزینه حضور در فرآیند غربالگری، انجام تست‌های تشخیصی و عدم استفاده از این فرآیندها مواجه باشد تا خود دست به انتخاب بزند. اما در مقام عمل، گزینه سوم برای مادر وجود ندارد.



۲. انجام فرآیند غربالگری در راستای حذف جنینی است که مبتلا به یک ناهنجاری است. در حالی که جنین، حرمت دارد و صرف ناهنجاری جواز شرعی برای سقط آن نیست. تنها در یک فرض، برخی از فقها جواز سقط داده‌اند که آن هم تحقق حرج والدین است. انجام این فرآیند برای کشف این موارد، چندان موجه نیست.

۳. مبتنی بر فتوای مقام معظم رهبری برخی آزمایش‌های تکمیلی مانند آمنیوستنز مشروع نیست^۱. از این رو، فائده عقلایی بر انجام غربالگری (که بدون مراجعه به آزمایش‌های تکمیلی، قابل اعتناء نیست) مترتب نیست.

۴. در حال حاضر، برنامه‌های غربالگری در شبکه‌های بهداشت اجرا می‌شود. ذات شبکه‌های بهداشت، تعمیم فرآیندهای شبکه به همه اقشار جامعه است.

۱. سؤال: در دوران بارداری برای تشخیص بعضی از بیماری‌های مادرزادی جنین که اجازه سقط قانونی دارند، آزمایش آمنیوستنز (نمونه‌گیری از مایع دور جنین با ورود سوزن به شکم مادر) انجام می‌شود. پس از این آزمایش نیم تا یک درصد ممکن است کیسه آب جنین پاره شده و جنین سقط شود. در حالی که احتمال سلامت جنین بسیار بیشتر از بیمار بودن اوست. الف) آیا با شرایط فوق و اطلاع از احتمال سقط عارضی حین تشخیص، انجام این آزمایش توسط پزشک جایز است؟

ب) آیا مادر اجازه دارد تن به آزمایشی دهد که ممکن است منجر به سقط جنین او شود؟ پاسخ: در فرض سؤال اگر مادر یا دیگران با انجام عمل یاد شده خوف عقلایی سقط بدهند (هرچند با درصد احتمال بسیار کم) جایز نیست.

چنانکه، مواردی مانند واکسیناسیون عمومی و امثال آن که اجرای آن در سطح گسترده، مورد توجه نظام سلامت کشور بوده است، در این شبکه دنبال شده است. حال آنکه فرآیندهای غربالگری ناهنجاری‌های جنینی چنین ماهیتی ندارد و نهادینه کردن آن در شبکه‌های بهداشت چندان موجه به نظر نمی‌رسد.

۵. احتمال تولد کودکان دارای سندرم داون در همه مادران به یک میزان نیست. لذا شاید نیاز نباشد همه مادران با شرایط متفاوت به غربالگری ارجاع شوند. مضاف بر اینکه فارغ از هزینه‌های اقتصادی، هزینه اجتماعی و روانی سنگینی نیز در وضعیت کنونی به جامعه تحمیل می‌شود. به نظر می‌رسد ارجاع مادرانی که احتمال بروز آسیب در آنها بالاست و در گروه پرخطر دسته‌بندی می‌شوند، کفایت می‌کند.

۶. در صورتی که پزشک متخصص، مادر را واجد شرایط جهت ارجاع به فرآیند غربالگری نداند، یا پس از ارائه توضیحات لازم، والدین اقدام به انجام فرآیند غربالگری ننمایند، در صورت تولد فرزند مبتلا به سندرم داون همچنان امکان شکایت و ایجاد مسئولیت کیفری برای پزشک وجود دارد و قریب به اتفاق پزشکان این حوزه جهت اجتناب از ابتلا به فرایندهای پیچیده قضایی و تضمین عدم مسئولیت خود، همه بیماران را بدون هرگونه توضیحی - و عملاً به صورت اجباری - مکلف به انجام تست غربالگری می‌کنند.

۷. نتایج آزمایش‌های ناهنجاری در فرآیند غربالگری دارای قطعیت نبوده و



احتمالی است. این در حالی است که پاسخ‌های مثبت این تست که هنوز قطعی نبوده و نیازمند انجام آزمایش‌های تکمیلی است، باعث ایجاد نگرانی و اضطراب در مادران خواهد شد که حتی بر فرض عدم بروز برخی آسیب‌ها - نظیر گرایش به سمت سقط جنین که در در بند بعدی توضیح داده خواهد شد - خود، به عنوان یک آسیب جدی تلقی می‌گردد؛ چرا که طبعاً مادران در ایام بارداری نیاز به آرامش دارند.

۸. آزمایش‌های غربالگری دارای درصد خطا و به اصطلاح دارای نتیجه مثبت کاذب هستند، به این معنا که ممکن است جنین سالم را اشتباهاً دارای سندرم داون تشخیص دهند. چنانکه، بر اساس برخی از گزارش‌های علمی در جامعه آماری ۱۵۰۰ نفره، نتیجه آزمایش ۹۹ نفر مثبت اعلام شده و پس از انجام آزمایش‌های تکمیلی، مشخص شد که فقط یک نفر از این مادران، دارای فرزند مبتلا به ناهنجاری ژنتیکی است! آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، آن است که در نتیجه فشار روانی بسیار زیاد این دوره - یعنی از زمان مثبت اعلام شدن تست غربالگری تا مشخص شدن نتایج آزمایش‌های تکمیلی - به دلایل مختلف از جمله هزینه آزمایش‌های تکمیلی و دشواری‌های مرتبط مادر به سمت سقط جنین سالم سوق داده می‌شود، هرچند هنوز آزمایشات تکمیلی انجام نشده است. با این توضیح که آزمایش‌های اولیه و ثانویه غربالگری تحت پوشش بیمه‌های پایه و تکمیلی نیستند و پرداخت هزینه‌های بالای این آزمایش‌ها از عهده بسیاری از خانواده‌ها خارج است.

این موضوع به خودی خود می‌تواند عاملی جهت افزایش تمایل خانواده‌ها به سقط جنین (و حتی سقط غیرقانونی) باشد.

۹. بر اساس نتایج پژوهش‌های علمی، احتمال بروز سندرم داون در مادران زیر ۳۵ سال، ۱ در ۱۵۰۰ است. در کشور ما، ۸۰ درصد از مادران باردار، کمتر از ۳۵ سال دارند. این، یعنی در بیشتر از ۸۰ درصد موارد، ۱۵۰۰ مادر در فرآیند غربالگری شرکت می‌کنند تا یک کودک مبتلا به سندرم داون کشف شود. این موضوع، منجر به هدر رفتن ذخایر ارزی کشور می‌شود، زیرا تست‌های تشخیصی کشف سندروم داون، اکثراً به وسیله کیت‌های تشخیصی خارجی انجام می‌شود و طبعاً این موضوع منجر به خروج ارز از کشور است.

۱۰. بعضی از مراحل تکمیلی این فرآیندها، منجر به خروج نمونه بیولوژیکی زنان سالم ایرانی به خارج از کشور می‌شود. چنانکه، در سال‌های گذشته ده‌ها هزار نمونه خون مادران سالم باردار جهت تعیین DNA مادر و جنین با مجوز وزارت بهداشت از کشور خارج شده است. این موضوع می‌تواند آسیب‌هایی را در حوزه نشر این اطلاعات استراتژیک به همراه داشته باشد.

اما درخصوص مفاد ماده حاضر فارغ از عبارت پردازی‌های نامناسب و مبهم که به نظر می‌تواند مغایر سیاست‌های کلی قانون‌گذاری ناظر به لزوم شفافیت و عدم ابهام و استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی قوانین،



ایرادات، نکات و ابهامات ذیل قابل طرح است:

۱. **مغایرت و ابهام:** مطابق صدر این ماده دستورالعمل‌های مربوط به غربالگری نهایتاً می‌بایست توسط ستاد عالی جمعیت تأیید شود. نکته ای که در این رابطه وجود دارد، فارغ از ابهام وارده به این ستاد و همچنین مغایرت این حکم با اصل ۱۳۸ و ۶۰ قانون اساسی به جهت ترکیب این ستاد، باید توجه داشت که چگونه یک مرجع غیرتخصصی می‌تواند نسبت به بررسی یک موضوع کاملاً تخصصی اقدام نماید. علاوه بر این امر می‌تواند مغایر بند «۱-۷» سیاست‌های کلی سلامت مبنی بر «تولیت نظام سلامت شامل سیاست‌گذاری‌های اجرایی، برنامه ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی و نظارت توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» باشد. چراکه غربالگری ناظر به موضوع سلامت بوده و تولیت این امر مطابق سیاست‌های کلی سلامت برعهده وزارت بهداشت می‌باشد.

۲. **ابهام:** در بند «۲» این ماده، عبارت «این مداخلات» به دلیل مشخص نبودن اینکه منظور کدام مداخلات است و اینکه در عبارت «مقادیر مثبت و منفی کاذب» چه چیزی مورد نظر بوده، واجد ابهام است. همچنین در عبارت «تعیین مسئولیت عاملین خدمت» مشخص نیست مقصود مسئولیت مدنی یا کیفری افراد می‌باشد و یا مقصود وظایف و صلاحیت عاملین خدمت مدنظر بوده است. در صورتی که منظور

مسئولیت مدنی یا کیفری باشد، به دلیل داشتن ماهیت تقنینی در شأن قانونگذار بوده و واگذاری آن به دستورالعمل خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی است.

۳. **مغایرت:** باعنایت به اینکه مطابق صدر ماده دستورالعمل‌های صادر باید به نحو مقرر در بندهای ذیل ماده بازنگری شوند و براساس بند «۳» ذیل آن تعیین آئین‌نامه تصدیق آزمایشگاه و ... با رعایت شاخص‌های بند یک و دو مورد توجه قرار گرفته، بند مزبور با صدر ماده همخوانی ندارد و واجد ابهام است.

۳. **مغایرت:** اطلاق حکم تبصره «۱» مبنی بر عدم تخلف در موارد عدم ارجاع مادر باردار به غربالگری، در جایی که سلامت مادر یا جنین منوط به ارجاع غربالگری باشد واجد ایراد بوده و مغایر با بند «۱۶» سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری، مبنی بر لزوم سلامت باروری و فرزندآوری است.

۴. **مغایرت:** نفی امکان محاکمه و پیگیری در تبصره «۱» به معنای محرومیت حق دادخواهی افراد بوده و مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی است. چراکه اگرچه عدم ارجاع مادر به غربالگری می‌تواند تخلف محسوب نشود، اما اینکه امکان شکایت از افراد در این رابطه سلب شود واجد ایراد است. به دلیل اینکه در هر صورت عدم ارجاع مزبور باید منطبق بر شرایط و ضوابطی باشد و رعایت همین موارد می‌تواند مورد شکایت قرار گیرد.

۵. **ابهام:** تبصره «۱» از این حیث که اگر پزشک در چارچوب دستورالعمل



مورد تأیید ستاد عالی جمعیت عمل نکند ولی ارجاع مادر به غربالگری از سوی پزشک منجر به حدوث سقط یا سایر عوارض نگردد، آیا پزشک مرتکب تخلف شده است یا خیر دارای ابهام است.

۶. **ابهام:** حکم تبصره «۳» مبنی بر تجویز پزشک به آزمایشات ناهنجاری های جنینی به درخواست والدین، از این جهت که مشخص نیست این تجویز نیز باید با رعایت دستورالعمل تبصره «۱» باشد یا به صرف درخواست والدین کفایت می کند، دارای ابهام است.

۷. **ابهام:** در تبصره «۳» انجام دهنده و فاعل بارگذاری اطلاعات مادر و غیره مشخص نیست که آیا پزشک است یا متصدی مرکز بهداشتی و درمانی و از این حیث واجد ابهام است.

ماده (۵۴) - مغایرت با اصل ۱۵، نکته و ابهام

۱. **نکته:** تکلیف به استقرار سامانه جامع در این ماده از جهت افزایش هزینه های عمومی واجد بار مالی محسوب می شود.

۲. **مغایرت:** استفاده از واژه «رادیولوژی» در ذیل ماده به جهت غیر فارسی بودن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی محسوب می شود.

۳. **ابهام:** در تبصره «۱» از جهت اینکه ظرف زمانی میان عدم بروز رسانی در مراحل اول، دوم و سوم به چه میزان است و ضوابط مربوط به آن مشخص



نشده، واجد ابهام است. به عنوان مثال مشخص نیست اگر متخلف در مرحله اول به جهت عدم بروز رسانی به اخطار کتبی محکوم شد، ظرف چه زمانی مجدداً برای مرحله دوم محکوم خواهد شد.

۴. تذکر: در تبصره «۱» عبارت «مراکز مذکور در صدر ماده» باید به عبارت «مراکز مذکور در ذیل ماده» اصلاح شود.

ماده (۵۵) - مغایرت با اصل ۱۵ و تذکر

۱. مغایرت: واژه «کنترل» به دلیل غیرفارسی بودن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی محسوب می شود.

۲. تذکر: در عبارت «به صورت ادغام در شبکه» مشخص نیست که منظور از شبکه چه چیزی است، در صورتی که مقصود «شبکه بهداشت» می باشد، باید به آن تصریح شود.

ماده (۵۶) - مغایرت با اصول ۸۵، ۶۰، ۱۳۸، ۵۷، ۱۵۶، ۱۵۷ و ابهام

این ماده نیز در کنار ماده (۵۳) از جمله مواد بحث برانگیز می باشد که براساس آن با نسخ قانون سقط درمانی (مصوب ۱۳۸۴)، دستورالعمل جدیدی را جایگزین آن نموده است. بدین صورت که سازمان پزشکی قانون را مکلف نموده است تا ظرف مدت حداکثر سه ماه، یک دستورالعمل اجرایی برای مسأله سقط درمانی در شورایی مرکب از ریاست سازمان پزشکی قانونی، سه مجتهد



متجزی در فقه مسائل پزشکی، سه نفر متخصص مرتبط، یک نفر متخصص پزشکی قانونی، یک قاضی دیوان عالی کشور، یک نفر عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی تصویب نماید. گفتنی است که مصوبات این شورا الزاماً باید با تأیید دو فقیه حاضر در جلسه باشد و در غیر این صورت مصوب تلقی نخواهد شد و پس از تصویب دستورالعمل مزبور قانون سقط درمانی مصوب سال ۱۳۸۴، منسوخ خواهد شد. در رابطه با لزوم اصلاح یا نسخ قانون سقط درمانی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه تلاش می‌شود ابتدا به اهم ادله موافقین و مخالفین اصلاح و نسخ این قانون، فهرست‌وار اشاره شود و پس از آن برخی مغایرت‌ها و ابهام‌های قانونی این ماده بررسی می‌گردد.

الف- ادله مخالفین نسخ قانون سقط درمانی

اهم ادله صاحب‌نظران که با نسخ قانون فوق و ماده حاضر مخالف هستند، به شرح ذیل قابل ارائه است:

۱. قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ در حال حاضر بدون مشکل در حال اجرا بوده و نیازی به اصلاح یا نسخ آن نیست. به بیان دیگر، اجرای این قانون مشکل خاصی را ایجاد ننموده است تا بنابر نسخ آن و تصویب شیوه جدیدی باشد.
۲. این قانون، مبتنی بر فتاوی مراجع عظام تقلید خصوصاً مقام معظم

رهبری است و نمی‌توان اشکال فقهی را بر آن وارد دانست و به تأیید فقهای شورای نگهبان نیز رسیده است.

۳. از سوی دیگر، این قانون ماحصل تلاش‌های فراوان و طولانی‌مدت جامعه پزشکی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. همچنین متن این قانون در راستای احترام به تجارب چندین ساله مجریان این حوزه است و لذا نمی‌توان به سادگی این موارد را نادیده گرفت.

۴. مهلت سه ماهه مذکور در ماده (۵۶)، جهت تدوین دستورالعمل اجرایی سقط که جایگزین قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ خواهد شد بسیار کم و عملاً غیر قابل تحقق است. چنانکه در بسیاری از موارد جزئی و تخصصی موضوع، شاید چندین جلسه کارشناسی لازم باشد تا ابعاد مختلف موضوع روشن بشود.

۵. کمیسیون سقط درمانی مذکور در تبصره «۳» ماده (۵۶) در مقام عمل قابل تشکیل نیست. اینکه در تمامی استان‌ها و مراکز پزشکی قانونی، به صورت مستمر یک قاضی و یک متخصص پزشکی قانونی حضور داشته باشند، ممکن به نظر نمی‌رسد. برای مثال تعداد متخصصین پزشکی قانونی، جهت حضور در این کمیسیون، بسیار کمتر از میزان مورد نیاز است. این، در حالی است که امکان دارد مادری در ایام منتهی به ۴ ماهگی، به پزشکی



قانونی مراجعه نماید که با توجه به نزدیک بودن زمان ولوج روح، باید سریعاً تعیین تکلیف شود.

ب- ادله موافقین نسخ قانون سقط درمانی

در مقابل، گروهی دیگر از کارشناسان، با ادله مختلف که غالباً ریشه در آموزه‌های دینی دارد و البته ضمن اشاره به مشکلات و ابهاماتی که در حال حاضر گریبان‌گیر جامعه پزشکی و نظام حقوقی کشور است، قائل به لزوم نسخ و اصلاح قانون فعلی هستند که ذیلاً به اهم ادله ایشان اشاره می‌شود:

۱. با توجه به فتاوی فقهای عظام، در خصوص مصادیق ایجاد عسر و حرج و احتیاط فراوان آنان در صدور جواز سقط جنین و با توجه به حکم شارع مبنی بر استقرار دیه، باید گفت جنین دارای حرمت است و از این رو، در تشخیص مصادیق جواز سقط باید اصل را بر عدم امکان سقط گذاشت.

۲. اغلب فقهای عظام، تنها در فرضی که ناهنجاری جنینی برای مادر خطر جانی داشته باشد، مجوز سقط داده‌اند که ظاهراً مبنای آن، تعارض میان جان مادر و جان جنین است.

۳. بر اساس فتاوی موجود، (از جمله فتاوی مقام معظم رهبری) در فرضی که ناهنجاری جنین تنها برای خود طفل موجب عسر و حرج شود، امکان صدور مجوز سقط وجود ندارد. بلکه صرفاً حرج والدین در صورت

- اثبات می‌تواند مبتنی بر برخی از فتاوی، مجوز سقط باشد.
۴. جواز سقط در موارد ابتلاء طفل به سندرم داون به دلیل عسر و حرج در میان فقها اختلافی است. برخی از فقهاء آن را مصداق عسر و حرج جهت سقط جنین ندانسته و لذا مجوز سقط هم نداده‌اند.
۵. در خصوص موضوع سقط لازم است به مجموعه احکام فقهی پیرامون این موضوع به مثابه یک کل واحد توجه شود تا ابعاد مختلف موضوع روشن شود. برای نمونه فقهای عظام، سقط جنین را حتی در فرضی که جنین متعاقب تجاوز به عنف ایجاد شده باشد، (که طبعاً زن هیچ رضایتی بر رابطه جنسی نداشته است) جائز نمی‌دانند. این سنخ از فتاوی، اثبات می‌کنند که لازم است مسائل این حوزه با توجه به اصل احتیاط محل توجه باشند.
۶. در جنین نشانه‌هایی از وجود مرتبه انسانیت مشاهده می‌شود. لذا جنین، دارای حرمت بوده و نمی‌توان بدون علت (حتی قبل از ولوج روح) آن را اسقاط نمود و از همین روست که سقط بدون دلیل شرعی می‌تواند مشمول عنوان «قتل» مذکور در آیات و روایات باشد.
۷. باید به این نکته توجه داشت که در صورت بروز خطا در آزمایش‌های تشخیصی (که ظاهراً بدون خطا نیستند) ممکن است جنین سالم، اسقاط شود که این موضوع ظلم بزرگ در حق جنین، خانواده او،

جامعه دینی و حتی جامعه بشری است.

۸. در حال حاضر، علی‌رغم تصویب قانون سقط درمانی و دستورالعمل اجرایی آن، هنوز وضعیت برخی مصادیق ناهنجاری‌ها مشخص نبوده و در صدور حکم سقط اختلاف وجود دارد که طبعاً لازم است قانون برای این موارد تعیین تکلیف نماید.

اما درخصوص حکم این ماده ایرادات، ابهامات و نکاتی وجود دارد که به بررسی این موارد خواهیم پرداخت:

۱. مغایرت: باعنایت به اینکه دستورالعمل موضوع این ماده در خصوص تعیین قاعده در رابطه با موارد مجاز جهت سقط درمانی امری با ماهیت تقنینی ماهیت تقنین دارد، تفویض آن به شورای موضوع این ماده مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی تلقی می‌شود و در مواردی که جنبه اجرائی و یا آئین‌نامه اجرایی دارد واگذاری آن با توجه به ترکیب اعضای این شورا مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۲. مغایرت: مطابق این ماده سه فقیه مجتهد متجزی توسط رئیس قوه قضائیه و همچنین یکی از قضات دیوان عالی به انتخاب وی عضو شورای موضوع این ماده خواهند بود. این درحالی است که موضوع تحت صلاحیت شورا ارتباطی با رئیس قوه قضائیه و صلاحیت‌های وی ندارد. لذا این امر

مغایر اصول ۵۷، ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی تلقی می شود.

۳. **ابهام:** با توجه مفاد این ماده که نسخ قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۵ را به تصویب دستورالعمل اجرایی سقط موکول کرده است، وضعیت نسخ قانون مذکور به صورت صریح مشخص نیست و این امر به زمان نامعلومی حاله شده است. لذا زمان نسخ این قانون دارای ابهام است و همچنین مغایر سیاست‌های کلی قانون گذاری ناظر به لزوم شفافیت و عدم ابهام و استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی قوانین می باشد.

۴. **مغایرت:** تبصره «۱» که تهیه دستورالعمل فقهی در رابطه با مسائل مستحدثه در زمینه باروری و پیشگیری و درمان ناباروری را به شورای مذکور در صدر ماده واگذار کرده است، با توجه به ترکیب این شورا و ماهیت تقنینی امور واگذار شده و همچنین شمول آن نسبت به امور اجرایی و دارای ماهیت آئین نامه ای، مغایر با اصول ۸۵، ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی می باشد.

۵. **ابهام:** در تبصره «۲» منظور از عبارت «رویه‌ها» مشخص نیست. همچنین معلوم نیست صلاحیت بازنگری در «کلیه دستورالعمل‌ها و رویه‌ها در حوزه باروری، سقط و ناباروری» توسط شورای مذکور در ماده در چه محدوده‌ای است و این شورا صلاحیت بازنگری کدام یک از دستورالعمل‌ها یا رویه‌ها را دارد. اگر عبارت «کلیه دستورالعمل‌ها و رویه‌ها» موضوعات اجرایی و یا مصوبات هیئت



وزیران، کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر یا هر یک از وزرا را نیز در بر بگیرد، مفاد تبصره «۲» مغایر با اصول ۶۰ و ۱۳۸ خواهد بود. با توجه به این توضیحات و از آنجا که مصادیق «کلیه دستورالعمل‌ها و رویه‌ها در حوزه باروری، سقط و ناباروری» مشخص نشده است، این تبصره واجد ابهام به نظر می‌رسد.

۶. **ابهام:** در حال حاضر مطابق قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰ انجام سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قابل انجام است. اما به موجب تبصره «۳» این ماده، صدور مجوز سقط برعهده «کمیسیون سقط قانونی» مرکب از یک قاضی ویژه، یک پزشک متخصص و یک متخصص پزشکی قانونی قرار می‌گیرد که مطابق دستورالعمل مذکور در صدر این ماده، اجازه سقط درمانی را صادر خواهد کرد. در خصوص ماهیت حقوقی این کمیسیون و صلاحیت‌های آن ابهامات متعددی وجود دارد؛ نخستین ابهام به نحوه تشکیل این کمیسیون باز می‌گردد. توضیح آنکه در تبصره «۳» مشخص نشده است که مسئولیت تشکیل این کمیسیون بر عهده چه نهادی است و نحوه انتخاب اعضای این کمیسیون به چه صورتی است. همچنین مشخص نشده است که این کمیسیون در چه محدوده‌های جغرافیایی قابل تشکیل است و اینکه

آيا قرار است تمامی ادارات پزشکی قانونی از سراسر کشور درخواست‌های سقط قانونی را به کمیسیون واحدی که در مرکز تشکیل می‌شود ارسال نمایند، یا اینکه کمیسیون مذکور به صورت غیر متمرکز در سراسر کشور قابل تشکیل است و ادارات پزشکی قانونی درخواست‌های سقط را به کمیسیون مربوطه در همان محدوده جغرافیایی ارسال می‌نمایند.

نکته دیگری که در این خصوص قابل طرح است این است که اگر قرار باشد این کمیسیون به صورت غیر متمرکز و در سراسر کشور تشکیل شود، آیا جهت تشکیل این کمیسیون در همه مناطق کشور، می‌توان نیروی مورد نیاز را تأمین کرد یا اینکه به دلیل عدم وجود نیروی متخصص در برخی مناطق کشور، تشکیل این کمیسیون در آن مناطق با مشکل مواجه خواهد شد؟ چنانچه در برخی نقاط کشور تشکیل کمیسیون ممکن نباشد، نیاز مردم آن مناطق در صورت احتیاج به عمل سقط درمانی به چه ترتیبی مرتفع خواهد شد؟ توجه به این نکات از آن رو ضروری است که مجوز سقط درمانی لزوماً تا قبل از ولوج روح (چهار ماه و ده روزگی جنین) قابل صدور است و پس از این زمان به هیچ عنوان عمل سقط جنین مجاز نخواهد بود. از طرفی آزمایش‌ها و معاینات پزشکی در دوران بارداری به گونه‌ای است که از زمان تشخیصی ناهنجاریهای جنینی تا زمان ولوج روح فرصت محدودی برای والدین جهت اقدام به سقط



باقی می‌ماند. لذا در این شرایط مسئله زمان برای تصمیم‌گیری جهت سقط درمانی، از اهمیت بالایی برخوردار است. مبتنی بر این توضیحات و با توجه به ابهامات فوق‌الذکر درباره نحوه تشکیل کمیسیون سقط قانونی، اگر نحوه تشکیل این کمیسیون به صورتی باشد که به دلیل برخی مشکلات اجرایی تشکیل آن با تأخیر مواجه شود و یا اینکه نتواند به موقع مجوز سقط قانونی را صادر نماید، ممکن است مهلت قانونی مجاز برای عمل سقط از بین برود و از این طریق افراد متحمل عسر و حرج‌های بسیاری شوند.

ابهام دیگری که در خصوص این کمیسیون قابل طرح است، ماهیت حقوقی این کمیسیون است؛ توضیح آنکه به موجب تبصره «۳» کمیسیون مزبور از صلاحیت «صدور رأی» برخوردار است و این رأی نیز قطعی تلقی شده است. نکته‌ای که در این باره وجود دارد این است که صلاحیت «صدور رأی» در ادبیات حقوقی معمولاً برای مراجع قضایی قابل استفاده است که در این صورت لازم است تشریفات مربوط به صدور رأی قضایی و اعتراض به آن مورد لحاظ واقع نشده است. اما از سوی دیگر ترکیب کمیسیون مزبور و نحوه تصمیم‌گیری آن که بر اساسی رأی اکثریت اعضا (به همراه موافقت عضو قاضی) است، گویای این مطلب است که این کمیسیون یک مرجع قضایی محسوب نشده و آراء صادره از آن نیز در حکم آراء قضایی نمی‌باشد و نهایت اینکه می‌توان

کمیسیون مزبور را در زمره مراجع شبه قضایی دانست. مبتنی بر این توضیح، وضعیت نظارت قضایی بر تصمیمات این کمیسیون و شکایت افراد از تصمیمات آن در این تبصره مشخص نیست و ذکر عبارت «این رأی قطعی است» در انتهای تبصره «۳» این شبهه را تقویت می‌کند که تصمیمات این کمیسیون به هیچ عنوان نزد هیچ مرجع قضایی قابل طرح نیست و از این جهت این تبصره می‌تواند مغایر با اصل ۳۴ قانون اساسی تلقی شود. لذا تبصره مزبور از این جهت که آیا تصمیم کمیسیون سقط واجد چه ماهیتی بوده و همچنین قابل نظارت قضایی است یا خیر، ابهام دارد.

۷. مغایرت: «دستورالعمل ابلاغی» در صدر این تبصره مبنیاً واجد ایراد است.

ماده (۵۷) - ابهام

۱. ابهام: منظور از تهیه و ابلاغ «برنامه و تمهیدات قانونی لازم» مشخص نیست. اگر منظور از این عبارت، تهیه آیین‌نامه‌های مرتبط با موضوع پیشگیری و مقابله با سقط غیر قانونی جنین باشد، اطلاق و‌گذاری این امر به قوه قضائیه در امور غیر قضایی مغایر اصل ۱۳۸ و همچنین و‌گذاری آن بدون تعیین ضوابط مربوطه مغایر با اصل ۸۵ است.

۲. ابهام: نکته دیگر آنکه تهیه و ابلاغ «پیشنهاد اصلاح مقررات مراجع ذی صلاح مرتبط» توسط رئیس قوه قضائیه نیز معنای واضحی ندارد؛ توضیح آنکه



اصلاح مقررات موجود از سوی مرجع صادرکننده مقررده یا مرجع بالاتر و از طریق وضع یک مقررده جدید یا لغو مقررده موجود امکان پذیر است. لذا رئیس قوه قضائیه فقط صلاحیت اصلاح آیین‌نامه‌های وضع شده توسط خود را دارد. بنابراین اگر منظور از تهیه و ابلاغ «پیشنهاد اصلاح مقررات مراجع ذی صلاح مرتبط»، الزام رئیس قوه قضائیه به اصلاح مقررات موجود باشد، این مقام تنها صلاحیت اصلاح مقررات وضع شده توسط خود را دارد و هر گونه اقدام برای اصلاح مقررات وضع شده توسط قوه مجریه خارج از حدود صلاحیت این مقام و مغایر با اصول ۵۷ و ۶۰ و ۱۳۸ است. بنابراین با توجه به توضیحات فوق، به دلیل اینکه منظور از تهیه و ابلاغ «پیشنهاد اصلاح مقررات مراجع ذی صلاح مرتبط» مشخص نیست، الزام رئیس قوه قضائیه به این موارد دارای ابهام تلقی می‌گردد.

ماده (۵۸) - مغایرت با اصل ۳۶ و ابهام

۱. ابهام: مقصود از عبارت «توزیع، نگهداری و حمل داروهای رایج در سقط فقط برای مصرف در داروخانه مراکز درمانی بیمارستانی» مشخص نیست و معلوم نیست مقصود صرفاً امکان ارائه این داروها در داروخانه‌های مجاز می‌باشد و یا منظور مصرف این داروها توسط فرد در داروخانه‌هایی است که در مراکز درمانی بیمارستانی مستقر هستند.

همچنین با عنایت به عبارات به کار رفته مشخص نیست اگر فرد عادی

براساس نسخه پزشک و مطابق قانون نیز اقدام به تهیه و نگهداری این داروها نموده باشد، مشمول ممنوعیت و مجازات این ماده خواهد شد یا خیر؟ چراکه این ماده صرفاً مصرف در داروخانه را قانونی تلقی نموده است.

۲ ابهام: در صدر ماده به ممنوعیت هر گونه «توزیع، نگهداری و حمل داروهای رایج در سقط» اشاره شده است در حالی که در ذیل ماده «خرید، فروش و پخش» این داروها در خارج از سامانه وزارت بهداشت جرم تلقی شده است که این عدم هماهنگی در عبارات و عدم پیش بینی مجازات برای «نگهداری و حمل» واجد ابهام است.

۳. مغایرت: این ماده به صورت کلی «هر گونه خرید، فروش و پخش» داروهای رایج در سقط جنین، خارج از سامانه ردیابی و رهگیری فرآورده‌های دارویی وزارت بهداشت را جرم تلقی کرده است و مرتکبین آن را نیز مشمول مجازات درجه ۳ تا ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی دانسته است. این در حالی است که ذکر مجازات درجه ۳ تا ۶ طیف وسیعی از مجازات‌ها را تشکیل می‌دهد^۱ و تعیین

۱. درجه ۳

- حبس بیش از ده تا پانزده سال

- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون

(۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه ۴



مجازات به این روش عملاً انتخاب مجازات متناسب با هر کدام از اعمال مجرمانه فوق را به تشخیص قاضی واگذار می‌نماید. لذا حکم مزبور به جهت عدم تعیین

→

- حبس بیش از پنج تا ده سال
- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی
درجه ۵

- حبس بیش از دو تا پنج سال
- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال
- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی
درجه ۶

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق ازسی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها

- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

دقیق مجازات متناسب با هر عمل مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین لزوم تناسب جرم و مجازات تلقی می‌گردد.

ماده (۵۹) - ابهام و نکته

۱. مغایرت: مطابق این ماده وزارت اطلاعات با همکاری برخی دستگاه‌ها مسئولیت مبارزه با برخی اقدامات ناظر به سقط غیرقانونی شده است که برخی از این موارد ارتباطی با صلاحیت‌های این وزارت‌خانه و ساختار آن ندارد. به عنوان مثال توصیه‌های کادر بهداشتی و درمانی خارج از ضوابط چگونه می‌تواند مورد نظارت این وزارت‌خانه باشد.

همچنین مشخص نیست چرا وزارت‌خانه مزبور و سایر دستگاه‌های امنیتی منحصر به طریق سامانه‌های موجود گزارش مردمی جهت شناسایی متخلفین شده‌اند.

۲. ابهام: این ماده جهت مبارزه با سقط غیر قانونی تکالیفی را برای دستگاه‌های امنیتی به عنوان ضابط قضایی ایجاد کرده است اما مشخص نیست که عبارت «سایر دستگاه‌های امنیتی» دقیقاً شامل چه دستگاه‌هایی است. لذا دادن نقش ضابط قضایی به دستگاه‌های مختلف به این نحوه واجد ابهام است.

۳. ابهام: در ماده ۵۸ این طرح «توزیع، نگهداری و حمل داروهای رایج در سقط جنین» ممنوع اعلام شده و «خرید، فروش و پخش» آنها جرم‌انگاری شده است، اما در این ماده دستگاه‌های امنیتی فقط نسبت به شناسایی «متخلفان فروش داروهای

سقط» مکلف شده‌اند و مشخص نیست که نسبت به سایر اقدامات ممنوعه و مجرمانه مذکور در ماده ۵۸ تکلیفی برای آنها در نظر گرفته شده است یا خیر. لذا این ماده از این حیث که دستگاه‌های امنیتی نسبت به ارتکاب سایر اعمال ممنوعه و مجرمانه مذکور در ماده ۵۸ این طرح نظیر «توزیع، حمل و پخش داروهای رایج در سقط جنین» چنین تکلیفی دارند یا خیر ابهام دارد.

۴. **ابهام:** منظور از عبارت «توصیه‌های کادر بهداشتی و درمانی خارج از ضوابط» مشخص نیست. لذا مکلف نمودن دستگاه‌های امنیتی برای اعلام توصیه‌های مذکور به مراجع قضایی ابهام دارد.

۵. **تذکر:** قید «غیر قانونی» به عبارات «متخلفان فروش داروهای سقط» اضافه شود.

ماده (۶۰) - ابهام و نکته

۱. **ابهام:** منظور از عبارت «مدیران و عوامل موثر در بسترهای مجازی» مشخص نیست. در صورتی که عبارت «مدیر» مقصود مدیران شبکه بهداشت باشد باید مشخص شود و در صورتی که مقصود معادل تحت اللفظی واژه admin در سایت‌ها و کانال‌های فضای مجازی در نظر گرفته شده باشد، به نظر معادل درستی برای آن انتخاب نشده است و به کارگیری این عبارت بر ابهام این ماده از حیث افراد مشمول می‌افزاید. همچنین مصادیق «عوامل موثر در بسترهای مجازی» نیز مشخص نیست و به کارگیری این عبارت نیز واجد ابهام است.

۲. تذکر: به کارگیری واژه «خسارت» در مواردی که جنبه مجازات دارد، صحیح به نظر نمی‌رسد. لذا این واژه در ذیل این ماده باید با عبارت «جزای نقدی» جایگزین شود.

ماده (۶۱) - مغایرت با اصول ۵۲، ۵۳ و ابهام

۱. ابهام: در این ماده هیچ معیار و ضابطه‌ای جهت تشخیص این که چه مواردی فراهم سازی گسترده داورهای سقط جنین محسوب می‌شود و یا مباشرت و وسیع به سقط جنین تلقی می‌شود، ارائه نداده است. همچنین مفهوم «فعال یا مؤثر بودن در چرخه تجارت سقط جنین» چندان مشخص نیست و لذا با توجه به اینکه چنین اعمالی به نوعی از مصادیق افساد فی الارض شناخته شده است (موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)، به کارگیری عبارات مزبور ابهام دارد.

۲. مغایرت: حکم تبصره که عوائد حاصل از مصادره اموال و وسائل حاصل از ارتکاب جرم موضوع این ماده را پس از واریز به خزانه جهت مصرف برای درمان ناباروری در اختیار وزارت بهداشت می‌داند از جهت اینکه به چهارچوب بودجه‌های سنواتی محدود نگردیده است، مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی محسوب می‌گردد.

ماده (۶۲) - ابهام

۱. ابهام: مشخص نیست منظور از الزام دولت برای ارائه «برنامه‌ریزی جامع



در حوزه مهاجرت داخل و خارج از کشور» و ابلاغ آن به دستگاه‌های ذی ربط به چه معنا است و اینکه دولت به موجب این بند موظف به ارائه و ابلاغ چه چیزی است.

۲. **ابهام:** «ارتقاء کیفی جمعیت» از جهت عدم وجود مفهوم و چارچوب مشخص واجد ابهام است.

ماده (۶۳) - ابهام و تذکر

۱. **ابهام:** در حال حاضر سازمان مستقلی با عنوان «سازمان امور مهاجران و اتباع خارجی» وجود ندارد و وظایف مربوطه توسط اداره کلی با همین عنوان ذیل وزارت کشور انجام می‌گیرد. بنابراین، از آنجا که این ماده وظایفی را برای «سازمان امور مهاجران و اتباع خارجی» در نظر گرفته است و همان‌طور که بیان شد این سازمان فاقد قانون یا اساسنامه موضوع اصل ۸۵ است، به نظر می‌رسد وضعیت این سازمان از حیث صلاحیت‌ها و وظایف قانونی دارای ابهام باشد.

۲. **تذکر:** عبارت «وزارت خارجه» در تبصره این ماده به «وزارت امور خارجه» اصلاح شود.

ماده (۶۴) - مغایرت با اصول ۷۷، ۱۲۵ و بند «۱۰» اصل

۱. **مغایرت:** حکم این ماده از آن جهت که بدون توجه به دستگاه مجری سیاست‌ها و عملکردهای ضد جمعیتی، به صورت کلی توقف این سیاست‌ها و

عملکردها را بر عهده وزارت امور خارجه قرار داده است، در موارد متعددی باعث تداخل در وظایف دستگاه‌ها می‌شود و از این حیث به نظر می‌رسد با بند «۱۰» اصل ۳ مغایر باشد.

۲. مغایرت: نکته دیگری که در خصوص این ماده قابل ذکر است این است که این سیاست‌ها و عملکردها ممکن است ناشی تعهدات بین‌المللی باشد که در قالب توافقنامه‌های بین‌المللی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی رسمیت یافته است. در این شرایط، توقف تعهدات بین‌المللی مذکور از دو حال خارج نیست: الف) از آنجا که به موجب اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی هر گونه توافق بین‌المللی باید به تصویب مجلس می‌رسد، بنابراین مجلس خود نیز می‌تواند با تصویب یک قانون جدید، توقف اجرای موافقت‌نامه‌های قبلی را اعلام کند. ب) با توجه به اینکه امضای توافقنامه‌های بین‌المللی با رئیس‌جمهور یا نماینده این مقام است، بنابراین اعلام خروج از آن توافق نیز با این مقام خواهد بود. نتیجه آنکه مبتنی بر هر کدام از رویکردهای فوق، توقف تعهدات بین‌المللی توسط وزارت خارجه ممکن نیست و بر این اساس به نظر می‌رسد اطلاق این ماده که توقف کلیه «سیاست‌ها و عملکردهای ضد جمعیتی نهادهای بین‌المللی» را بر عهده وزارت امور خارجه قرار داده است، مغایر با اصول ۷۷ و ۱۲۵ است.



ماده (۶۵) - مغایرت با اصل ۱۵ و بند «۱» اصل ۱۱۰ و ابهام

۱. مغایرت: عبارت پردازی این ماده واجد ابهام بوده و می توان آن را مغایر بند «۹» سیاست های کلی نظام قانونگذاری دانست که براساس آن رعایت اصول قانون گذاری و قانون نویسی از جمله شفافیت و عدم ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. مغایرت: بکارگیری کلمه «بیوتروریسم» بدون معادل فارسی آن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی محسوب می شود. لازم به ذکر است که پیشتر در ماده (۱۸۳) مکرر قانون برنامه پنجم توسعه این واژه ذکر شده بوده که مورد ایراد شورا قرار گرفته که در نهایت در ماده ۲۰۶ قانون کلمه تروریسم زیستی (بیوتروریسم) جایگزین شده است.

۳. نکته: لازم الاجرا بودن ضوابط مصوب کمیته دائمی پدافند غیرعامل در ماده ۸

اساسنامه این سازمان که به تایید مقام معظم رهبری رسیده، ذکر شده است.^۱

ماده (۶۶) - ابهام و نکته

۱. ماده ۸ - کمیته دائمی

کمیته دائمی متشکل از رئیس ستاد کل به عنوان رئیس، رئیس سازمان پدافند غیرعامل به عنوان دبیر و حضور وزرای کشور، دفاع، و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی و یکی از معاونین ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل می شود و مصوبات آن با ابلاغ دبیر کمیته دائمی در کلیه دستگاه های اجرایی لازم الاجراء می باشد.

۱. **ابهام:** مقصود از «دستگاه‌های اجرایی» در صدر ماده مشخص نیست آیا منظور دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط نیروهای مسلح است؟ یا نیروهای مسلح با استفاده از ظرفیت و امکانات «دستگاه‌های اجرایی» به نحو مطلق و همچنین «سازمان‌های ذی‌ربط خود» باید این تکلیف را انجام دهد؟ در صورتی که مقصود دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط نیروهای مسلح باشد، معلوم نیست شامل کدام دستگاه‌ها خواهد شد و در صورتی که مقصود مطلق «دستگاه‌های اجرایی» باشد، چنین امری علاوه بر ابهام در خصوص نحوه استفاده از ظرفیت و امکانات این دستگاه‌ها به نوعی مغایر نظام اداری صحیح نیز خواهد بود. چراکه منطقی نیست نیروهای مسلح با استفاده از ظرفیت و امکانات دستگاه‌های اجرایی کشور، برای کارکنان نیروهای مسلح و خانواده و بازنشستگان خود حمایت‌های مدنظر خود را انجام دهند.

۲. **ابهام:** مقصود از خدمات بهداشتی، سلامت باروری، درمان ناباروری، افزایش ازدواج، کاهش طلاق و اعطای مشوق‌های فرزندآوری در این ماده مشخص نیست و معلوم نیست آیا این خدمات در چارچوب همین قانون خواهد بود و یا نیروهای مسلح حق خواهند داشت به هر نحو به ارائه این خدمات و به هر فرد با هر شرایطی اقدام نمایند.

۳. **ابهام:** کلمه «بازنشستگان» از این جهت که آیا صرفاً شامل «بازنشستگان نیروهای مسلح» می‌شود و یا مطلق «بازنشستگان» مدنظر می‌باشد، واجد ابهام است.



۴. نکته: ارائه خدمات موضوع این ماده واجد بار مالی بوده و ظرفیت و امکانات موجود نمی تواند به عنوان محل تأمین اعتبار لازم محسوب شود.

ماده (۶۷) - مغایرت بند «۱۰» اصل ۳ و تذکر

۱. مغایرت: حکم این ماده از جهت اینکه به نحو مطلق امکان اجرای تکالیف دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت را از طریق تفاهم نامه و عقد قرارداد با بسیج مستضعفین، فراهم نموده و برخی از این وظایف اساساً قابلیت اجرایی نداشته و یا انجام آن از سوی دستگاه موضوعیت داشته است، مغایر نظام اداری صحیح موضوع بند «۱۰» اصل ۳ قلمداد می شود.

۲. تذکر: عبارت «قانون خدمات کشوری» به «قانون مدیریت خدمات کشوری» اصلاح شود.

ماده (۶۸) - نکته

۱. نکته: مسئله قابل ملاحظه ای که درخصوص این ماده وجود دارد آن است که هم اکنون مطابق بند «الف» تبصره «۱۶» قانون بودجه سال ۱۴۰۰ درخصوص

۱. تبصره ۱۶ -

الف -

۱ - به منظور حمایت از ازدواج جوانان، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از محل

تسهیلات قرض الحسنه ازدواج احکام مربوطه ذکر شده است اما یک تفاوتی در این رابطه وجود دارد و آن ناظر به شمول حکم نسبت به زوجینی است که عقد آنها از تاریخ مشخصی عقب تر نباشد. بدین صورت که مطابق قانون بودجه تسهیلات مزبور شامل زوجینی می شود که تاریخ عقد ازدواج آنها بعد از تاریخ

→

پس انداز و جاری قرض الحسنه نظام بانکی، تسهیلات قرض الحسنه ازدواج به کلیه زوج‌هایی که تاریخ عقد ازدواج آنها بعد از تاریخ ۱/۱/۱۳۹۷ است و تاکنون تسهیلات ازدواج دریافت نکرده‌اند با اولویت نخست پرداخت کند. تسهیلات قرض الحسنه ازدواج برای هریک از زوجها در سال ۱۴۰۰ هفتصد میلیون (۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و با دوره بازپرداخت ده‌ساله است.

۲ - به منظور کاهش سن ازدواج، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است تسهیلات قرض الحسنه ازدواج برای زوج‌های زیر بیست و پنج سال و زوجه‌های زیر بیست‌وسه سال واجد شرایط دریافت تسهیلات ازدواج را تا سقف یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال افزایش دهد. بانک‌ها باید برای ضمانت صرفاً یکی از سه مورد اعتبارسنجی، یا یک ضامن و سفته و یا سهم فرد از حساب یارانه هدفمندی را به منزله ضمانت بپذیرند.

مسئولیت حسن اجرای حکم این بند به عهده بانک مرکزی و بانکهای عامل و کلیه مدیران و کارکنان ذی‌ربط می‌باشد. عدم اجراء یا تأخیر در پرداخت تسهیلات تخلف محسوب شده و قابل پیگیری در مراجع ذی‌صلاح می‌باشد.

همچنین تمامی بانک‌ها موظفند به صورت ماهانه، تعداد تسهیلات قرض الحسنه ازدواج پرداختی و تعداد افراد در نوبت دریافت این تسهیلات را به صورت عمومی اعلام کنند.

۳- مبلغ بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع این بند برای تأمین هزینه کالای ایرانی به ستاد اجرائی فرمان امام (ره) اختصاص می‌یابد. زوجین می‌توانند به جای استفاده از تسهیلات موضوع این بند، از این تسهیلات حسب مورد به همان میزان، تمام یا بخشی از تسهیلات خود را از این طریق دریافت کنند و به مصرف برسانند.



۱/۱/۱۳۹۷ است، اما مطابق مصوبه حاضر، این تسهیلات به کلیه زوجینی تعلق می‌گیرد که بیشتر از چهار سال از تاریخ عقد آن‌ها نگذشته باشد.

۲. ابهام: در تبصره «۳» این ماده، ابهام مذکور در نظر شورا در خصوص جزء الحاقی «۲» بند «الف» بودجه سال ۱۴۰۰ که بیان شده بود: حکم مندرج در این جزء ابهام دارد، همچنان وجود دارد.

۳. نکته: حکم مقرر در قانون بودجه در خصوص تسهیلات قرض الحسنه ازدواج صرفاً مربوط به سال جاری می‌باشد. درحالی که موضوع حکم این ماده به نوعی دائمی بوده و لذا اینکه در بودجه سال جاری اعتبارات لازم در این خصوص پیش بینی شده است نمی‌تواند عندالزوم تأمین کننده بار مالی این ماده شناخته شود.

ماده (۶۹) - نکته و ابهام

۱. نکته: متن ماده ۶۹ در بند «ه» تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ با

۱. ه - -

۱ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است در راستای اجرای بند (ت) ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم توسعه، از طریق بانک‌های عامل مبلغ نه هزار میلیارد (۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از هر محل از جمله منابع سپرده‌های پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه نظام بانکی به تفکیک، نسبت به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ودیعه یا خرید یا ساخت مسکن (بنا به درخواست خانوار) با بازپرداخت حداکثر بیست ساله برای خانواده های فاقد مسکن که در سال ۱۳۹۹ یا ۱۴۰۰ صاحب فرزند سوم و به بعد شده یا می‌شوند به میزان یک میلیارد و پانصد میلیون (۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اقدام نماید.

تغییرات جزئی عیناً ذکر شده است و ابهامی از حیث تعارض یا تفاوت با قانون بودجه ایجاد نمی نماید.

۲. ابهام: ابهام مذکور در بند «۳-۱۴» نظر مرحله اول شورا نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۰ در خصوص عبارت «از هر محل» در این ماده و تبصره «۱» آن نیز وجود دارد. گفتنی است عبارت از هر محل می تواند به منزله لزوم

→

به منظور حمایت از تسهیلات فرزندآوری برای تولد فرزند اول یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، تولد فرزند دوم دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، تولد فرزند سوم سیصد میلیون (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، تولد فرزند چهارم چهارصد میلیون (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و تولد فرزند پنجم و بالاتر پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به ترتیب با دوره بازپرداخت سه تا هفت سال با اخذ یک ضامن معتبر و سفته تعلق می گیرد.

۲ - بانک مرکزی مکلف است در راستای اجرای بند (ث) ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم توسعه از طریق بانک‌های عامل مبلغ چهار هزار و ششصد میلیارد (۴,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال منابع سپرده‌های پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه نظام بانکی به تفکیک نسبت به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ودیعه یا خرید یا ساخت مسکن (بنابه درخواست خانوار) با بازپرداخت حداکثر ده ساله برای خانواده‌های فاقد مسکن به شرح زیر اقدام نماید:

۱-۲ - خانوارهای صاحب دو فرزند تا سقف دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به هر زوج به میزان یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

۲-۲ - خانوارهای صاحب یک فرزند تا سقف هزار و ششصد میلیارد (۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به هر زوج به میزان هشتصد میلیون (۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

۳-۲ - خانوارهای دو نفره (زوج و زوجه) تا سقف هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به هر زوج به میزان پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اقدام نماید.



پرداخت تسهیلات قرض الحسنه حتی از محل سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت و کوتاه مدت شود که چنین امری در خصوص بانک های خصوصی و همچنین سهام داران خصوصی بانک های دولتی اضرار به غیر بوده و در خصوص بانک های دولتی نیز منجر به ورشکستگی آنها خواهد شد. لازم به ذکر است که در ماده قبل به صراحت پرداخت تسهیلات قرض الحسنه از محل پس انداز و جاری قرض الحسنه دانسته شده است که صحیح می باشد.

۳. نکته: حکم مقرر در قانون بودجه در خصوص تسهیلات قرض الحسنه مسکن صرفاً مربوط به سال جاری می باشد. درحالی که موضوع حکم این ماده به نوعی دائمی بوده و لذا اینکه در بودجه سال جاری اعتبارات لازم در این خصوص پیش بینی شده است نمی تواند عندالزوم تأمین کننده بار مالی این ماده شناخته شود.

ماده (۷۰) - نکته

این حکم علی الاصول در مواردی ذکر می شود که شمول قانون نسبت به دستگاه های ذیل رهبری ایراد داشته باشد. در حالی که به نظر نمی رسد این امر در خصوص مصوبه حاضر موضوعیت داشته باشد. گفتنی است که این حکم مسبوق به سابقه است. به عنوان مثال در تبصره «۵» ماده (۶) قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ موضوع ماده (۲) قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷)

قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱ ۱۳۹۳ مقرر داشته «عدم اجرای این قانون در مورد نهادهایی که تحت نظر مقام معظم رهبری هستند با اذن ایشان می باشد»

ماده (۷۱) - ابهام و مغایرت با اصول ۳۶ و ۵۲

۱. **ابهام:** در این ماده مستنکفین از اجرای قانون به جبران خسارت وارده نیز محکوم شده اند، این در حالی است که در برخی از موضوعات، جبران خسارات وارده چندان روشن نیست؟ به عنوان مثال در صورتی که بانک ها تسهیلات قرض الحسنه مسکن را پرداخت ننمودند، خسارت آن چگونه محاسبه خواهد شد.

۲. **ابهام:** در ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری^۱ مجازاتی ذکر نشده است و صرفاً ناظر به نوعی ترتیب رسیدگی است و لذا اعمال مجازات موضوع این ماده نسبت به مستنکفین واجد ابهام است.

۳. **مغایرت:** مطابق این ماده به نحو کلی مجازات های حبس یا جزای نقدی درجه ۴ و ۵ در نظر گرفته شده است که دامنه آن از دو الی ده سال حبس و

۱. ماده ۱۹- هر گاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضائی صالح ارسال دارد. هر گونه تصمیم مراجع قضایی مانع از اجرای مجازاتهای اداری نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضائی مبنی بر برائت باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام می نماید.



جزای نقدی آن از ۲۴ میلیون تومان تا ۱۰۰ میلیون تومان می باشد. با این توضیح، اینکه به موجب حکمی واحد و کلی هر نوع استنکافی در اجرای احکام متعدد این قانون چنین مجازاتی برای آن در نظر گرفته شده باشد، علاوه بر اینکه می تواند منجر به عدم تناسب میان جرم و مجازات شود، از حیث تعیین مجازات به موجب قانون نیز محل ایراد است. چراکه لزوم تعیین مجازات به موجب قانون مستلزم تعیین محدوده مشخص و جزئی تری جهت مجازات جرایم می باشد. این مسئله درخصوص مجازات خاص مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری در تبصره «۱» این ماده نیز وجود دارد.

۴. **ابهام:** باعنایت به اینکه این ماده، مستنکفین از اجرای این قانون را به نحو کلی مشمول مجازات موضوع این ماده دانسته است، مشخص نیست درخصوص موادی که مجازات آن در همان ماده تعیین شده، تکلیف چیست.

۵. **ابهام:** در تبصره «۲» منظور از «نهادهای امنیتی» روشن نیست. گفتنی است محول نمودن شناسایی مستنکفین از اجرای این قانون به نهادهایی نظیر وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در مواردی که خارج از حیطه صلاحیت آن ها باشد، مغایر نظام اداری صحیح تلقی می شود.

۶. **ابهام:** «ستاد ملی جمعیت» در تبصره «۳» مبتنی بر ابهامات وارده به این

ستاد واجد ابهام است.

۷. **مغایرت:** الزام سازمان برنامه و بودجه به درج اعتبارات موضوع این قانون

در قوانین بودجه سنواتی به پیشنهاد ستاد ملی جمعیت مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی در خصوص صلاحیت دولت در تنظیم لایحه بودجه می باشد.

ماده (۷۲) - مغایرت با اصول ۵۲، ۷۵، بند «۱۰» اصل ۳ و ابهام

این ماده در مقام تعیین منابع مالی و طرق تأمین اعتبارات لازم جهت اجرای احکام این قانون می باشد. در خصوص منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای این قانون و بار مالی آن در گزارش بررسی فنی و تخصصی مصوبه توضیحات لازم ارائه شد. لکن در خصوص ماده حاضر نکات و ایرادات ذیل قابل توجه می باشد:

۱. **نکته:** صدر این ماده با بیان عنوان مواد برخی از قوانین، سیاست ها و

اسناد، احکام مقرر در این قانون را لازم الاجرا دانسته است که فاقد منطقی است. چراکه قانون در صورت تصویب به خودی خود لازم الاجرا بوده و نیازی به ذکر چنین استناداتی ندارد.

۲. **مغایرت:** ذیل بند «۱» این ماده تحت عنوان «اعتبارات هزینه ای» و بند

«۲» تحت عنوان «اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای - عمرانی» بخشی از اعتبارات و منابع موجود به عنوان محل تأمین اعتبار این قانون شناخته شده است. در این خصوص اجزاء «الف»، «ب»، «پ»، «ت»، «ث»، «ج»، «خ» و «ش»



ذیل بند «۱» و حکم مقرر در ذیل بند «۲»، منابع جدیدی محسوب نمی شوند و در واقع منابع موجودی هستند که هم اکنون محل هزینه کرد آن ها مشخص است و لذا نه تنها نمی تواند تأمین کننده بار مالی موضوع این قانون باشد، بلکه به جهت محدود ساختن صلاحیت دولت در تنظیم لایحه بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی نیز محسوب می شود.

۳. ابهام: به جز موارد مذکور در بند فوق که در واقع محل جدیدی محسوب نمی شد، در خصوص سایر اجزاء ذیل بند «۱» نیز ابهامات و مسائلی وجود دارد. بدین صورت که:

- در جزء «ت» مقصود از «محل موضوع مابه التفاوت نرخ ارز» مشخص نیست. در صورتی که مقصود همان تسعیر می باشد، این موضوع در قانون بودجه تعیین تکلیف شده و محل جدیدی محسوب نمی شود.

- در جزء «ح» مشخص نیست آیا مقصود افزایش بیست درصد به جرایم تخلفات رانندگی و سپس اختصاص این منابع به مصارف موضوع این قانون است و یا مقصود استفاده از منابعی است که افزایش بیست درصدی صورت گرفته در گذشته برای مصارف موضوع این قانون است. در صورت اخیر نیز منابع مزبور محل جدیدی محسوب نمی شود.

- در خصوص اجزاء «ر» و «ز» قانون بودجه سال ۱۴۰۰ تکلیف این موارد را مشخص نموده^۱ و این اجزاء در واقع اصلاح احکام قانون بودجه به موجب

۱. تبصره ۱- ...

→

ط- به منظور اجرای ماده (۱) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵، نرخ سوخت واحدهای پالایشگاهی، پتروشیمی، فولادی و سایر واحدهای تولید فلزات و کانی‌های فلزی برابر سی درصد (۳۰٪) و واحدهای سیمانی برابر ده درصد (۱۰٪) و سایر صنایع (به‌غیر از نیروگاه) برابر ده درصد (۱۰٪) نرخ متوسط خوراک گاز تحویلی به شرکت‌های پتروشیمی که بر اساس جزء (۴) بند الف) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) تعیین می‌شود، خواهد بود. منابع حاصل از افزایش این بند به ردیف (۳) منابع دریافتی جدول تبصره (۱۴) این قانون اضافه می‌شود.

تبصره ۶-

الف - وزارت نیرو از طریق شرکت‌های آب و فاضلاب استانی سراسر کشور مکلف است علاوه بر دریافت نرخ آب‌بهای شهری، به ازای هر مترمکعب فروش آب شرب بالاتر از الگوی مصرف تعیین‌شده توسط هیأت وزیران مبلغ دویست (۲۰۰) ریال از مشترکان آب شهری، دریافت و به خزانه‌داری کل کشور واریز کند. وجوه فوق مشمول مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده

نخواهد بود.

صددرصد (۱۰۰٪) وجوه دریافتی تا سقف نهصد و شصت و پنج میلیارد (۹۶۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل حساب مذکور در ردیف معین در بودجه شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور صرفاً جهت آبرسانی شرب روستایی و عشایری و اصلاح شبکه آب مربوط به آن اختصاص می‌یابد. بیست‌درصد (۲۰٪) اع تبار مذکور برای آبرسانی شرب عشایری و هشتاددرصد (۸۰٪) برای آبرسانی شرب روستایی براساس شاخص جمعیت و کمبود آب شرب سالم بین استان‌های کشور در مقاطع سه‌ماهه از طریق شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور توزیع می‌شود تا پس از مبادله موافقتنامه بین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها و شرکت‌های آب و فاضلاب استانی و یا سازمان امور عشایر ایران هزینه شود.

تبصره ۸- ...

←



طرح نمایندگان تلقی می شود که این امر مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی و نظر تفسیری این شورا مبنی بر اینکه اصلاحات بودجه در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه می بایست بصورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد، می باشد.

۴. **مغایرت:** در تبصره «۲» احتساب اعتبارات این ماده به عنوان «کمک» و «هزینه قطعی» تلقی کردن منابع این قانون، به منزله هزینه قطعی منظور نمودن منابع مورد نظر در محل مصرف خود بدون بررسی این موضوع توسط دیوان محاسبات می باشد و اساساً مفهوم مزبور ناظر به اعتباراتی است که مطابق قوانین بودجه و یا از محل منابع دستگاه های اجرایی به مؤسسات عمومی غیردولتی تعلق می گیرد^۱ و بودجه دستگاه های اجرایی باید به صورت کامل و

→

ی- وزارتخانه های نفت و نیرو موظفند در سال ۱۴۰۰ تعرفه های آب، برق و گاز مشترکین خانوارهای کشور را به گونه ای اصلاح نمایند که با رعایت مناطق جغرافیایی کشور، تعرفه مشترکین کم مصرف خانوارهای محروم تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی برابر صفر، مشترکین تا الگوی مصرف به صورت یارانه ای، مشترکین پر مصرف بالاتر از الگوی مصرف به صورت غیریارانه ای و براساس الگوی افزایش پلکانی (آی.بی.تی) تعیین شود. تعرفه به نرخ صفر آب خانوارهای مذکور براساس بعد خانوار محاسبه می شود.

میزان افزایش تعرفه مشترکین پر مصرف بالاتر از الگوی مصرف باید حداقل به اندازه ای تعیین شود که بار مالی رایگان کردن تعرفه مشترکین کم مصرف را جبران نماید و نیاز به تامین منابع جدید نداشته باشد.

۱. ماده ۷۱- قانون محاسبات عمومی: ...

تبصره- دولت مکلف است بر مصرف اعتباراتی که بعنوان کمک از محل بودجه وزارتخانه ها و

←

مجزا در قانون بودجه درج شود. از همین رو ماده (۶۸) قانون محاسبات عمومی کشور مقرر داشته « ... منظور کردن اعتبار تحت عنوان کمک ضمن بودجه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی برای پرداخت به واحدهای تابعه و وابسته همان وزارتخانه یا مؤسسه درلتی و یا به وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی دیگر و همچنین پرداخت هر نوع وجه از این بابت ممنوع است». بنابراین احتساب اعتبارات موضوع این قانون به عنوان کمک و هزینه قطعی مغایر نظام اداری صحیح موضوع بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی محسوب می شود.

ماده (۷۳) - ابهام و مغایرت با اصل ۱۱۲

۱. مغایرت: از جمله موادی که مطابق این ماده، به موجب این قانون منسوخ اعلام شده اند، ماده (۷۶) قانون کار^۱ می باشد که از جمله مواد مورد ایراد

→

مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی و یا از محل اعتبارات منظور در سایر ردیفهای بودجه کل کشور به مؤسسات غیر دولتی پرداخت می شود نظارت مالی اعمال کند. نحوه نظارت مذکور تابع آئیننامه ای است که بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی و وزارت برنامه و بودجه بتصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱. ماده ۷۶ - مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است . حتی الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد . برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می شود.

تبصره ۱ - پس از پایان مرخصی زایمان ، کارگر زن به کار سابق خود باز می گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزء سوابق خدمت وی محسوب می شود.

←



شورای نگهبان ضمن رسیدگی به لایحه کار بوده و نهایتاً به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رسد. گفتنی است شورای نگهبان این ماده و تبصره «۲» آن را خلاف شرع دانسته بود مگر اینکه در قرارداد ذکر شده باشد.

۲. ابهام: بیان حکم «لغو کلیه قوانین مغایر با موضوعات متنوع و کلی و مواردی از جمله سیاست‌های کلی جمعیت که کاملاً موسع و قابل تفسیر است، علی‌رغم اینکه از حیث دامنه لغو‌ها و مرجع تشخیص آن واجد ابهام است، مغایر بند ۹ سیاست‌های کلی قانون‌گذاری ناظر به لزوم انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آنها بدون ذکر شناسه تخصصی، شفافیت و عدم ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی شناخته می‌شود.

۳. ابهام: مطابق ذیل این ماده از جمله مواد منسوخ، ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ می‌باشد. این درحالی است که این ماده متضمن بسیاری از فوق‌العاده‌ها و

→

تبصره ۲ - حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

۱. ماده ۶۸ - علاوه بر پرداختهای موضوع ماده (۶۵) و تبصره‌های آن و ماده (۶۶) که حقوق ثابت تلقی می‌گردد فوق‌العاده‌هایی به شرح زیر به کارمندان قابل پرداخت می‌باشد:

۱- فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا برای مشاغل تخصصی که شاغلین آنها دارای مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند تا به میزان بیست و پنج درصد (۲۵٪) امتیاز حقوق ثابت و برای سایر مشاغل تا بیست درصد (۲۰٪) حقوق ثابت هر کدام از کارمندان واجد شرایط پرداخت خواهد شد. فهرست این مناطق در هر دوره برنامه پنجساله با پیشنهاد سازمان به

←

→

تصویب هیأت وزیران می رسد .

۲ - فوق العاده ایثارگری متناسب با درصد جانبازی و مدت خدمت داوطلبانه در جبهه و مدت اسارت تا (۱۵۰۰) امتیاز و به دارندگان نشان های دولتی تا (۷۵۰) امتیاز تعلق می گیرد.
کارمندان و بازنشستگان که در زمان جنگ در مناطق جنگزده مشغول خدمت اداری بوده اند به ازاء هر سال خدمت در زمان جنگ (۱۲۵) امتیاز در نظر گرفته می شود.

۳ - فوق العاده سختی کار و کار در محیطهای غیرمتعارف نظیر کار با اشعه و مواد شیمیایی ، کار با بیماران روانی، عفونی و در اورژانس و در بخشهای سوختگی و مراقبتهای ویژه بیمارستانی تا (۱۰۰۰) امتیاز و در مورد کار با مواد سمی ، آتش زا و منفجره و کار در اعماق دریا ، امتیاز یاد شده با تصویب هیأت وزیران تا سه برابر قابل افزایش خواهد بود.

۴ - کمک هزینه عائله مندی و اولاد به کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه بگیر مشمول این قانون که دارای همسر می باشند معادل (۸۰۰) امتیاز و برای هر فرزند معادل (۲۰۰) امتیاز و حداکثر سه فرزند . حداکثر سن برای اولادی که از مزایای این بند استفاده می کنند به شرط ادامه تحصیل و نیز غیرشاغل بودن فرزند، (۲۵) سال تمام و نداشتن شوهر برای اولاد اناث خواهد بود. کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه بگیر مشمول این قانون که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول و یا از کار افتاده کلی می باشد و یا خود به تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند از مزایای کمک هزینه عائله مندی موضوع این بند بهره مند می شوند . فرزندان معلول و از کارافتاده کلی به تشخیص مراجع پزشکی ذی ربط مشمول محدودیت سقف سنی مزبور نمی باشند.

۵ - فوق العاده شغل برای مشاغل تخصصی، متناسب با سطح تخصص و مهارتها، پیچیدگی وظایف و مسؤولیتها و شرایط بازار کار با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران برای مشاغل تا سطح کاردانی حداکثر (۷۰۰) امتیاز و برای مشاغل همسطح کارشناسی حداکثر (۱۵۰۰) امتیاز و برای مشاغل بالاتر حداکثر (۲۰۰۰) امتیاز تعیین می گردد. این فوق العاده با رعایت تبصره این ماده قابل پرداخت می باشد.

۶ - فوق العاده کارایی و عملکرد در چهارچوب ضوابط این بند و تبصره این ماده قابل پرداخت می باشد:
الف - به حداکثر هفتاد درصد (۷۰٪) از کارمندان هر دستگاه براساس رتبه بندی نمرات ارزشیابی

←



→

کارمندان، طبق عملکرد کارمندان و با توجه به امتیازی که از عواملی نظیر رضایت ارباب رجوع، رشد و ارتقاء، اثربخشی و کیفیت و سرعت در اتمام کار کسب می نمایند. براساس دستورالعملی که سازمان ابلاغ می نماید تا (۲۰٪) امتیازات مربوط به حقوق ثابت وی در مقاطع سه ماهه قابل پرداخت می باشد. ب - میزان بهره مندی کارمندان هر دستگاه از سقف هفتاد (۷۰٪) درصد مذکور در این بند متناسب با میزان موفقیت در تحقق تکالیف قانونی و اجراء برنامه ها و ارزیابی عملکرد دستگاه که توسط سازمان تصویب شورای عالی اداری در سه سطح متوسط، خوب و عالی رتبه بندی می گردند به ترتیب (۳۰٪، ۵۰٪ و ۷۰٪) تعیین می گردد.

ج - مقامات دستگاههای اجرائی مذکور در ماده (۷۱) متناسب با رتبه دستگاه ذی ربط مشمول دریافت این فوق العاده می باشند.

۷ - به منظور جبران هزینه سفر و مأموریت روزانه داخل و خارج از کشور، نوبت کاری، جابه جایی محل خدمت کارمندان با تشخیص دستگاه اجرائی، کسر صندوق و تضمین، مبالغی با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران به کارمندان پرداخت خواهد شد.

۸ - به کارمندانی که در خارج از کشور در پستهای سازمانی اشتغال دارند فوق العاده اشتغال خارج از کشور براساس ضوابطی که به پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می رسد پرداخت می گردد. این گونه کارمندان در مدتی که از فوق العاده اشتغال خارج از کشور استفاده می کنند دریافت دیگری به استثناء مواردی که به موجب قوانین خاص برای اشتغال در خارج از کشور به این گونه کارمندان تعلق می گیرد نخواهند داشت.

۹ - در صورتی که بنا به درخواست دستگاه، کارمندان موظف به انجام خدماتی خارج از وقت اداری گردند براساس آئین نامه ای که با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می رسد، می توان مبالغی تحت عنوان اضافه کار، حق التحقیق، حق التدریس، حق التالیف و حق التالیف به آنها پرداخت نمود. مجموع مبالغ قابل پرداخت تحت عنوان اضافه کار و حق التدریس به هر یک از کارمندان نباید از حداکثر (۵۰٪) حقوق ثابت و فوق العاده های وی تجاوز نماید.

در هر دستگاه اجرائی حداکثر تا (۲۰٪) کارمندان آن دستگاه که به اقتضاء شغلی، اضافه کار بیشتری دارند از محدودیت سقف (۵۰٪) مستثنی می باشند.

←

ضوابط پرداخت حقوق است که به جز در یک بند، ارتباطی با موضوع و مفاد این قانون ندارد و لذا اعلام نسخ کلی این ماده فاقد وجه بوده و واجد ابهام است.

۴. تذکر: مطابق ذیل این ماده از جمله مواد منسوخ، ماده (۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت می باشد. این درحالی است که این ماده پیشتر به موجب قانون مدیریت خدمات کشوری نسخ شده است.

ماده (۷۴) - تذکر

- ذیل این ماده در خصوص امکان تمدید این قانون توسط مجلس فاقد معنا بوده و امری بدیهی است.

- عبارت «هفتاد و چهار ماده واحده» در ذیل مصوبه به «هفتاد و چهار ماده» اصلاح شود.

→

۱۰- فوق العاده ویژه در موارد خاص با توجه به عواملی از قبیل بازار کار داخلی و بین المللی، ریسک پذیری، تأثیر اقتصادی فعالیتها در درآمد ملی، انجام فعالیت و وظایف تخصصی و ستادی و تحقیقاتی و حساسیت کار با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران امتیاز ویژه ای برای حداکثر (۲۵٪) از مشاغل، در برخی از دستگاههای اجرائی تا (۵۰٪) سقف امتیاز حقوق ثابت و فوق العاده های مستمر مذکور در این فصل در نظر گرفته خواهد شد.

تبصره- پرداخت فوق العاده های مذکور در بندهای (۵) و (۶) این ماده در هر کدام از دستگاههای اجرائی، مشروط به اعمال اصلاحات ساختاری، نیروی انسانی، فناوری و واگذاری امور به بخش غیردولتی (احکام مذکوردراین قانون) و استفاده ازمنابع حاصل از صرفه جویی های به عمل آمده، در سقف اعتبارات مصوب از سال ۱۳۸۷ امکانپذیر می باشد و این فوق العاده ها جزء دیون منظور نمی گردد. انجام اصلاحات مذکور در این تبصره باید به تأیید سازمان برسد.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم مکسبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
رایا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سمیه امام، ج ۲۶، ص ۴۳۳)